CLIVE PAPERS.

2518

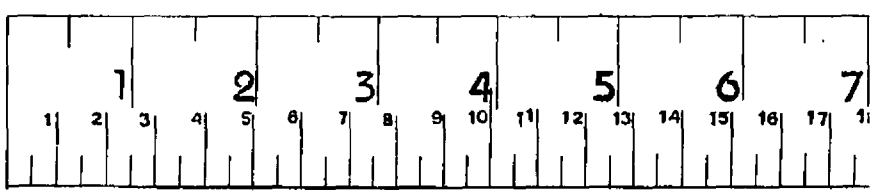

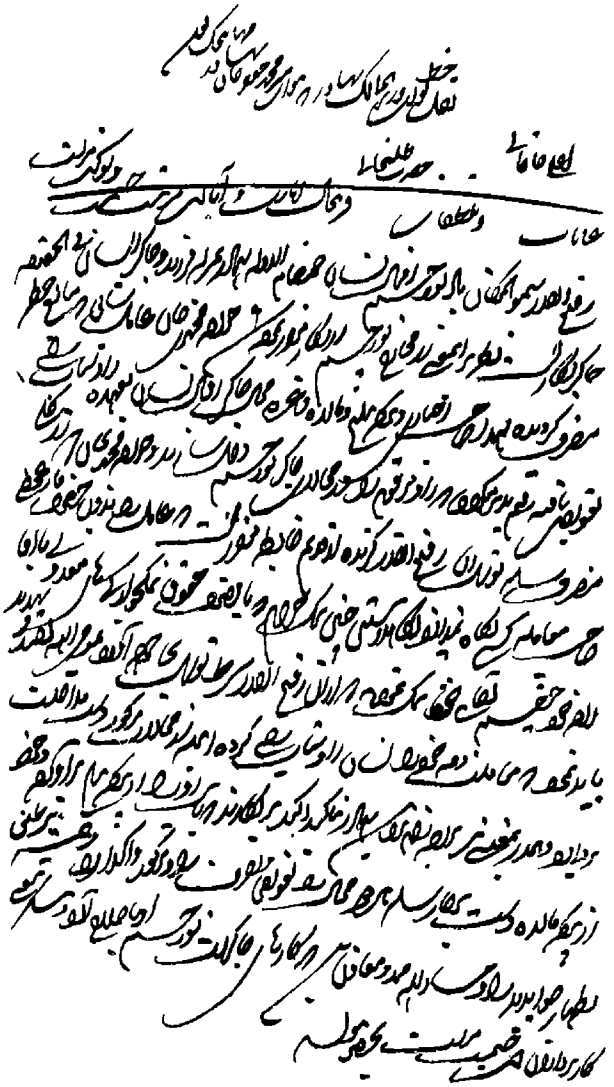

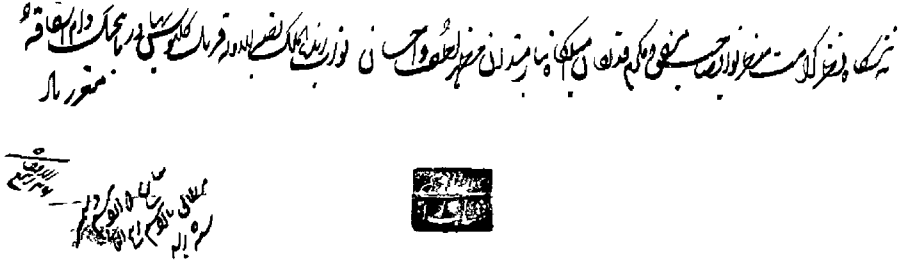

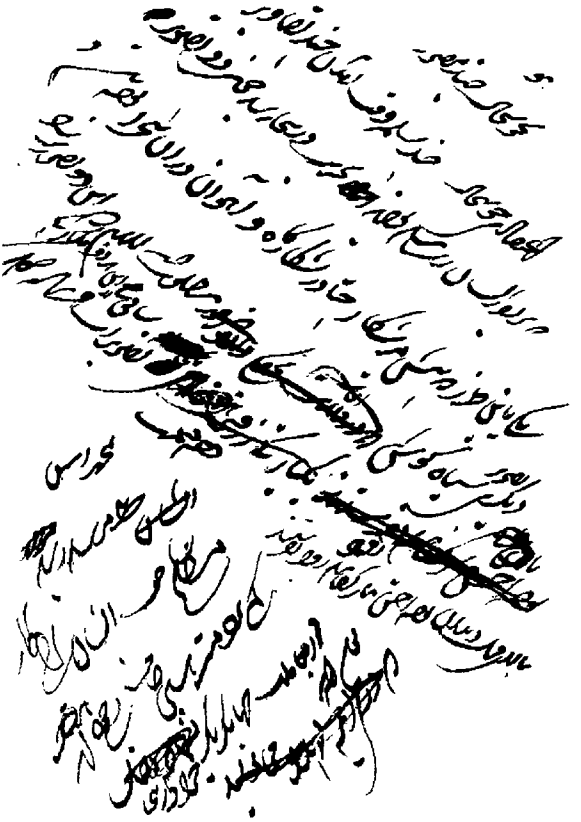

غریب نواز سلمت

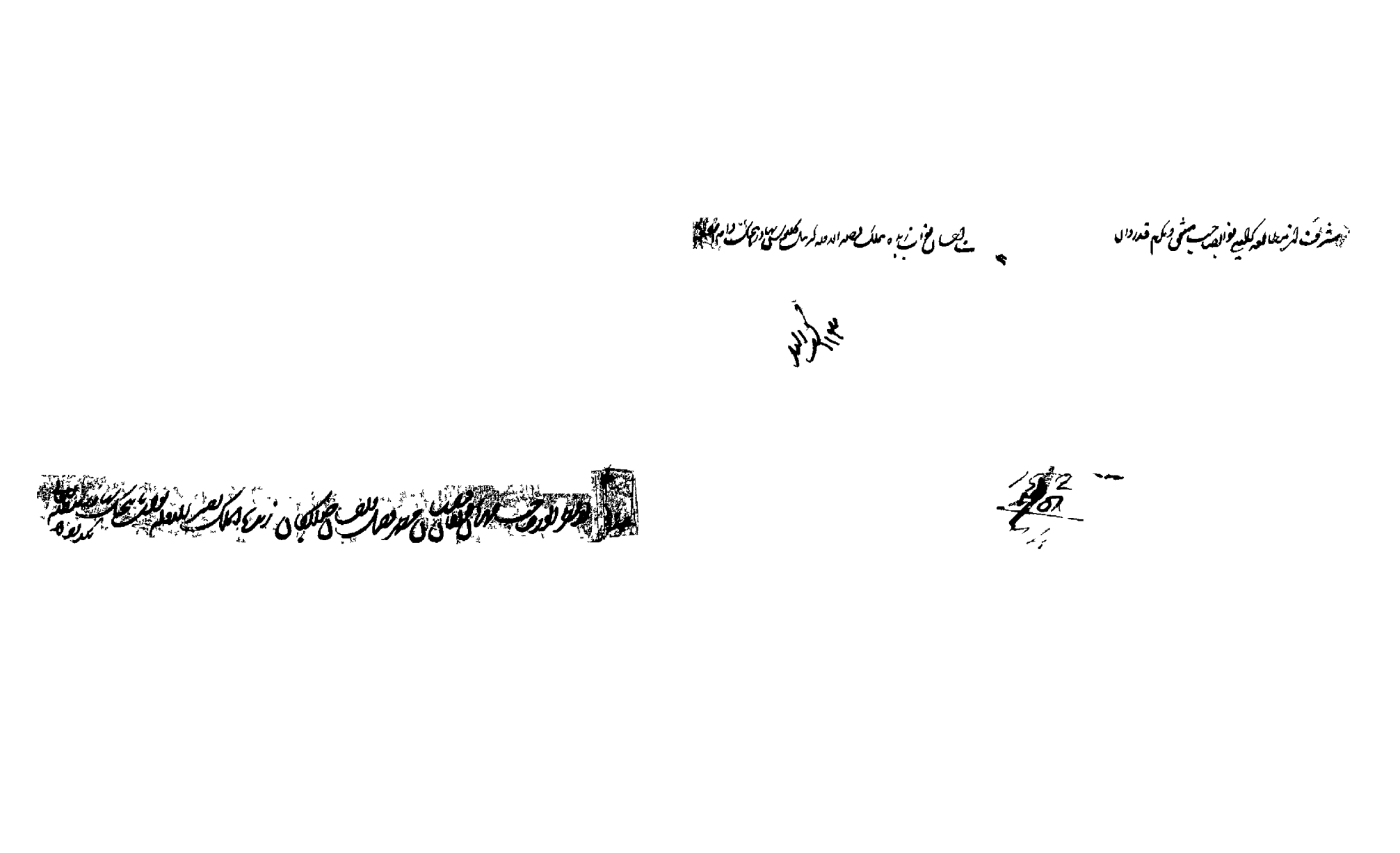

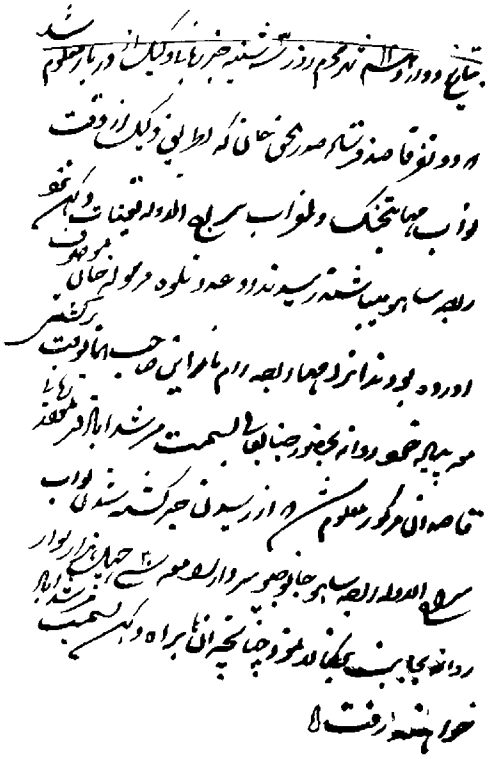

۲۷ اوایل رسید

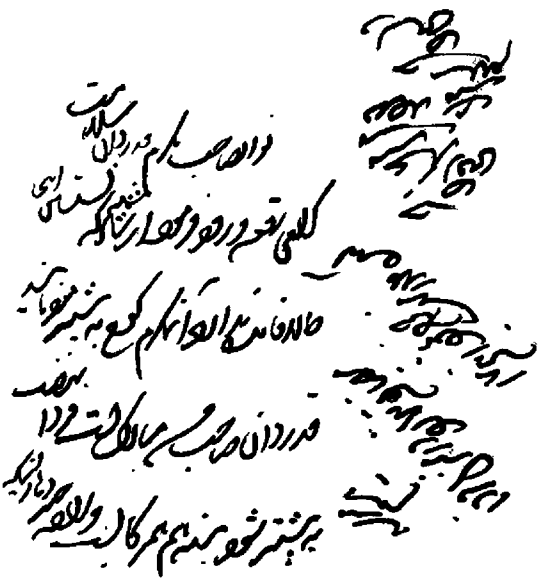

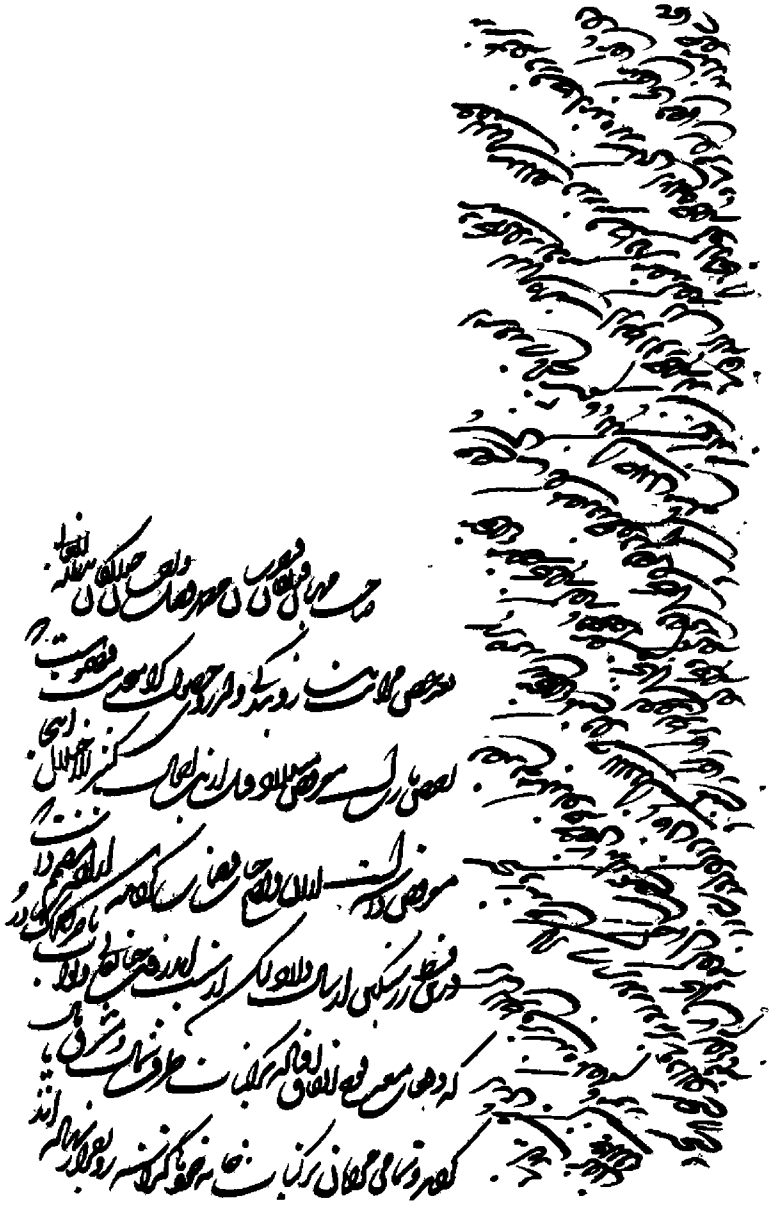

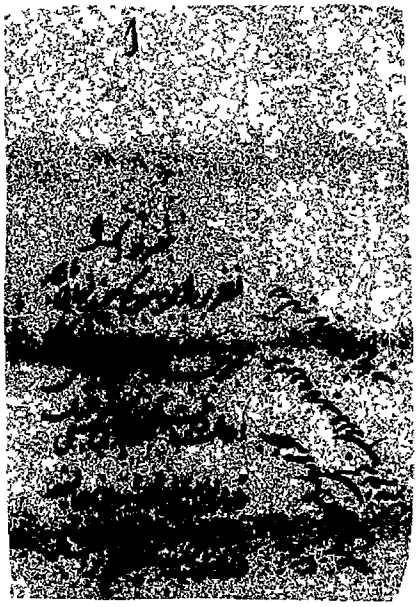

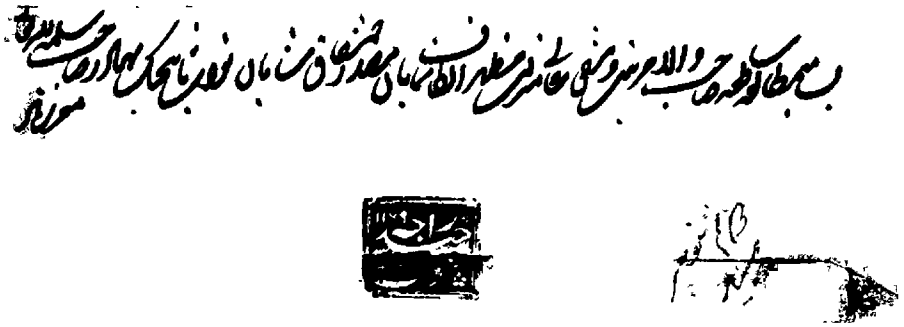

(21)

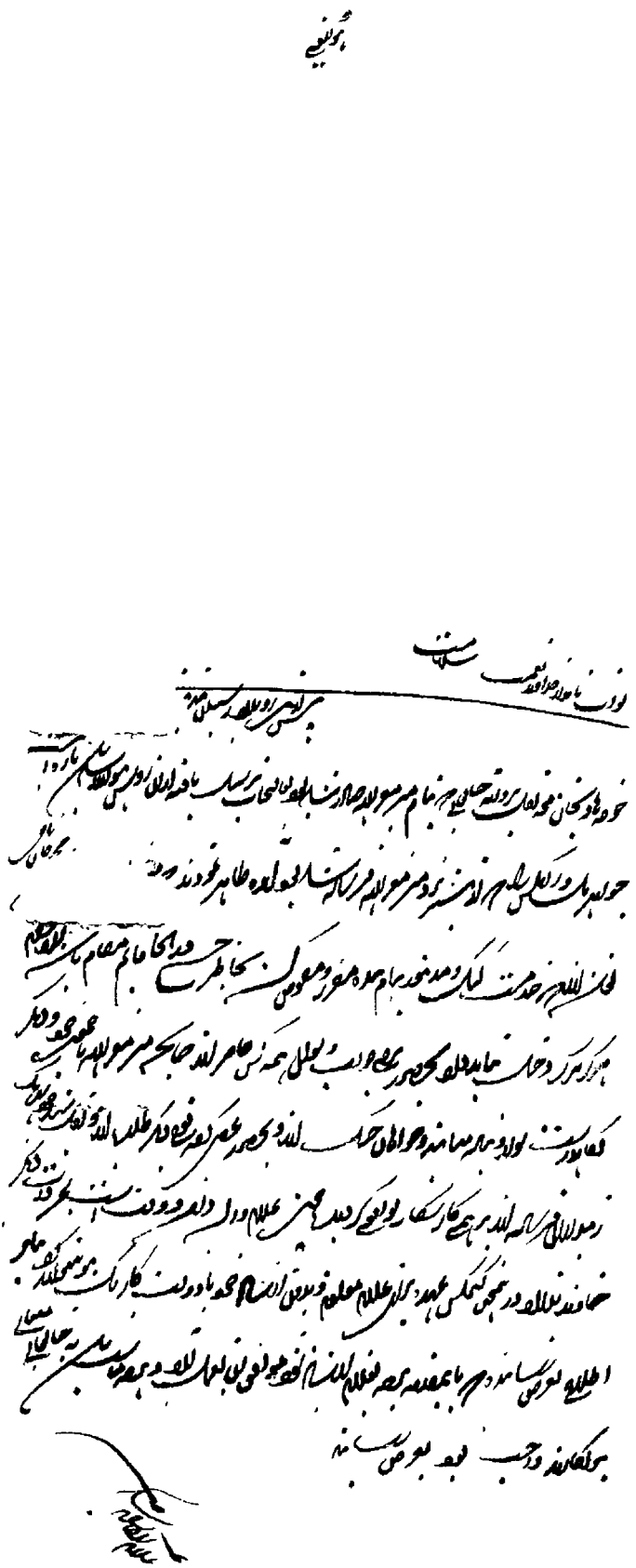

خدا در پرده‌های آن آسمان بروشنائی و اون ابران زمین مسلط بودن در روز و در شب و بجا
کردن میان آن روشنائی و میان آن تاریکی و بدید خدا که نیکوست / و[19] بود ایوار بود بامداد
روز چهارمی / و گفت[20] خدا جنبش کنند آن آب جنبش جان زنده و مرغ به پرد ابر آن زمین
ابر روی پرده‌های آن آسمان / و آفرید[21] خدا مر آن اژدهان آن بزرگان و مر همه جان ان زنده آن
جنبش کنا انچ جنبش کرده آبها بنوع ایشان و مر همه مرغ بالوار بنوع او بدید خدا که نیکوست / آفرین
کرد ایشان را خدا گفتن برومند شوید و بسیار شوید و بردارید مران آبها در دریاها و ان مرغ
بسیار شوید در زمین / بود[23] ایوار بود بامداد روز پنجمی / و گفت[24] خدا بیرون آورد ان زمین
جان زنده بنوع ان چهارپا و جنبش و زندهای زمین بنوع آن و بود همچنین / کرد[25] خدا مر زندهای
آن زمین بنوع ان و مر همه چهارپا بنوع ان و مر همه جنبش آن زمین بنوع ان بدید خدا که
نیکوست گفت خدا بکنیم آدمی در چهره‌های ما چون مانند ایمان و مسلط شوند در ماهی ان
ان دریا و در مرغ ان آسمان و در چهارپا و در همه آن زمین و در همه آن جنبش
جنبش کنا بر آن زمین و آفرید خدا مر آن آدم در چهره‌های او در چهره‌های شریف
آفرید و دیر از زد و ماده آفرید ایشان را آفرین کرد ایشان را خدا گفت ایشان
برومند شوید و بسیار شوید و بردارید مران زمین و فرو گیرید و دیر او مسلط شوید
در ماهی ان دریا و در مرغ ان آسمان و در همه زنده‌های جنبش کنان ابر ابران زمین
و گفت خدا اینک دادم بشما مر همه گیاه آن دشت انچه ابر روی همه ان زمین
و مر همه ان درخت انچه در وی درخت تخم گنای تخم بشما باشد بخورون و همه
زندهای ان زمین و همه مرغ ان آسمان جنبش کنان ابر ان زمین انچه جان زنده
مر همه سبزی گیاه بخورون بود همچنین بدید خدا مر انچه بکرد و اینک نیکو غایت او
بود ایوار و بود بامداد در روز ششم / فصل نهم / و تمام شدند آن
آسمان و ان زمین و جمله سپاه ایشان و تمام کرد خدا در روز ان هفتم کار او انچه
کرد و معطل فرمود در روز ان هفتم از جمله کار او انچه کرد و آفرین کرد خدا مر روز

ان

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل اول

1 در اول آفرید خدا مران آسمان و مران زمین | وان زمین بود تهی و ویران و تاریکی بر روی
2 تهوم و بای خدائی دزیده | شود ابر روی آن آب | و گفت خدا باشد روشنائی | و بود روشنائی
4 و بدید خدا مران روشنائی که نیکو و جدا کرد خدا میان آن روشنائی و میان تاریکی | و بخواند خدا بر روشنائی
5 روز و بتاریکی بخواند شب و بود ایوار و بود بامداد روز یکم | و گفت خدا باشد پرده در میان
6 ان آب و باشد جدا کنا میان آب باب | و بکرد خدا مران پرده و جدا کرد میان آن آب انچه
ان
آبیر از فرود پرده و میان آن آب انچه از بالا پرده و بود همچنین | و بخواند خدا ئی پرده آسمان
اب
8 و بود ایوار و بود بامداد روز دویمی | و گفت خدا جمع شوند ان آب از فرود آن آسمان
9 بجائیکه دیدار شود ان خشکی و بود همچنین | و بخواند خدا بخشکی زمین و بجمع جایی آن آبها
10 خواند دریاها و بدید خدا که نیکوست | و گفت خدا رویش کند ان زمین رویش کیاه تخم کنای
11 برنوع او انچه تخم او در و اندر آن زمین رویش | و بیرون آورد آن زمین رویش
12 کیاه تخم کنا تخم بنوع او و درخت کنا میوه انچه تخم او در و بنوع او بدید خدا که نیکوست | و بود
13 ایوار و بود بامداد روز سیم | و گفت خدا باشد روشنائیها در پردهای آن آسمان
14 بجدا کردن میان آن روز و میان آن شب و باشند بنشانها و بوقتها و بروزها و سالها
و باشند بروشنیها در پرده ها ان آسمان بروشنائی و اندر ان زمین و بود همچنین | بکرد
خدا مردو ان روشنائیهای ان بزرگان مران روشنائی آن بزرگ تر مسلط آن روز
و مران روشنائی ان خرد تر مسلط آن شب و مران ستارها | و بداد ایشانرا

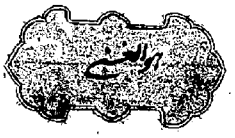

فردوس عدن ممالک افتخار الملک قرة الله سنه ورنت بهادر سپهدار جنگ

هو الغنی

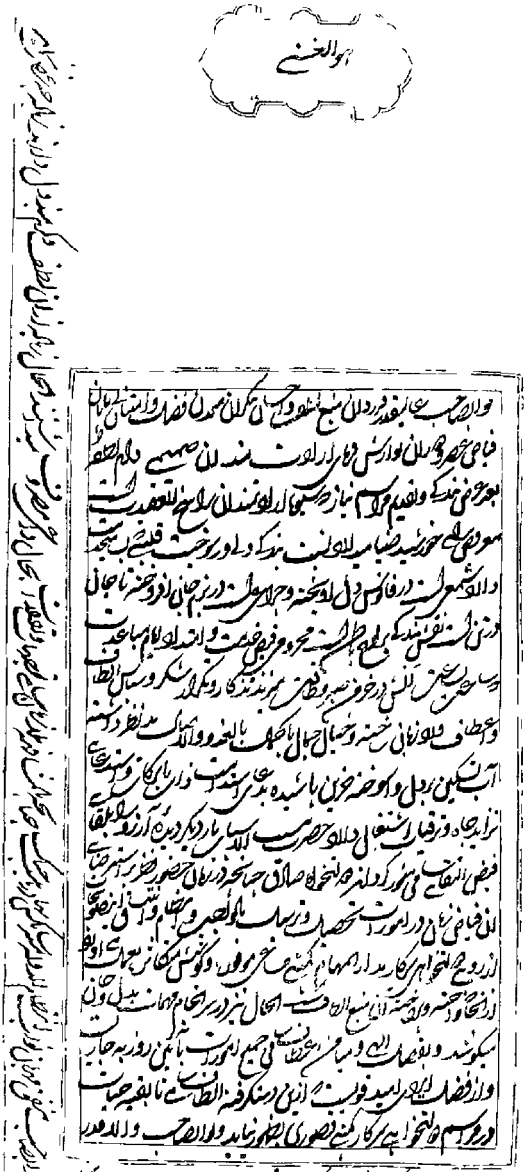

فردالی عمدة الممالک افتخار الملک فرالدوله منشور ولایت بهادر سپهدار جهانگ

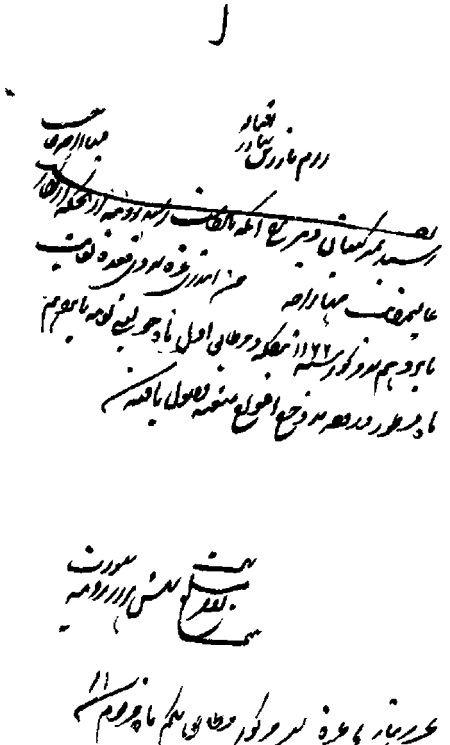

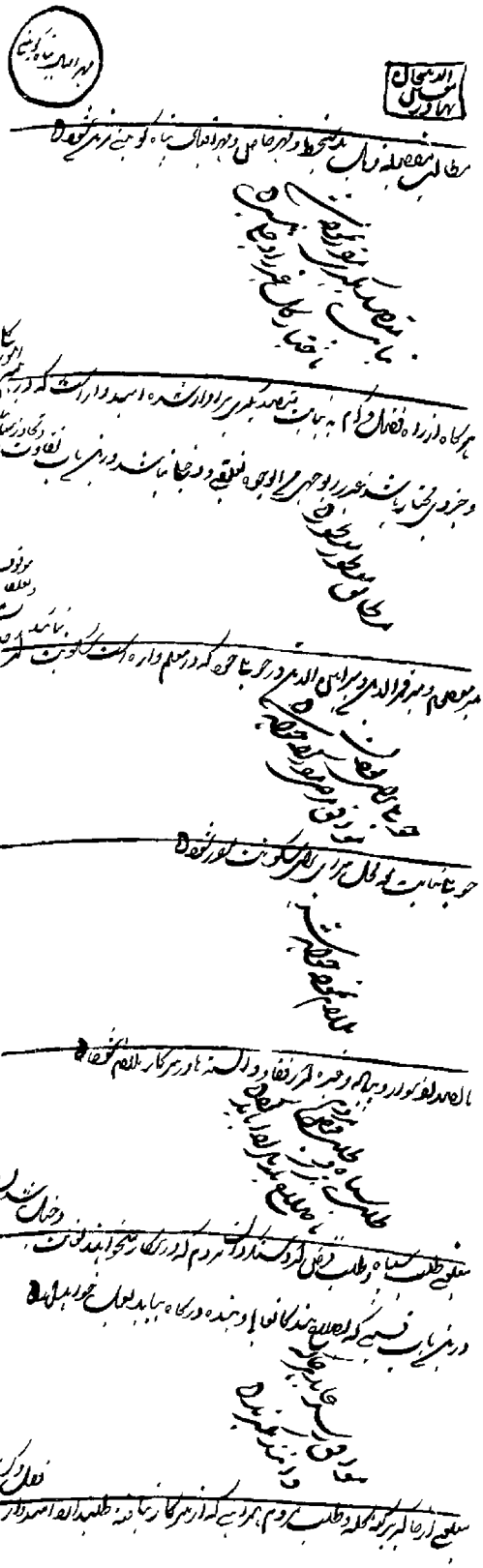

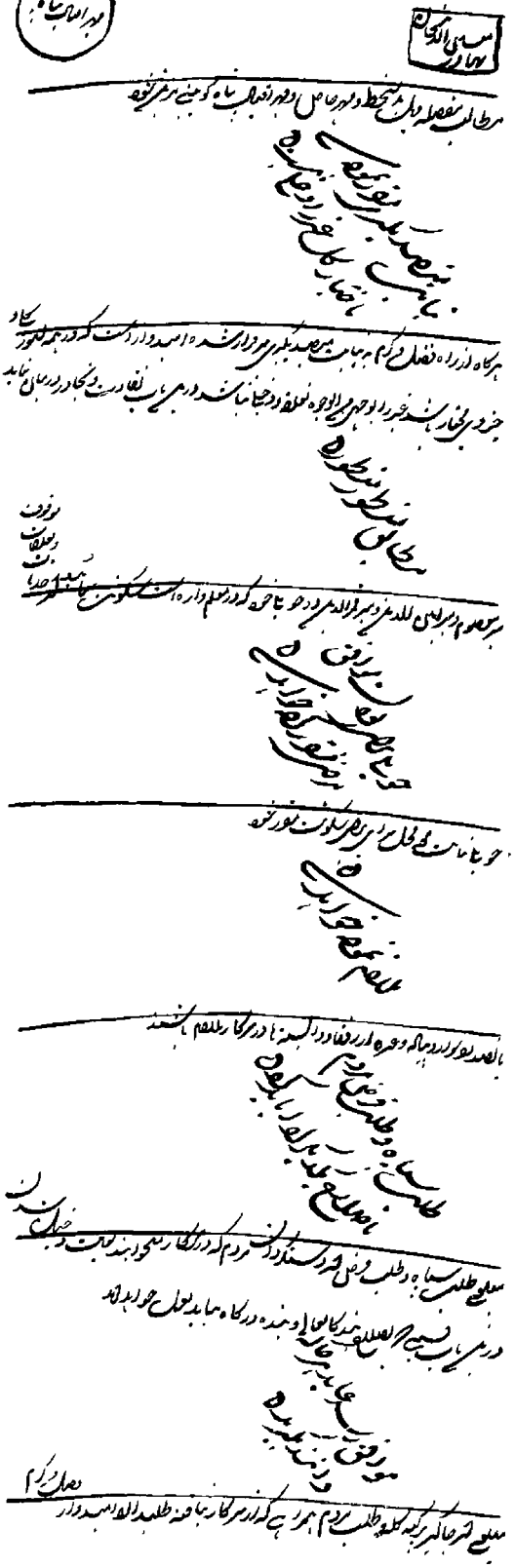

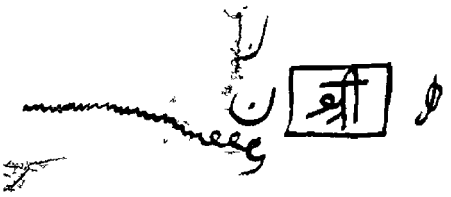

عزت نوازی سلوک

فدوی از خدمت فضیلت مرحمتی که بدرقه

غایت الهی و مهمات اقبال خداوندی دلفگار مقام سپهر نوایی

کوهه بندگان عالم حالت روزافزون مشغول است قصه مالفامن زرتخواه

مشغفی بابوابین چند جمع باد دلفه مسمار الله گفا زرتخواه مذکور

نمه مرآید و بنده نیز پس و پیش بنوه مومن الله مقصر خواهد بود

و وقتیکه اخضر رخصت از حضور سعادت گنجور گشته هر زمان کوکب طالع

بخدمت بندگان مرجع همه و فدوی درخواست مطلب

دلفواری حسب الامر الخدا گفا نحواله نامبرده کهه آمید از

فضل و کرم الله بر کمتر طایفه مذکور منحصر مطلب کمال

کهه در بعضی هیچ نقصان گفا رخ نماید از نظر دور نمی آید و احسان

کلی اخضر خواهد گفت چون بندگان خباب فضایل مآب و مکارم

عوام اند و هر که معتصم بدامن اقبال مامن کهه مستفید همه ولوی کهه

و فدوی صغیر از حضور فیض گنجور پناهی دنیا نبت ظله العالی

مدام مبسوط باد

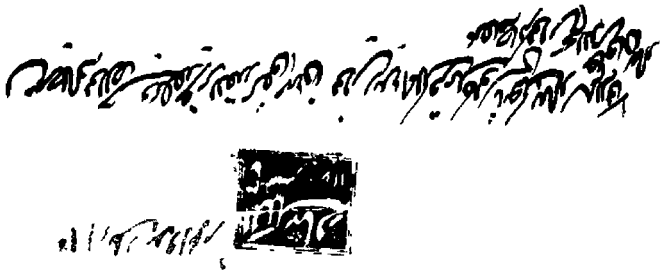

Contracted & agreed Upon
between the Hon.ble Richard Bourchier
Esq.r in behalf of the Hon.ble English East India
Company on one part & Sharasseaun
on the other this 12 day of March 1758 Vizt

1st That the Hon.ble Company Troops
& Marine Forces of Malabar Coast
Sharasseaun in possession of the
Government of the City of Surat
by fixing them on the Barbard &
supporting them on the same

2d That the Hon.ble Company shall
possess the Castle of Surat with all
the immunities and Emoluments
of the Sombaldy whatsoever the
Sudder or now possessed of or shall
right to Depend upon

3d That Sharasseaun shall pay
the Whole Expence of the Expedition
for which the bonds the Shroff &c
or Custom house for Security of
Payment

4th That the Sum of Rupees Two
Lacks (200,000) shall be made
good and paid to the Commanders
and private People both Military
& Marine that they may not
plunder nor commit any Irregu-
larity, which seem'd to be made
good to them by a Parwanah Laid upon
the City Merchants Shroffs &c
Inhabitants

قرار داد عهد و پیمان فیمابین اعلیحضرت پناه کوین و خاندان نامدار سرکار کمپنی
بوساطت جنرال مستر ریچرد بوچر حاکم جزیره مینی رضامندی
خاطر صاف الیه شده در تاریخ غره ماه صفر سنه ۱۱۷۱ یکهزار و یکصد و هفتاد و یک هجری
مطابق ۱۲ مارچ سنه ۱۷۵۸ عیسوی

اول آنکه صاحب کمپنی لشکر و توپچی و بحریه مالابار کوست
شرقاسیون در تصرف حکومت شهر سورت
بگیرند بر برج و بارو و حمایت نمایند بر آن

دوم آنکه صاحب کمپنی قلعه سورت را با اعلیحضرت پناه کوین بگذارند
و متصدی مالک بندر سورت باشند با
تمامی حقوق و منافع و مداخل قلعه داری
و متصرف منوطه بقلعه داری و ضابطه سورت خواهند داشت

سوم آنکه شرقاسیون خرچ لشکر و توپچی و بحریه را
طرف خود بدهند و در وقت عبور از بندر مالک بورت
کفیل و ضامن باشد

چهارم آنکه مبلغ دویست هزار روپیه بطور انعام بسپاهیان جهازی و خشکی و بحریه
خان معظم الله صاحب کمپنی مرحمت شود که هیچ نوع نافرمانی و تاراج
و تقصیر بعمل نیاورند و در صورت وقوع این امر سپاهیان انعام را
بر عوض تاراج و خسارات وجه مذکور باید داد

5 That The Watch State called
Mulnar Kirkie shall at all
Times be possessed by the English
Without Molestation from any
of the Government officers or Bishops
and that the Two Gates one of the
Inward Walls from one of the Outward
Walls next to the English Gardens
shall always be free for the English
to come unto or goe out of at all Times
without any Molestation

6 That the Company shall
Enjoy all the Priviledges of the
Moguls Royall Firmaund as
amplye as they ever Enjoyed them
without any Molestations from
any of the Government officers
either to their own Trade or any
under their protection

7 And Lastly this Contract &
agreement is not intended in
any Shape to prejudice the immu-
nitys nor indulgence Granted by
the Moguls Firmans or other Farmaens
nor to prejudice the Marratthas
in whatever Contracts or agreements
are enforce between them & the
Government of Surat, but that
Sharrifo Cawn shall be obliged
to pay them their Stipulated
one Third of the Revenues of Surat
that has been done for some years past
hitherto

of these Engagements to signed
Sealed & Exchanged the day above
mentioned between the Contracting
Party of the 1st Part Richard Bourchier
& Johannes Cleaver

R Bourchier

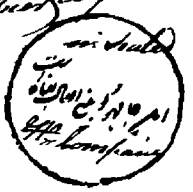

مزار عبدالله ملقب فارسخان

مترجم الکلمه

ع صمد

کمترین بندگان

بود نقدم مراسم نیاز دلداده کوران بجا آورده مود و مهمد الله که فیمابین از مزبور عرایضه نیاز از
لسان بنده با فارسخان مترجم و معهود و میان افغانان پناه کوه منیع الکلمه با فارسخان والد کلمه مزبور بلسنه
فلوبنده رکورت دانورن لسان تعلقه بابت وغیره در وبدالله و الفه فارسخان والد کلمه مزبور بالقصه عرف
تعلقات مرقوم و تعلقات دیگر ایران بان پادشاه هندوستان که از عهد سلطان فردوس مقر نوشه مسند حاجی
زوراه رکورت فرعلوز رضاعلی مهمان بحرار رسیده انعام بابت وغیره تعلقه دیگر ایران مذکور
هیکاسیه و تعلقه رضاعلوز مزبور و دیگر مزبور در میان کسان افغانان پناه کوه منیع الکلمه مزبور طی مسافت جهان
که از راه رکورت متصرف شده بود بنده و دیگر مزبور از جزایر مرطوبی ساخته تا که مسند حاجی زنده
فردوس مکان رسیده بعد از ان مسند حاجی فردوس مکان در هند رسیده حضور از انجا مهمان رسانیده
پیش کوه مزبور مسند حاجی مهمان کوه مکان والا جزا شده دیگر مزبور پادشاه با کوه مزبور کوه مکان جزایر
سوال نموده در مزبور پادشاه از هند رسیده که نظر عرضداشت حضور داشته بلفیمابین که مرطوبی مارک
گذشته باشد و لفوای فردون فردون فیمابین شده باشد و کوه مزبور کوه مکان نظر مزبور مرطوبی مارک
فارسی ترجمه جاگیران بان پادشاه که از مدت بجا بعضی مالک بود همان جاگیرات مذکور جوالده مزبور
نموده از ان جمله از جاگیرات مذکور در تمام مهمان فیمابین مبلغ شش هزار روپیه مالیه مقرر شده

مزار عبدالله انصاری کابل

مرحوم کلمه

ع محمد

کلمه مرحوم

بود لفظ مرحوم را بسیار بلوازم کورنش بجا آورده مود و محمد الله که نهال از مرحوم عرایضه بناز از

لعوال سند یا فارسی مرحوم و محمد و همان افتاب پناه کومپنی الکلیش یا فارسی دالد کلمه مرحوم

نلوند بلورت دلورنش لفظ بابت وغیره و رویداده دالو فارسی دالد کلمه مرحوم یا لفظ عف

لفظ برزوم و لفظ وجاکیرات بان پادشاه هندوستان که از جد کلان فدوی تقرر لفته سنده حاجی

لذراه رخوت فرعلوز رضا مسلمان جهان دیهرار روپیه لفته بابت وغیره لفظ وجاکیرات بدرد

هماسیر لعلوز رضا مولوی نمود و کلمه مرحوم کرده مینویسان افتاب پناه کومپنی لوهاری خاطر سلع جهان

که از راه رخوت مصروف شده لوهاری دکلمه مرحوم را خراب مرطلق ساخته ناکه سنده حاجی زاده لوه

فدوی رسیده لوهاری سنده حاجی فدوی رسیده مینویسد حوده لوهاری از کمال رسانیده

پس کوید سنده مرحوم و صاحبان کوسل دالد حواله شده دکلمه مرحوم شاه ناکوید کوسل حواله

سوال نموده و در مرحوم شاه از هند رسیده نظر عرضداشت حضور داشته لفافی که مرطرف

کذاشته باشد و لفافی فردن فردن ذهن نشین شده باشد و کوید کوسل لطرف صاحب

فارسی مرحوم جاکیرات بان پادشاه که از مدت بیحد سال لوهاری همان جاکیرات مذکور حواله

نموده اوراق خته از جاکیرات مذکور در تمام بان دیه میشش هزار روپیه صدر و صاف

وفارسی مرحوم جهان سپرده و خته و حواله بلوهاری کوسل داشته باذیب صد لفظ کوسل از مرحوم افتاب

رحلت کوید و فارسی مرحوم که دالد انم کلمه مرحوم طرف برداشته فوسان و فدوی

درکار حواله داران افتاب پناه کومپنی نفوذ کوده در لفظ مرحوم رفاقت و مراطه خدمت فصور خته

سفوف می که لوهاری مطلقاً طرز بندان فرزندان افتاب پناه کومپنی بردرش حواله

باخته و در ملک هندوستان ملکه و بصفحه اعلیم عزوز بوده خته و دستکیری زبان فزار

و عهد و پیمان افتاب پناه کومپنی مشهور و کوف است هر کس را که دستکیری کرده امد عهد و

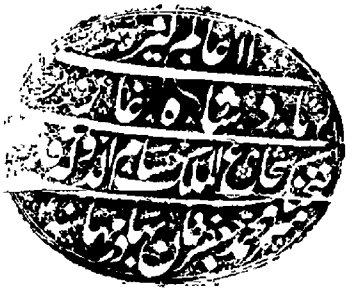

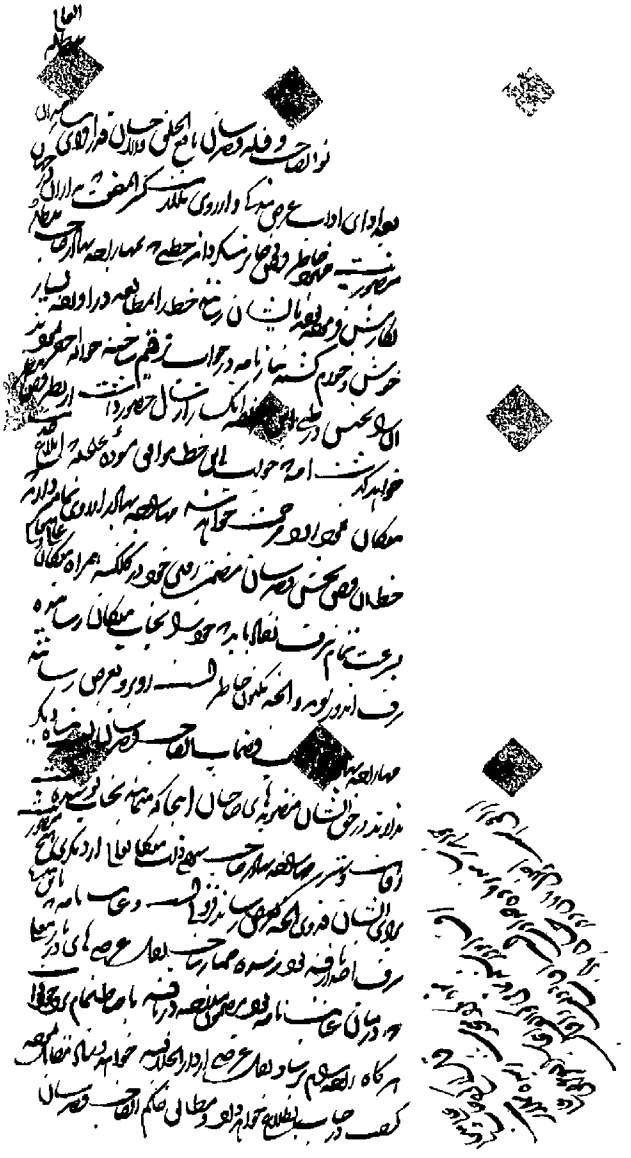

(380)

نزد الصاحب قاضی خان سلمه الله

(29a)

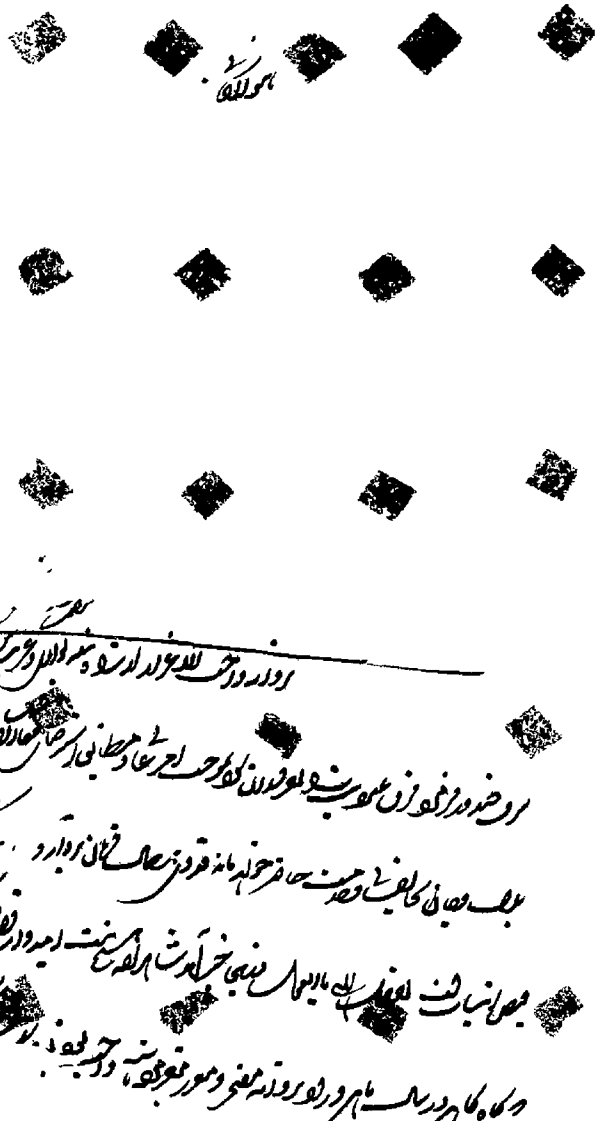

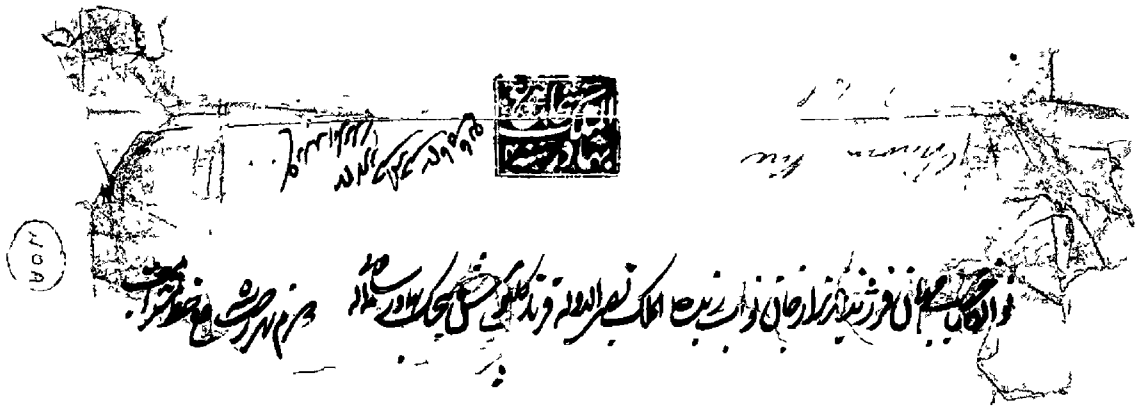

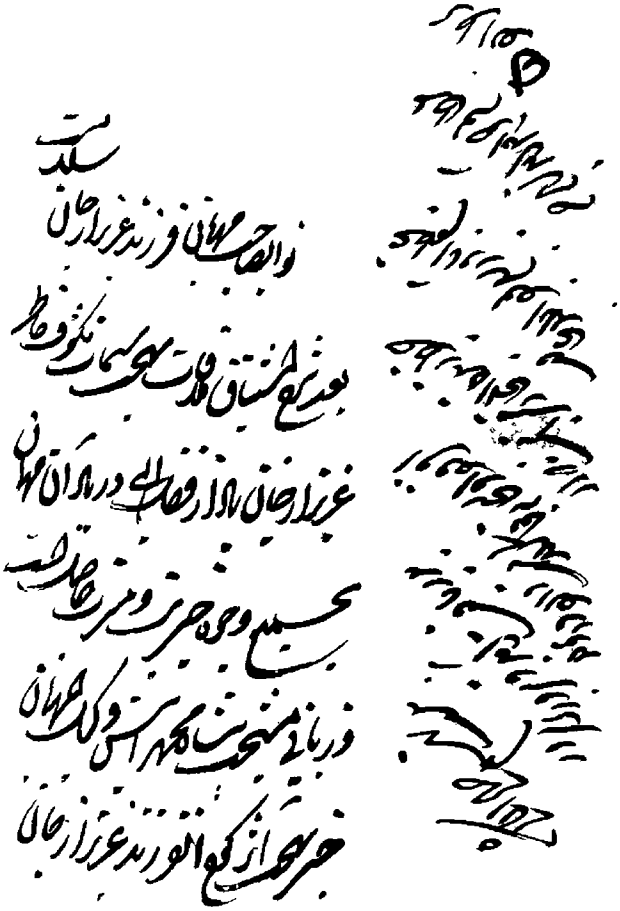

نواب صاحب مهربان فرزند عزیز ارجمند نواب زبدة الملک تابت حکم اهلیم رسم

جواب مقتضی رسیده خطه فیلان
غره رمع الثانیه

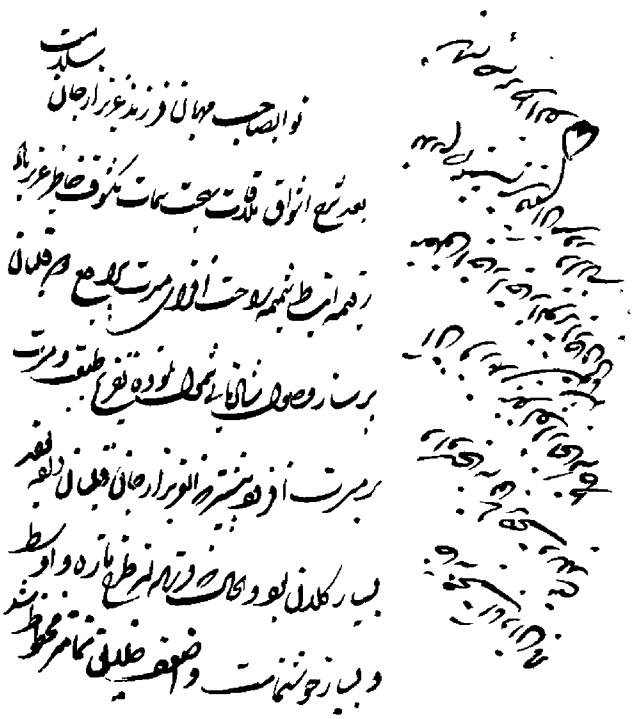

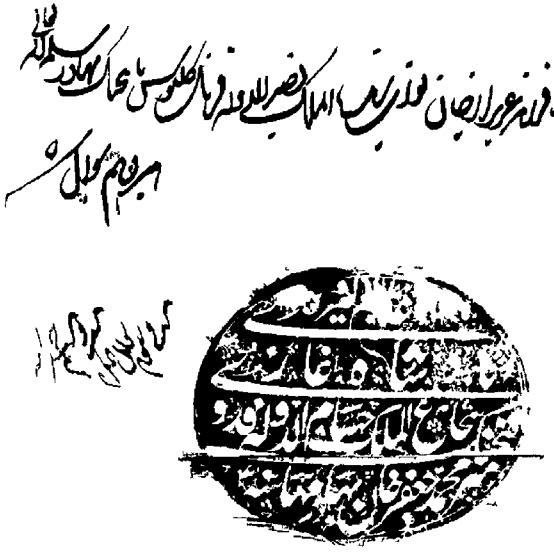

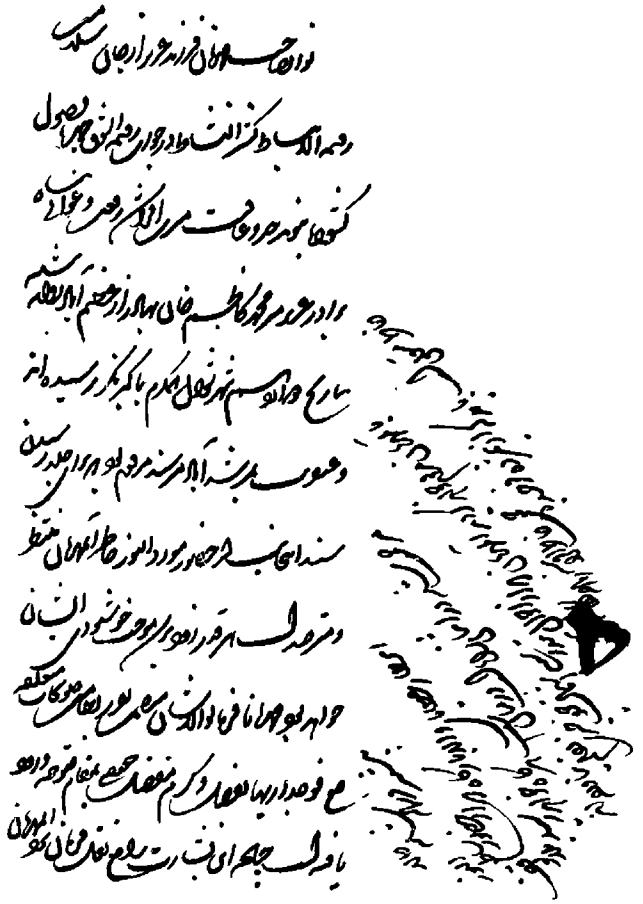

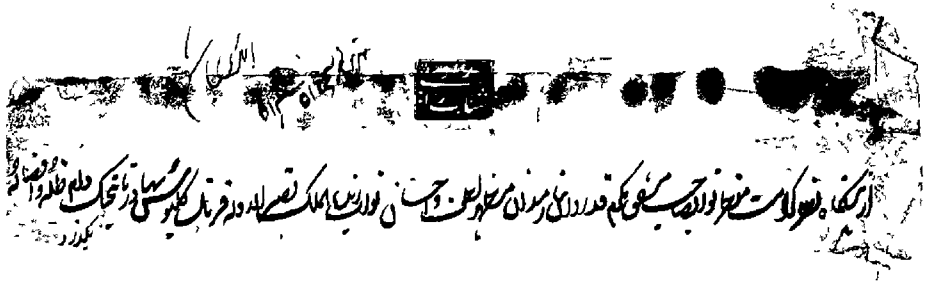

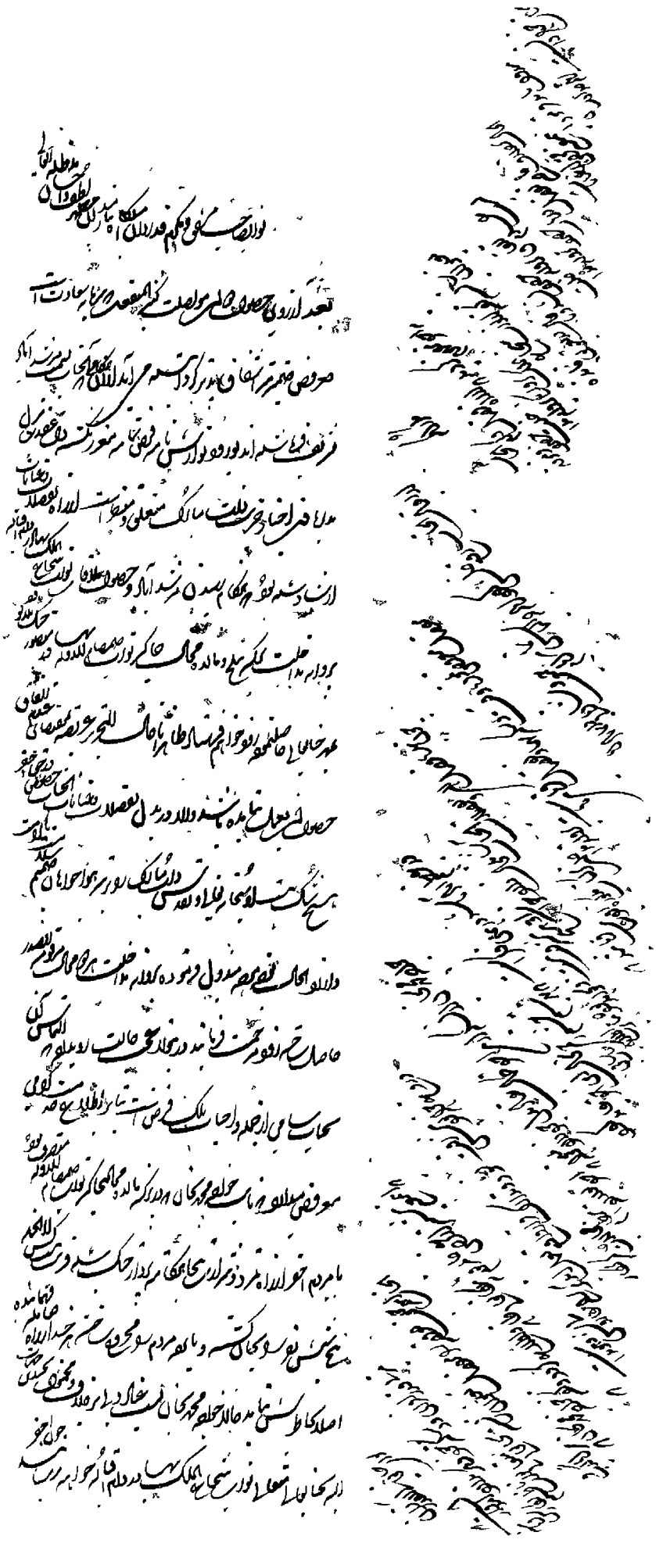

44A

هو الغنی

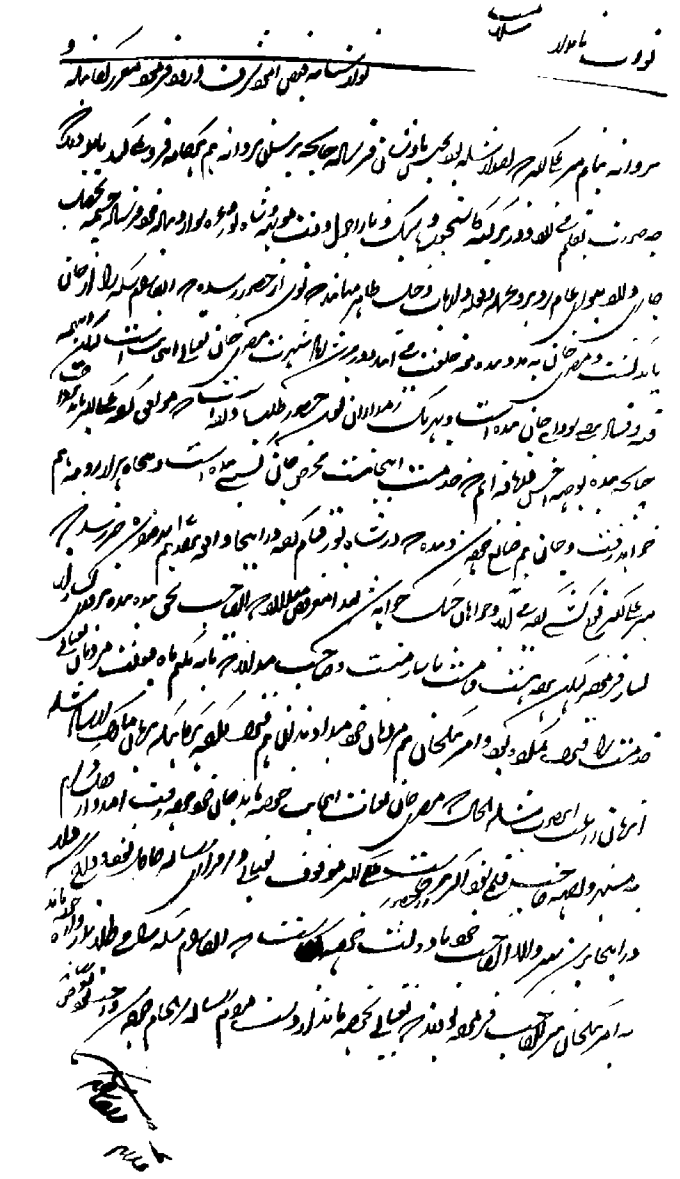

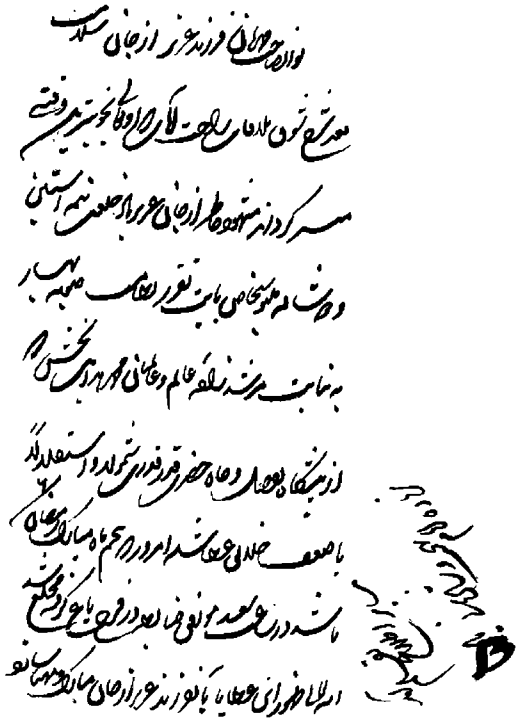

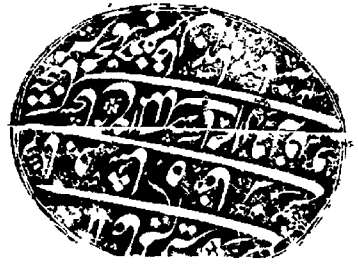

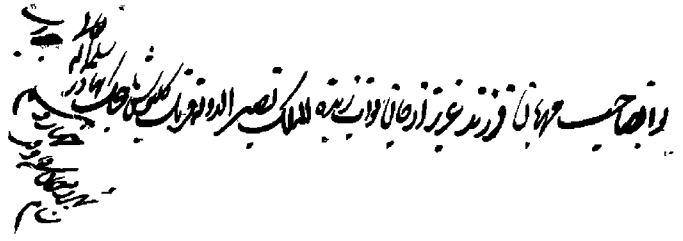

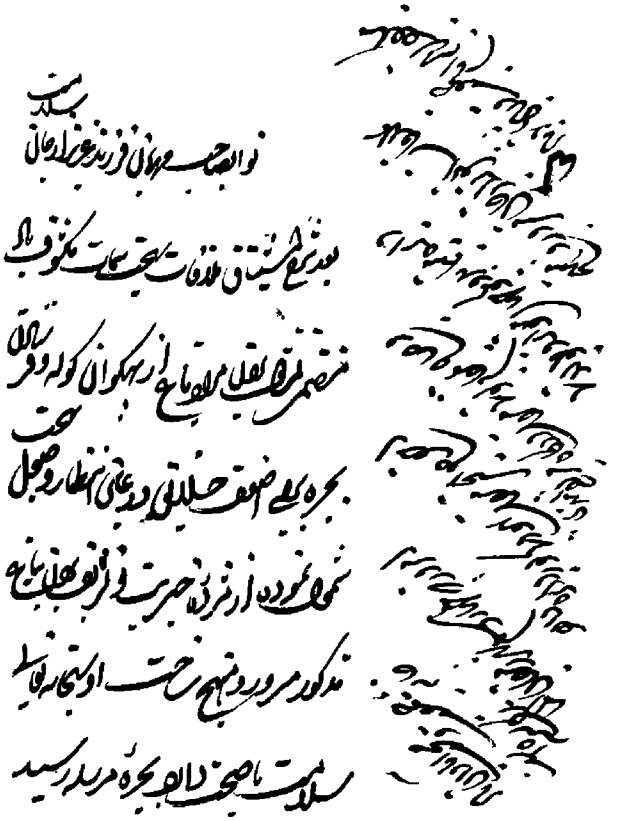

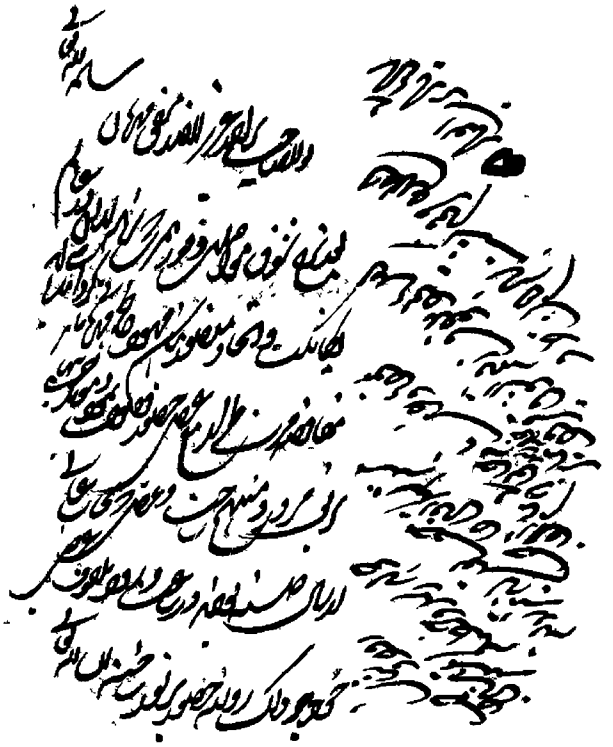

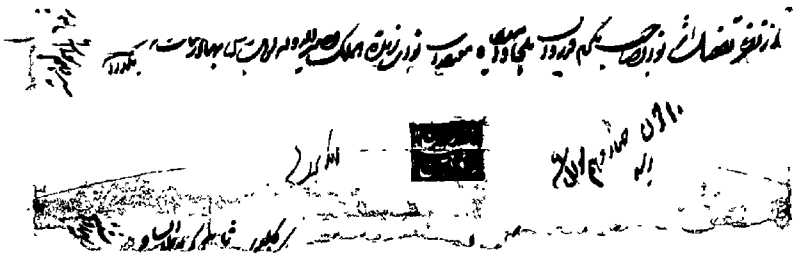

(48A)

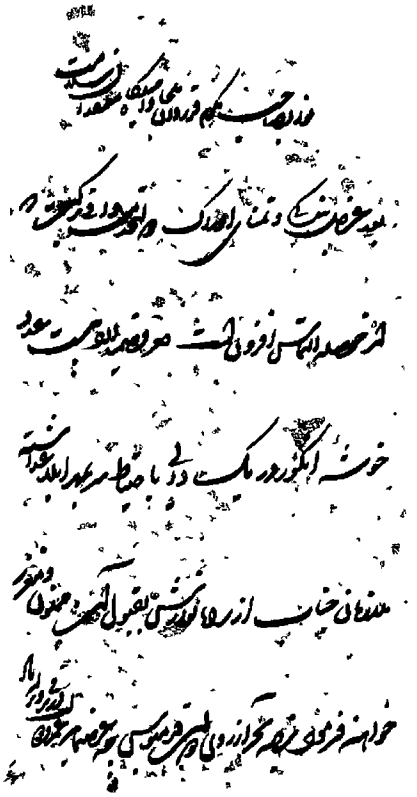

۱۲۹

۸۹۸

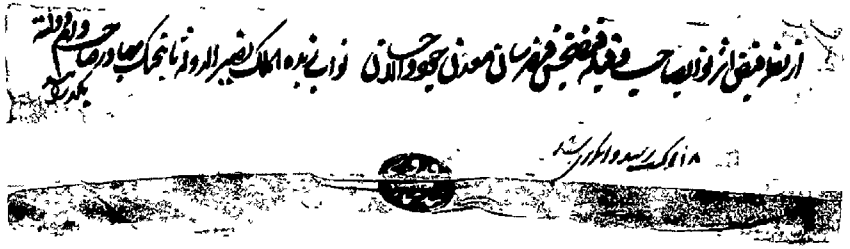

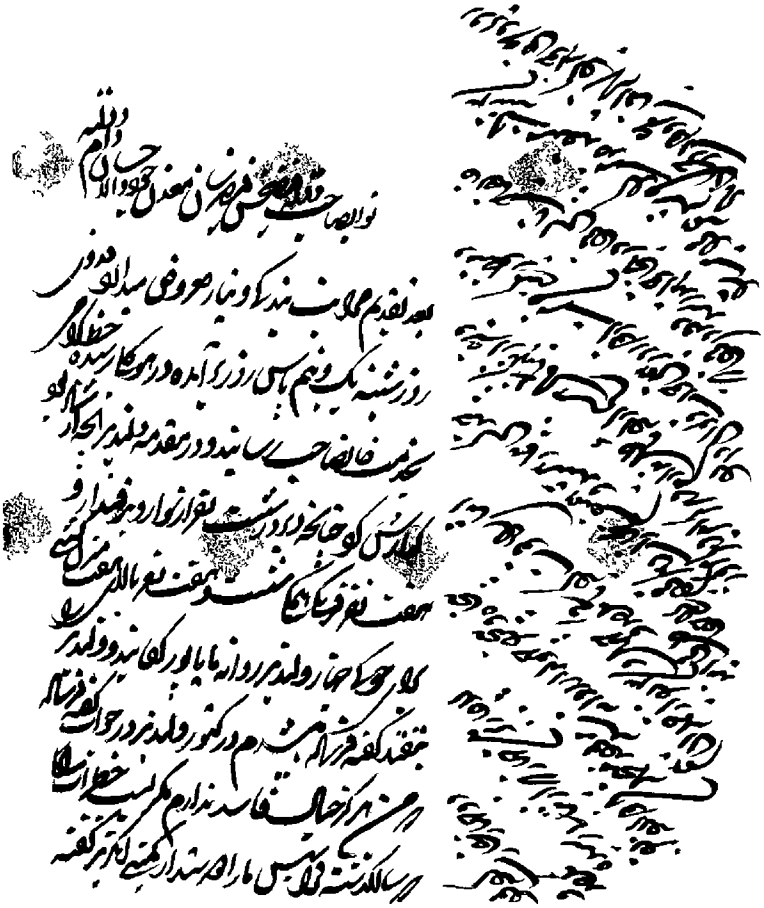

(51A)

(51B)

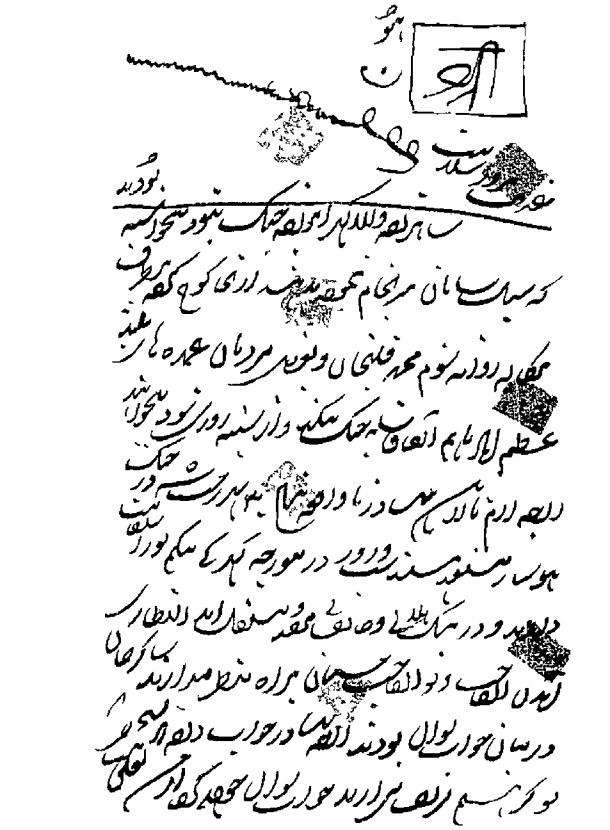

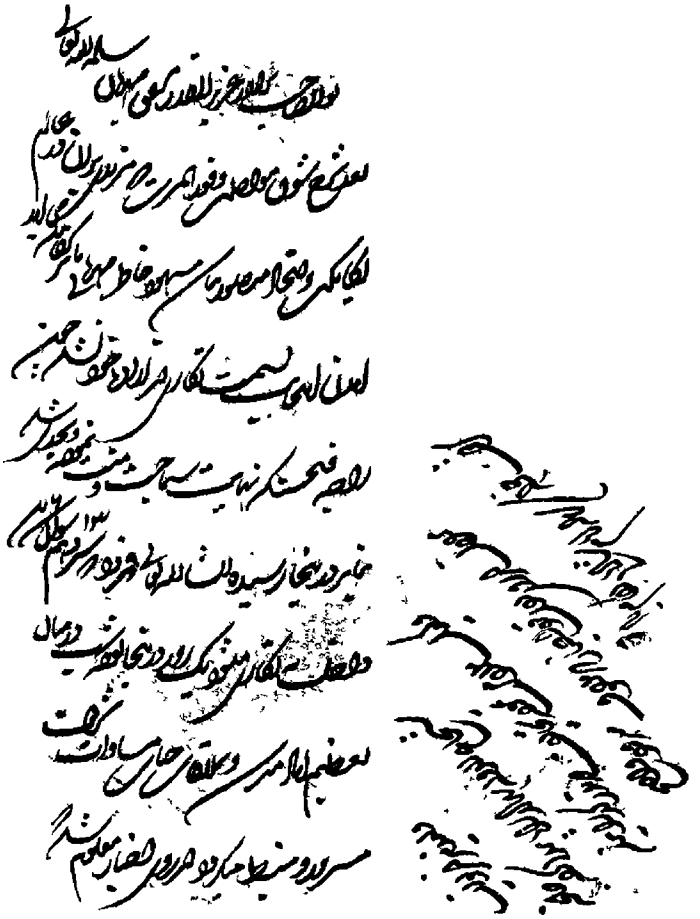

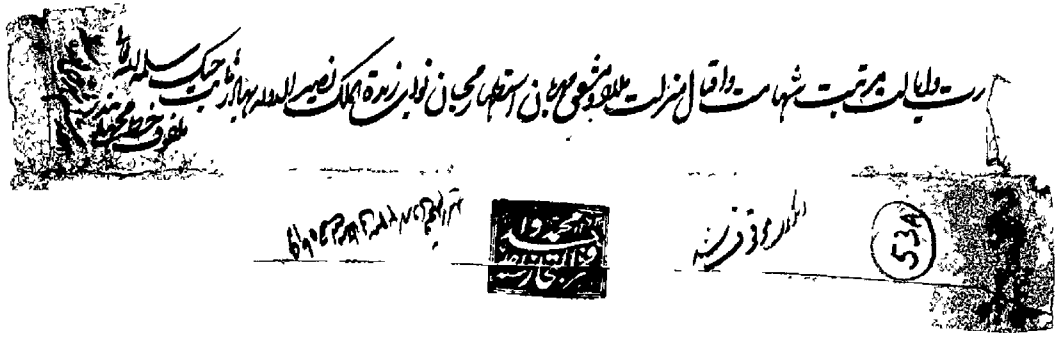

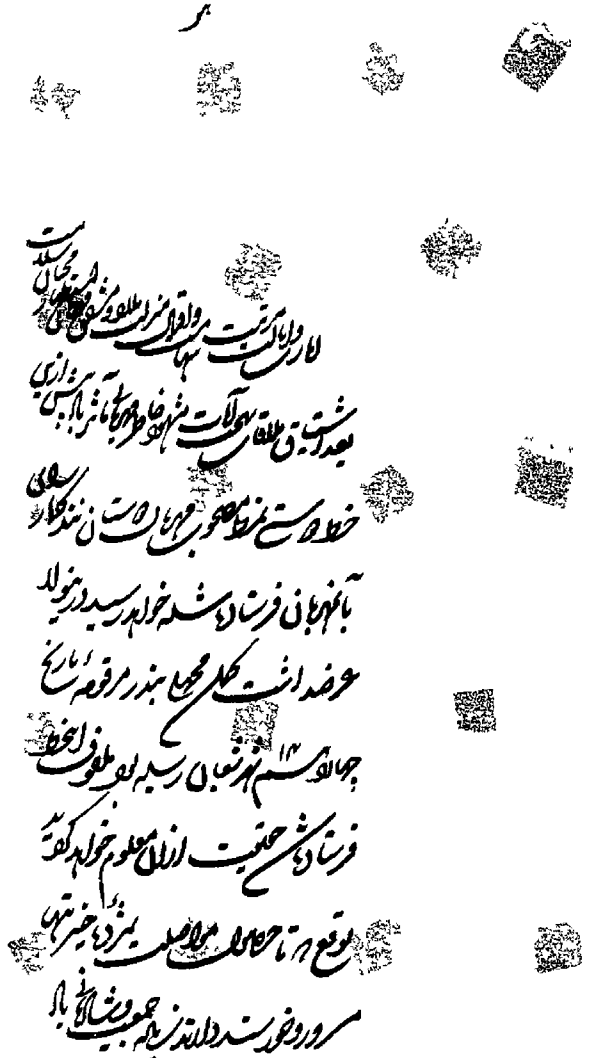

530

تاریخ ثبت نزد اهم شهرداری نمره آبادارسید

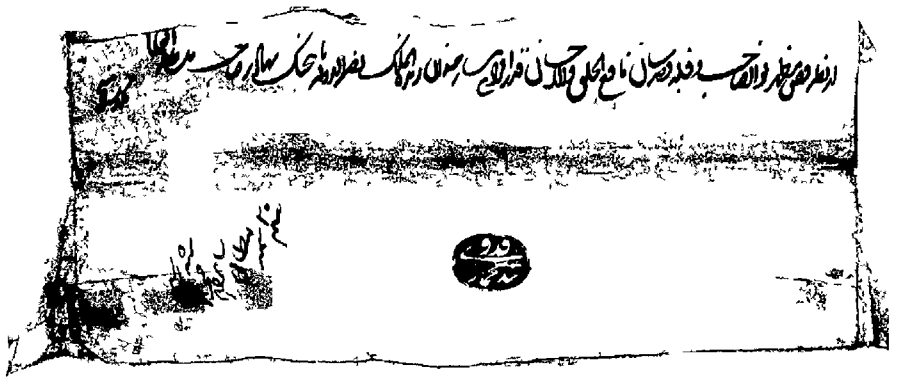

(54 A)

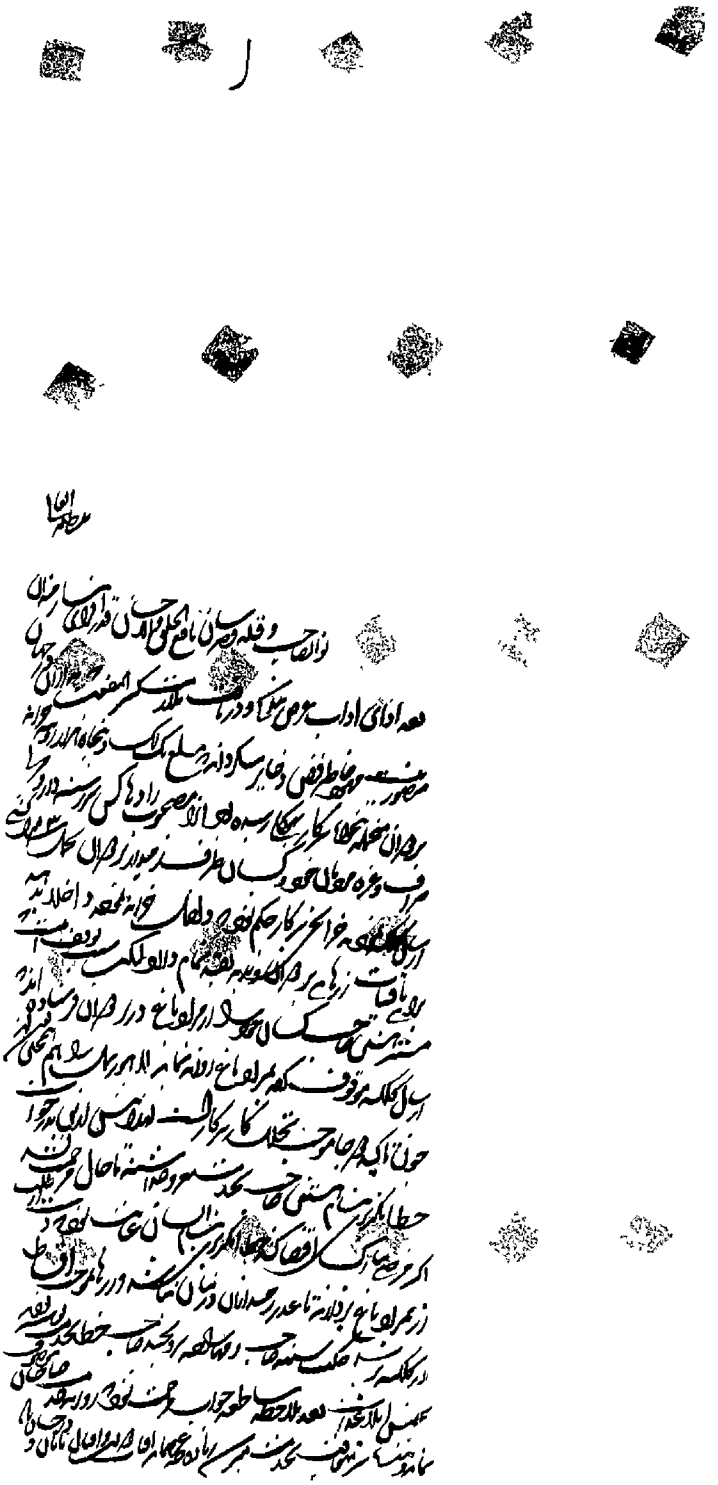

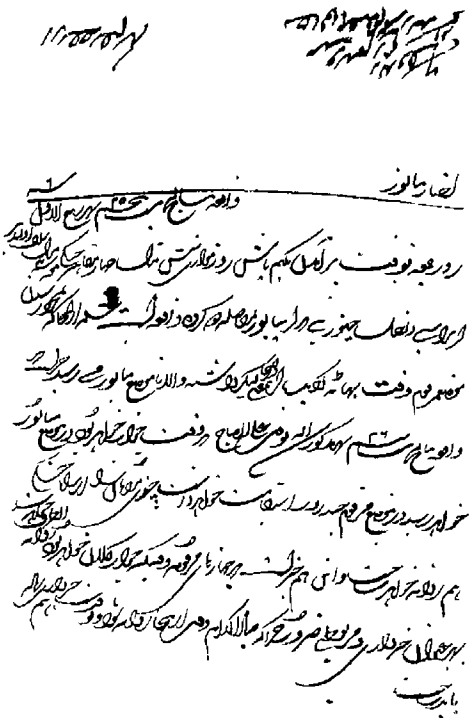

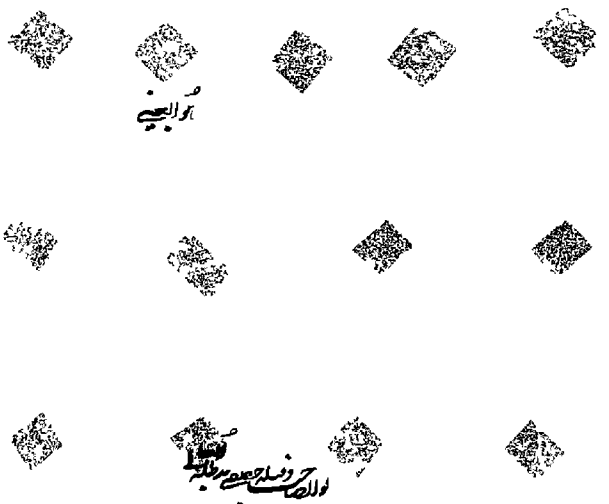

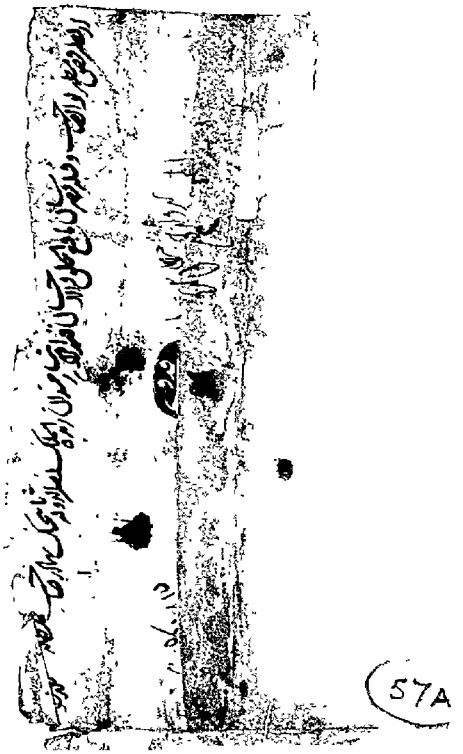

57A

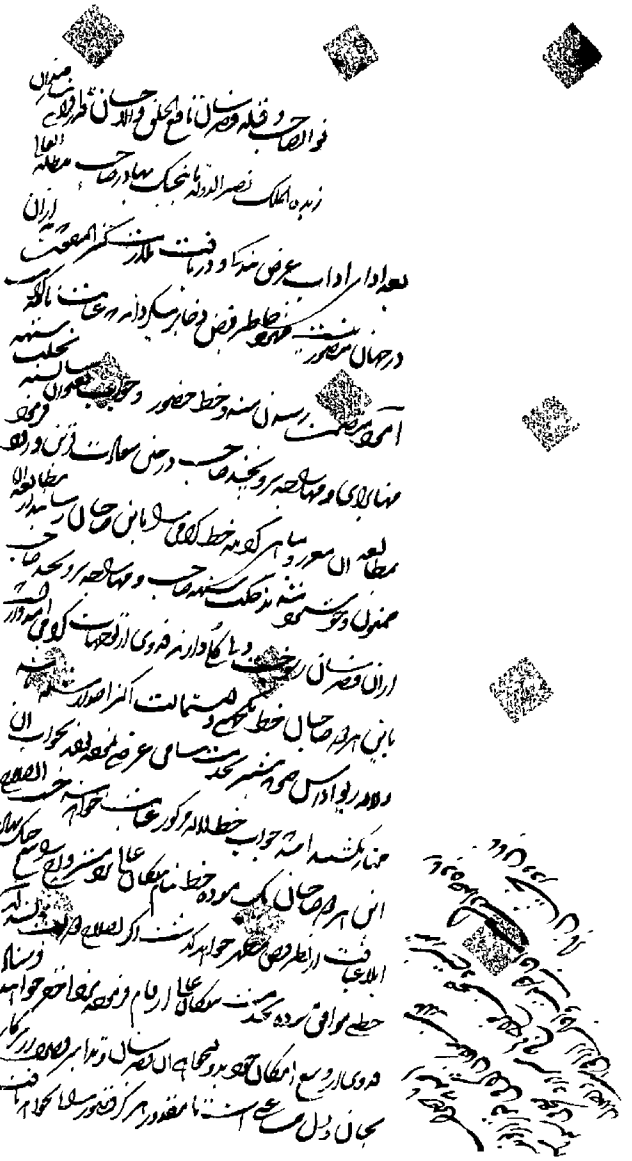

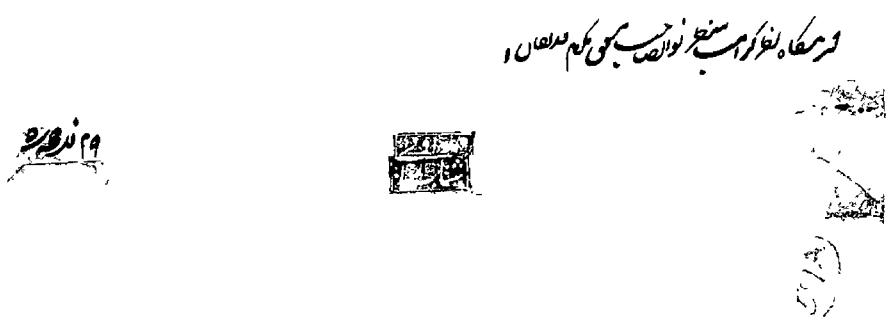

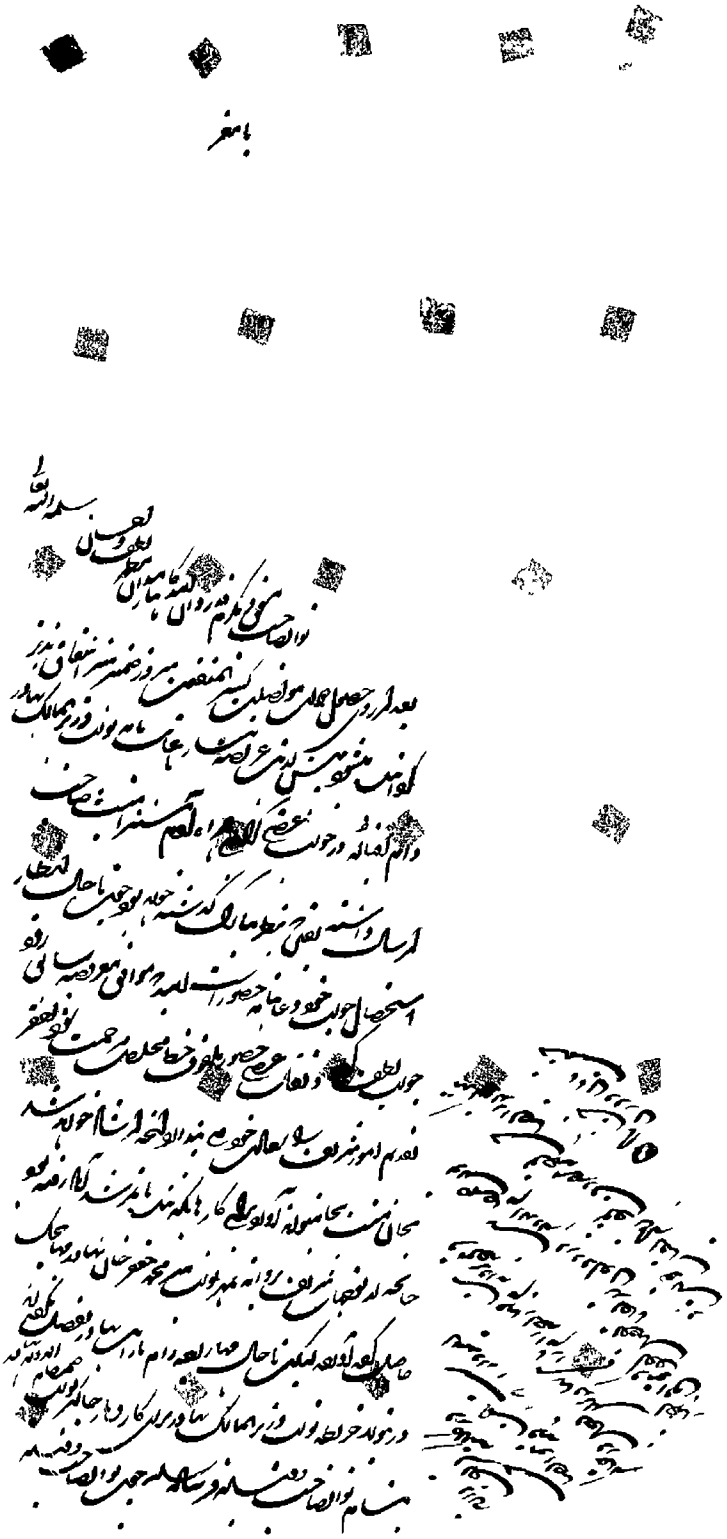

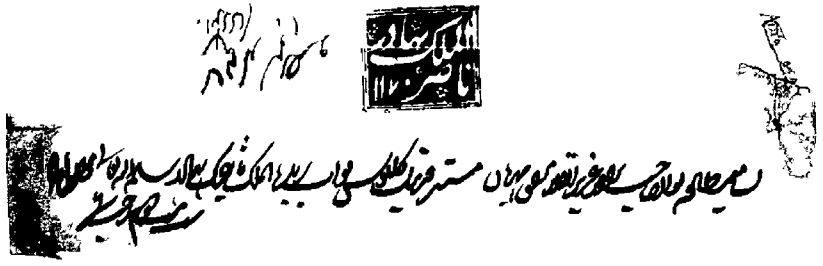

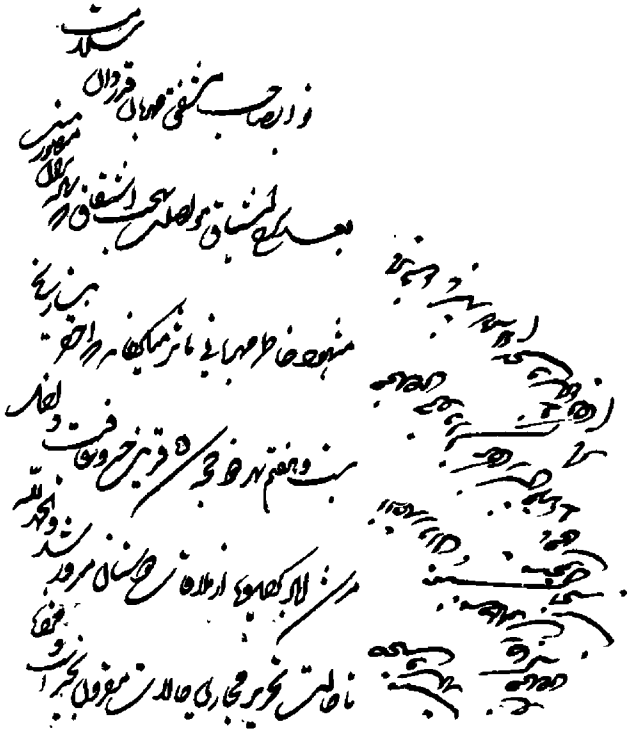

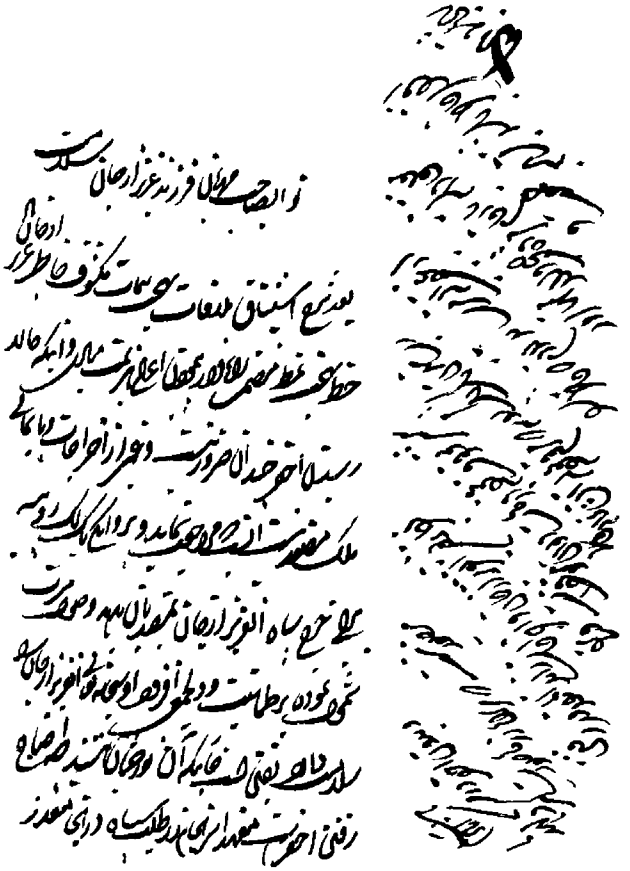

فوالصاحب عمدهٔ وزرای عظام نواب زبدة الملک نصیر الدوله ناصر جنگ بهادر سلمه الله تعالی بارد ۱۳۱۰ صفر

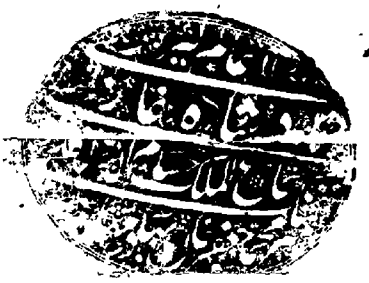

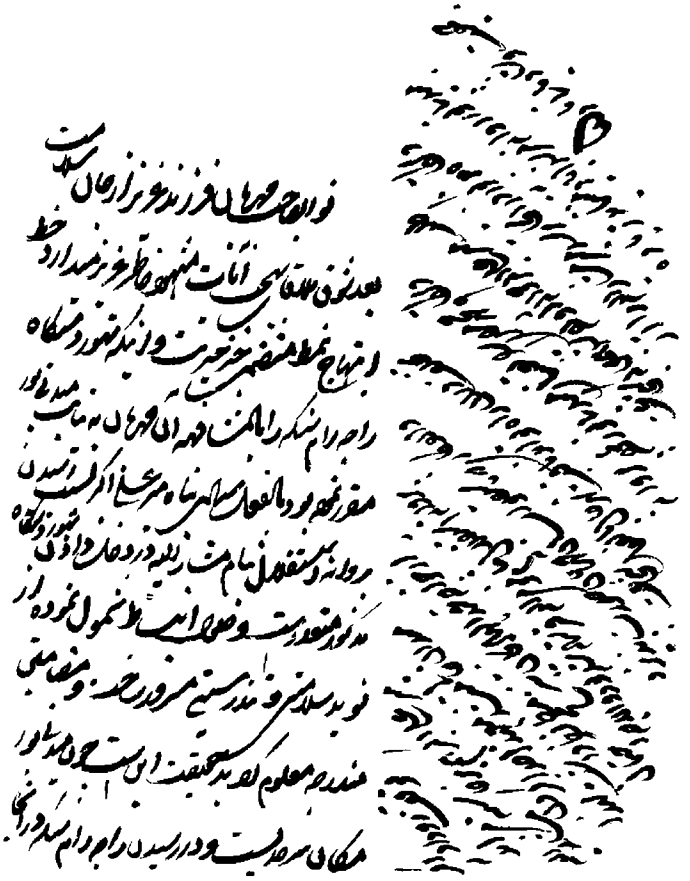

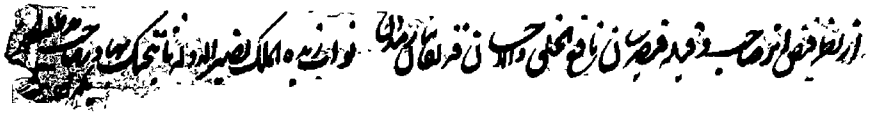

۶۷۸۹

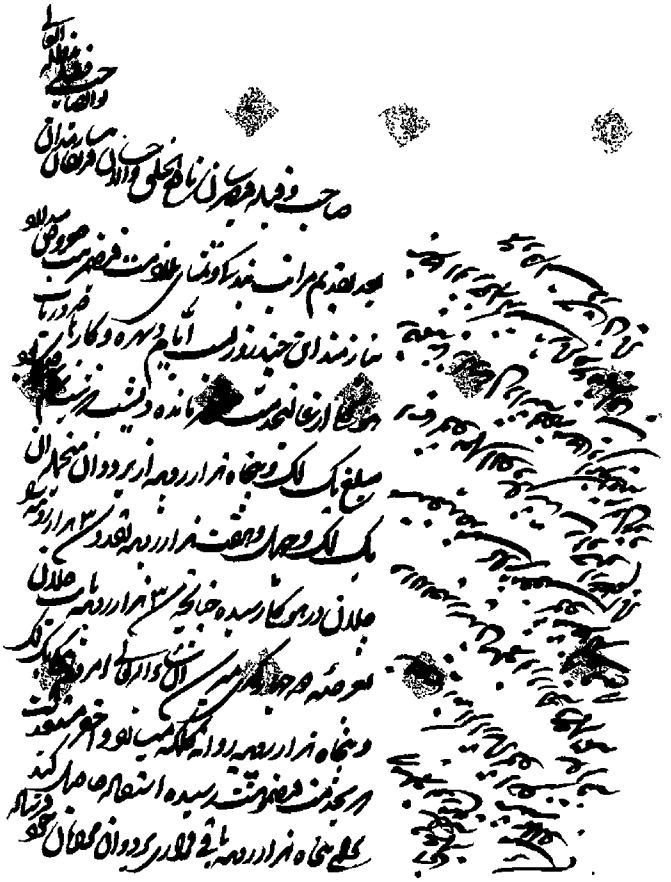

(65A

ا

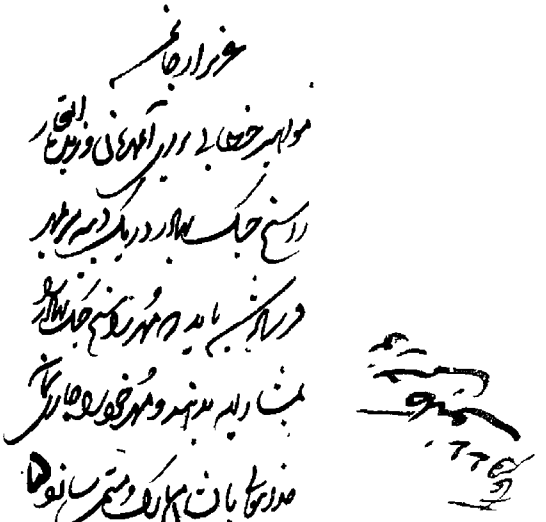

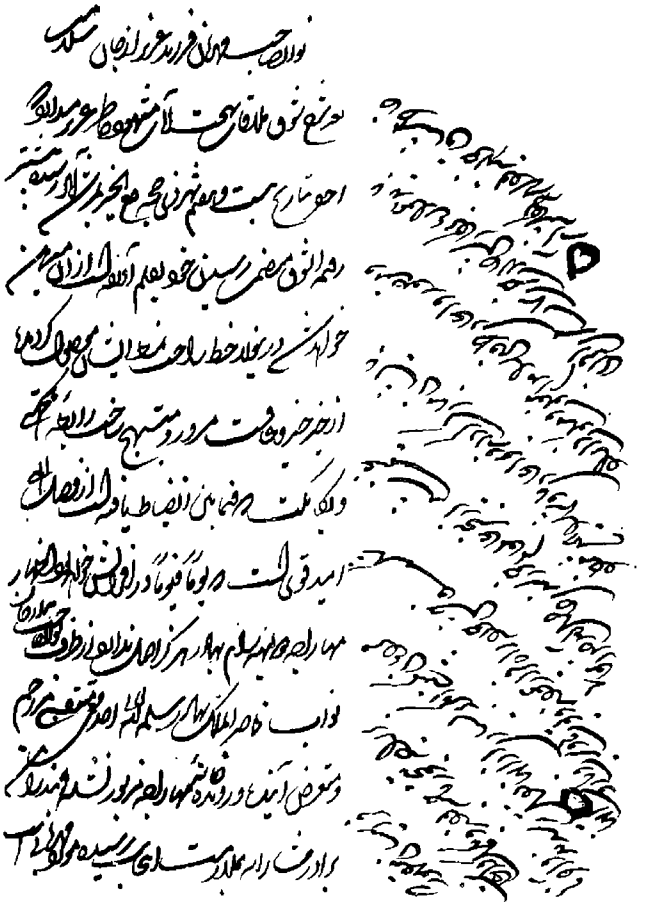

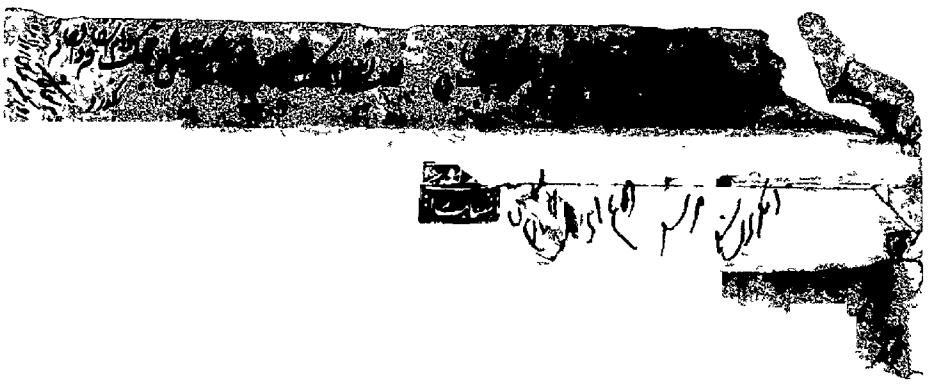

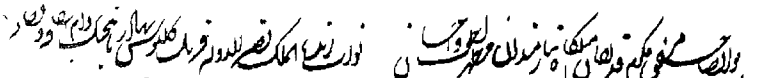

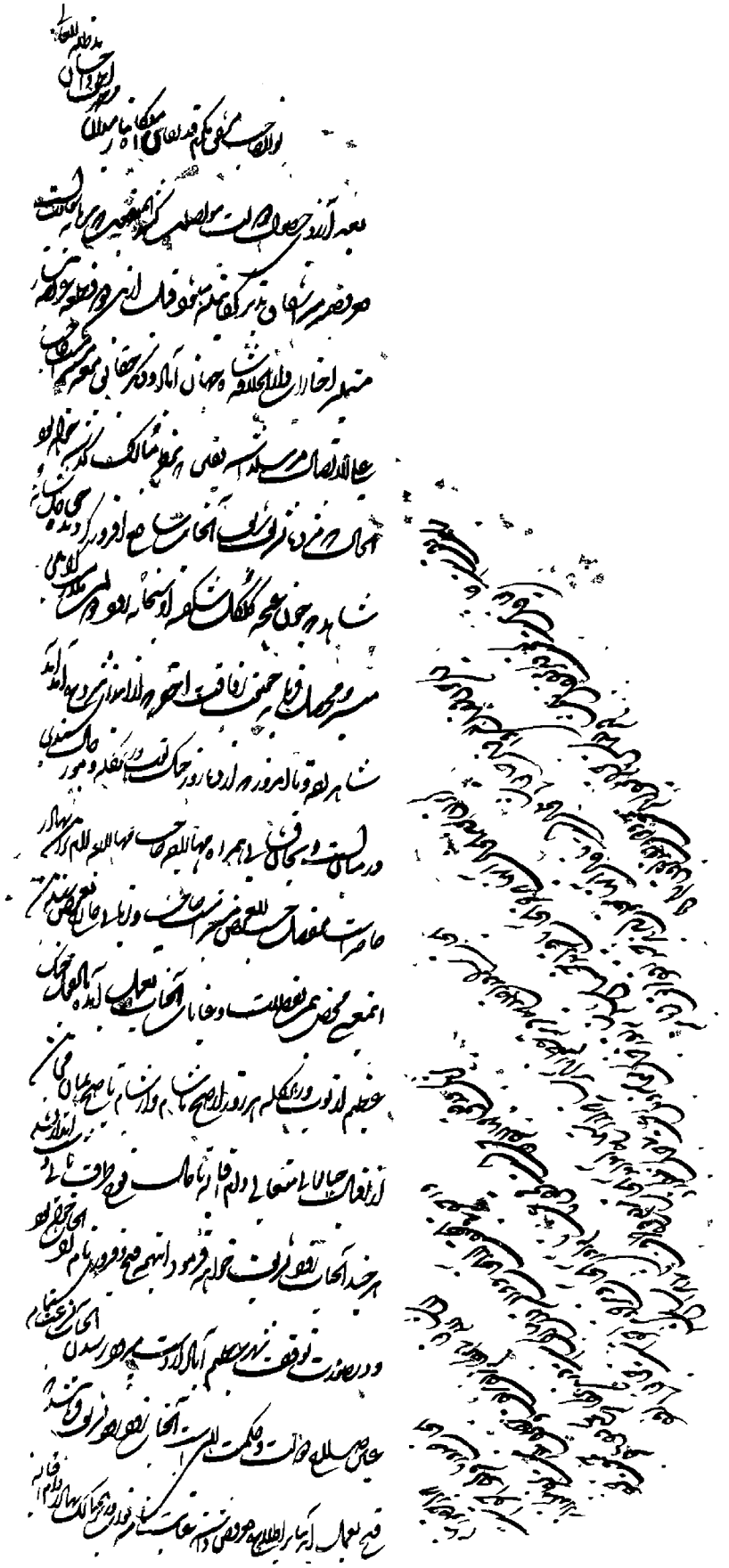

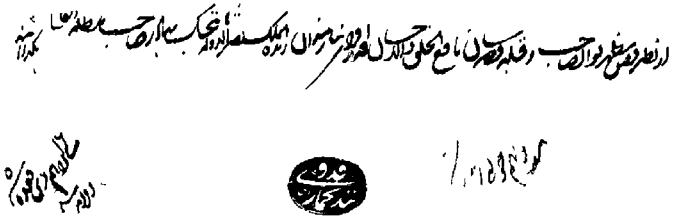

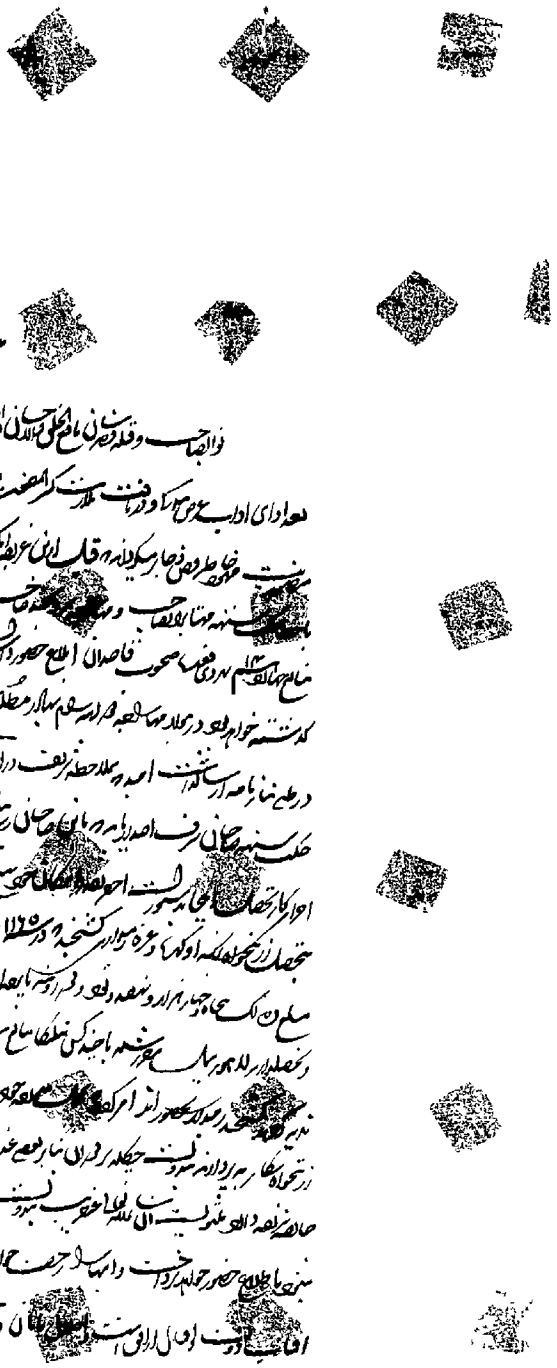

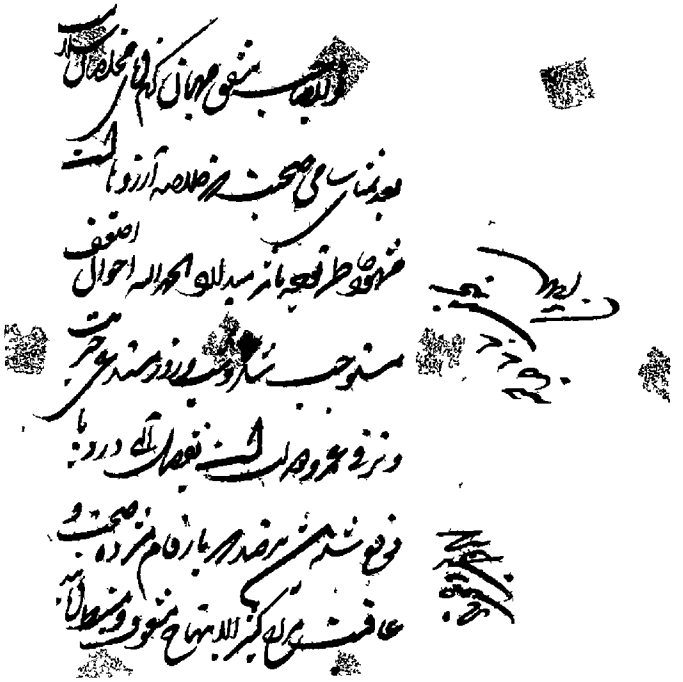

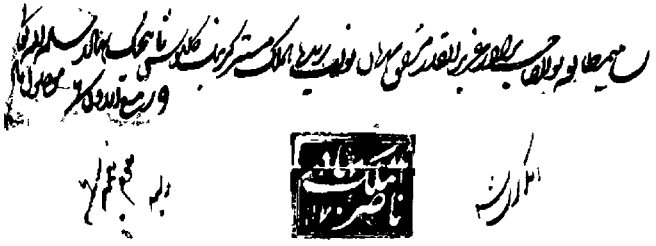

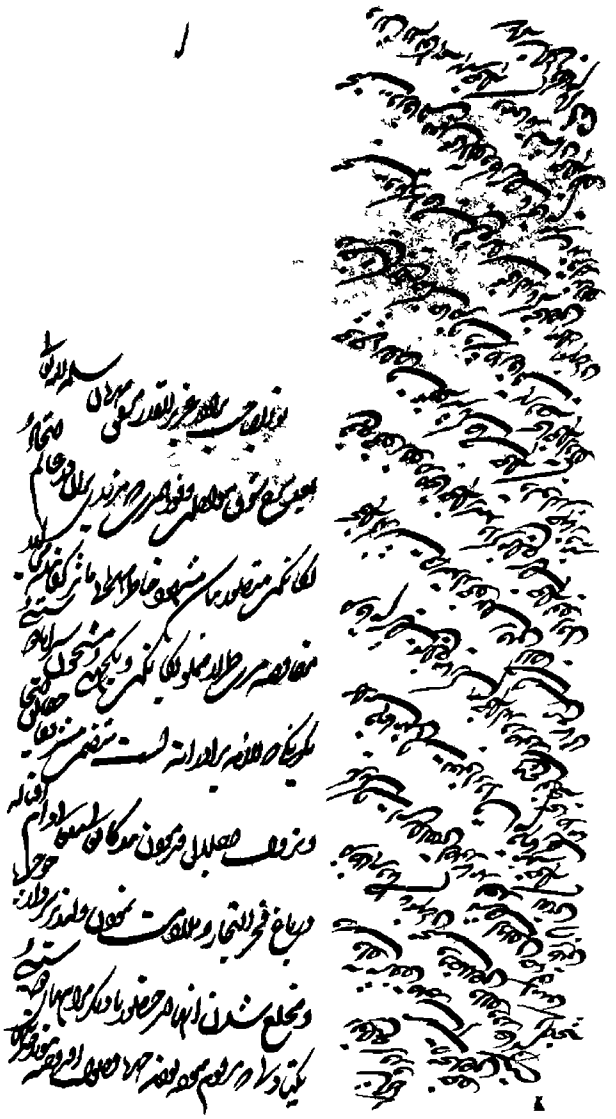

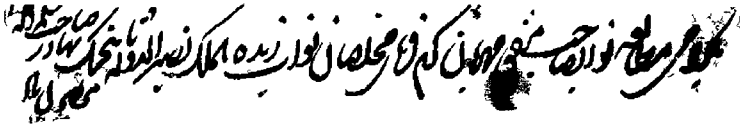

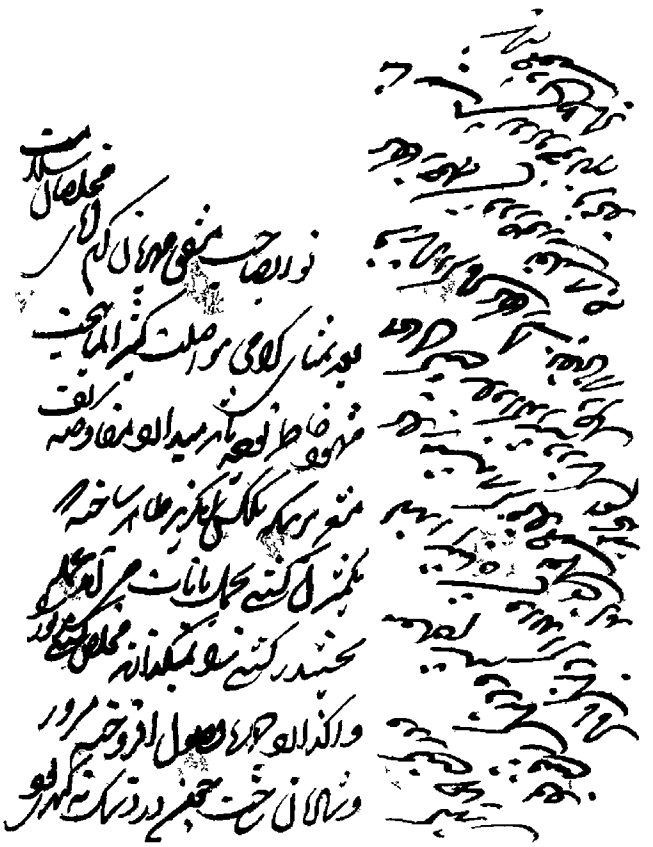

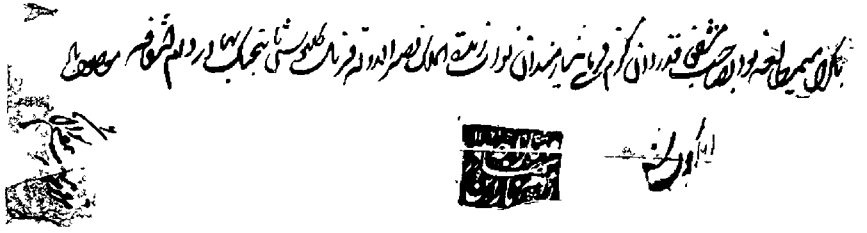

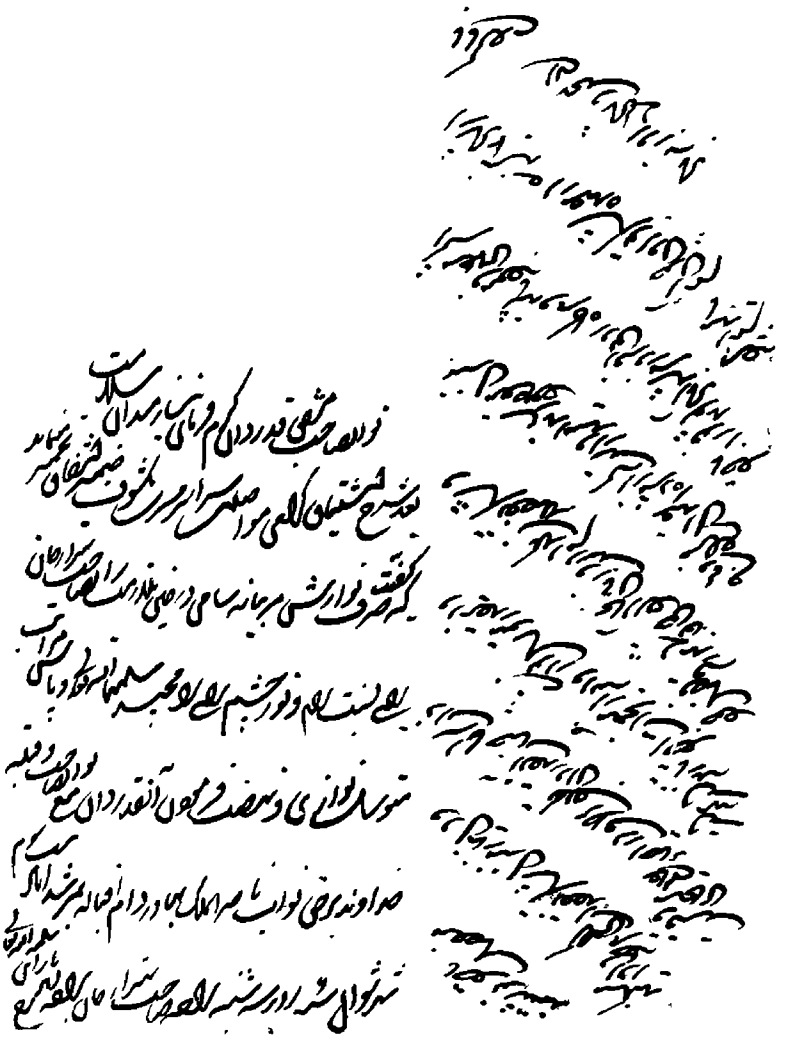

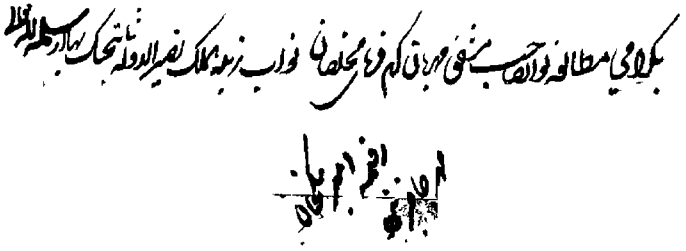

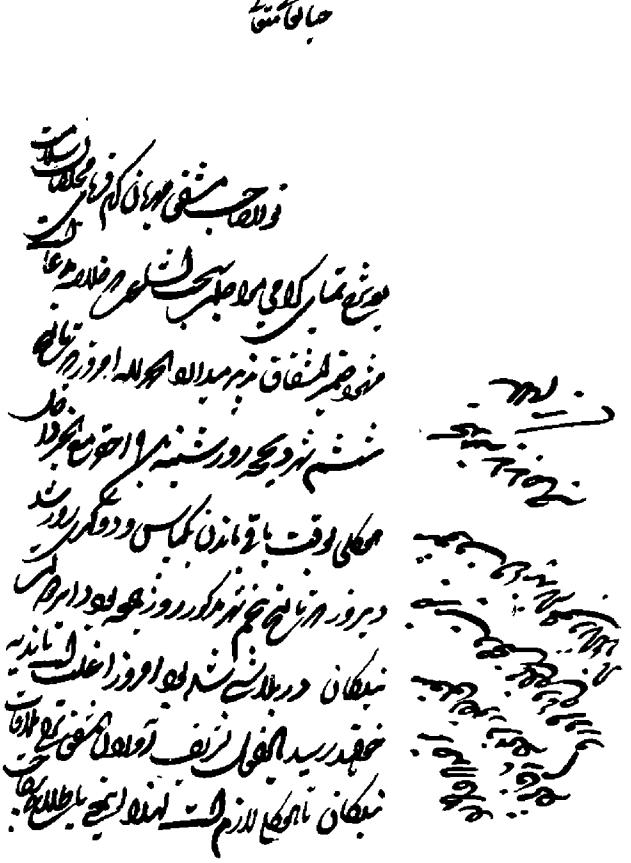

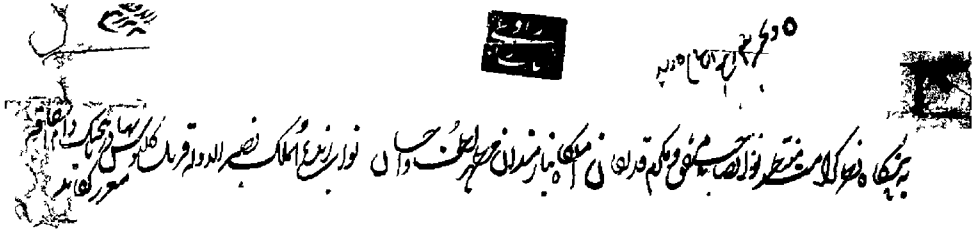

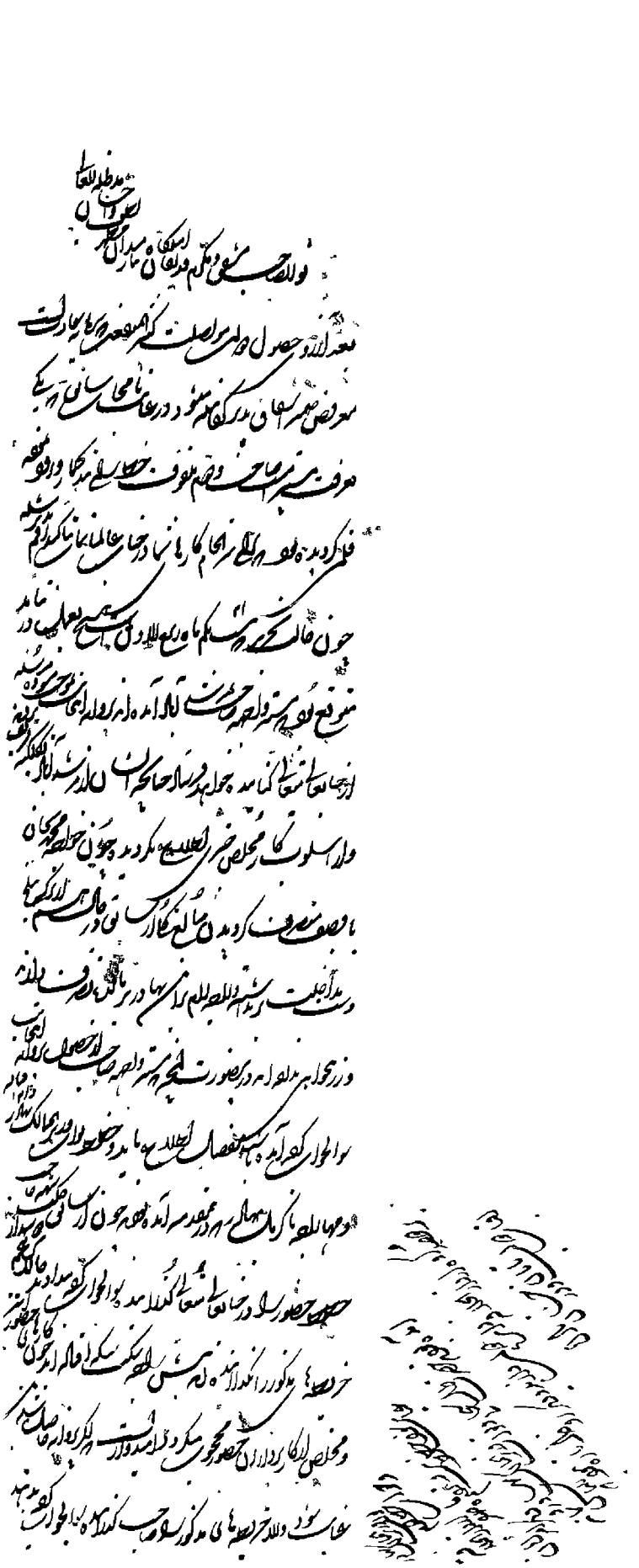

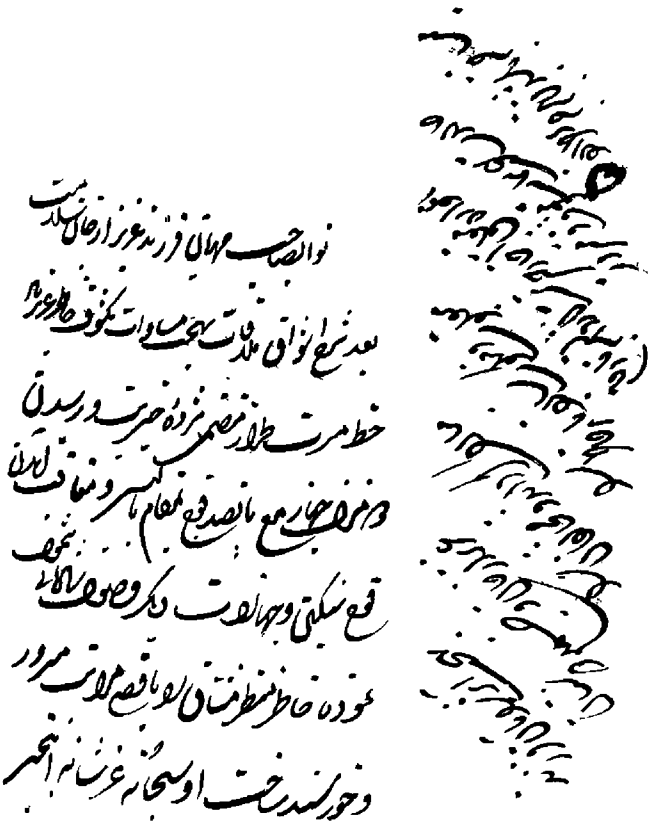

شهامت و علو همت مرتب سابقه و معالی مرتبت

مشتمل عواطف بخشند

و در قطعه مکتوب مرغوب قرین مطالعه گردید خوشی خاطر از اطلاع

نوید فتح و نصرت غازیان اسلام مقتضای خلوص ارادت

می‌سحانه تقاضای مجاهدان دین متین را همیشه منظور و مقصود معتمدان

دولت سایه پرستند مخدوم و مکرم دارد دوام عنایات جناب

نسبت باحوال آن شهامت مرتبت و عطا را اضافه منصب و عطا

مرحمت فرمایند امید واثق خاطر مکرم بتفصیل و در جنب تقدم مصادقت

پسندیده هر قدر از جناب تفصیل و نویدش مسئول تا در بجا

که هر آینه این معنی موجب دل افزایی و ترغیب شیدایی دیگر ماهر

سلوک و مستقیم لحوق تغیار بر منهج اعتدال و اوضاع و امان در ملک

بنگاله محض افضال و لوایح حسن توجهات آن شهامت مرتبت

مستوکشت در این ایام شاه نواز خان و غیره و خواجه سکندر مکرر

فرانسیس یا از اندازه خود بیرون گذاشته از راه مزبهار و اغراض

نفاقی باعث بر هم صحبت مابین نواب امیر الممالک و مولد الملک

و انجامیده شده و الحال مستوحشانه مکتوبی در باب لعون و افضال معنوان

بیادداشی گردار ما بخط رقعه رسیده و انجا اصفهان فتح و نصرت

روانی آن صوبه بر لدکوده فرانسیس از غایت رعب و صولت لوای سر

جانب سمت سیالکوت و غیره مدرفته چون زمیندار آن اخبار طرب

نوشته انجا بعالمان فرانسیس ایده الله کلمه از خروج مردم محاذ

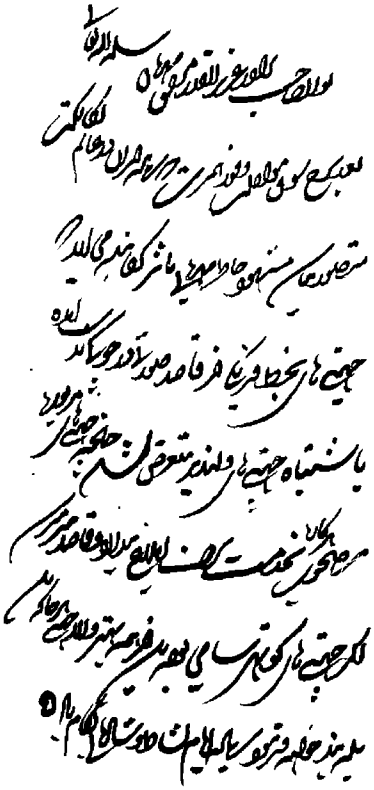

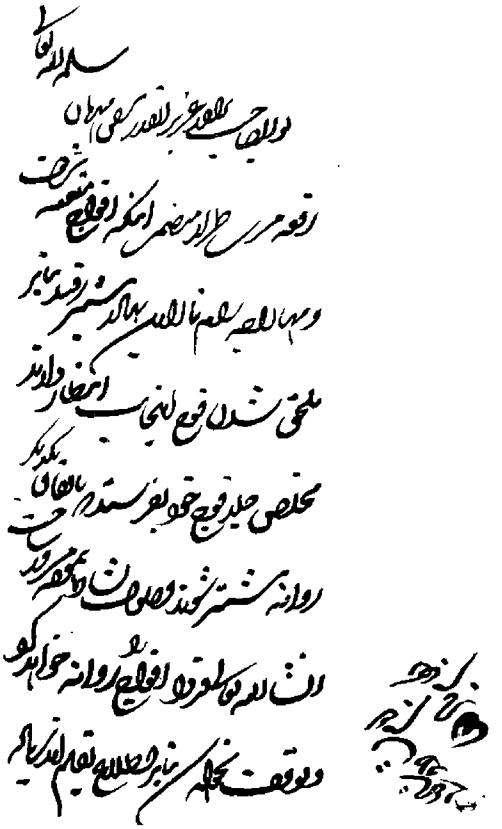

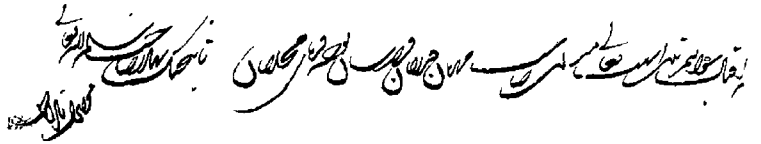

٦٩٨

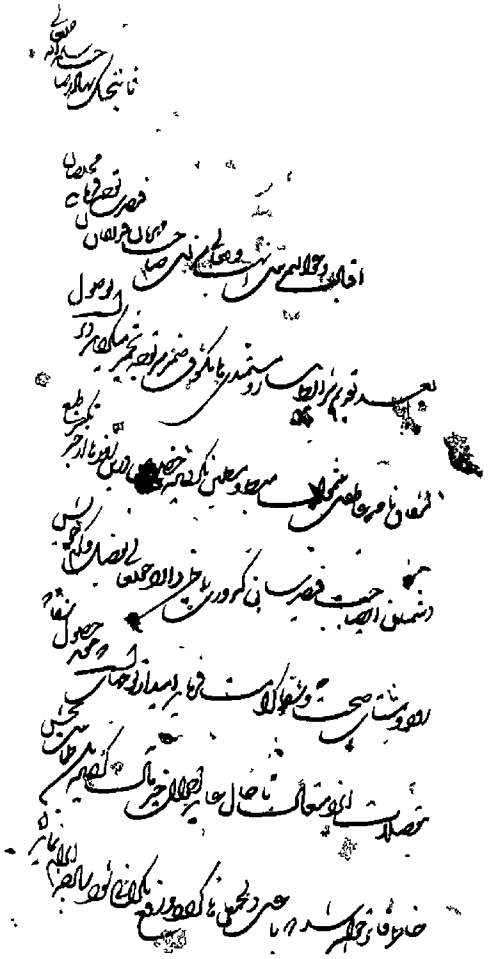

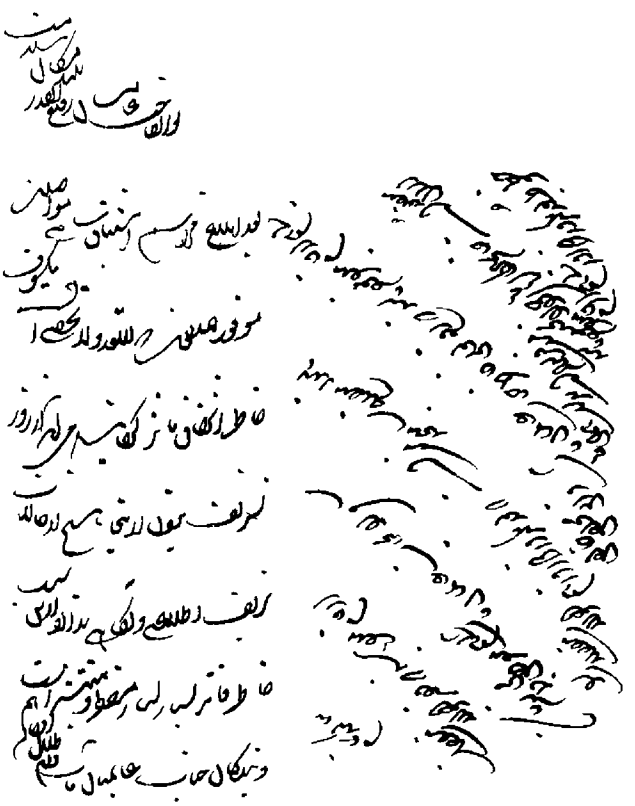

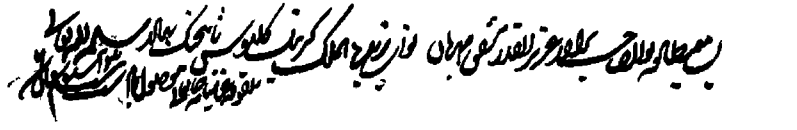

(85)

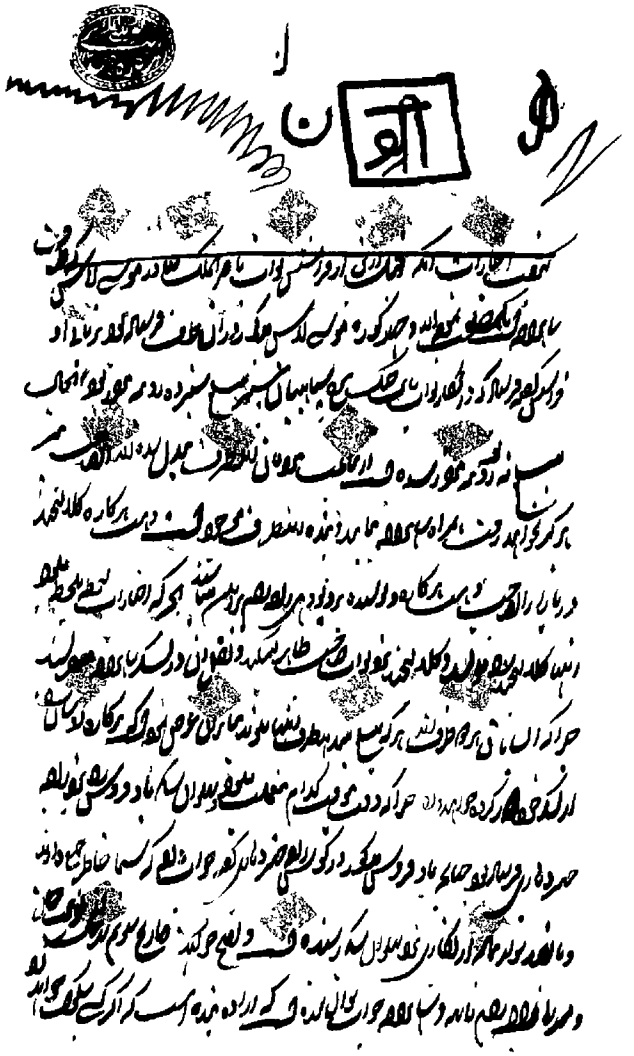

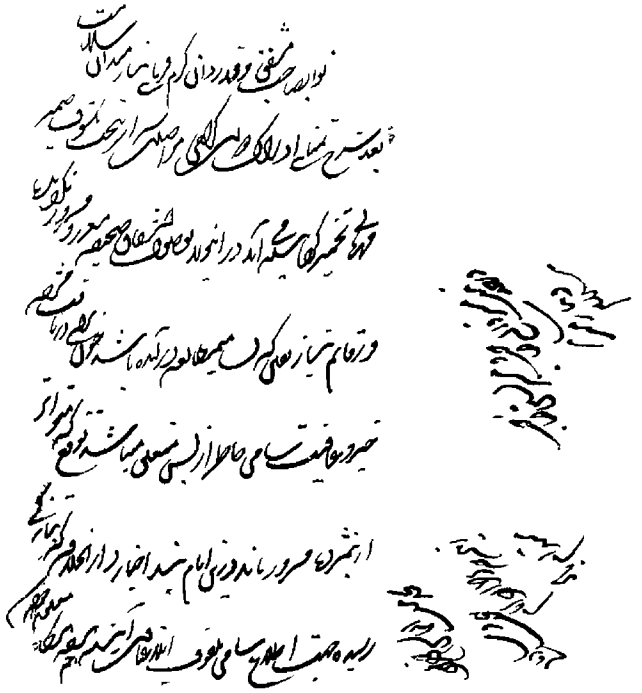

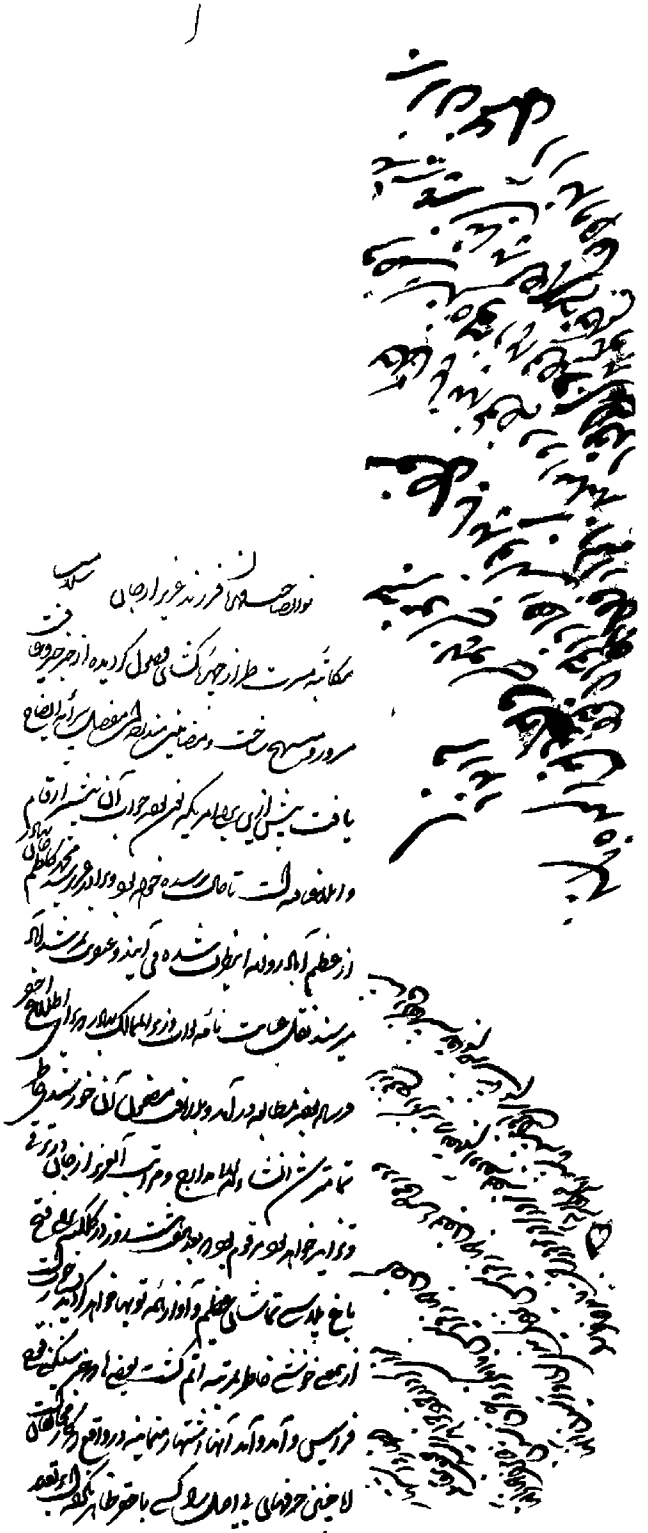

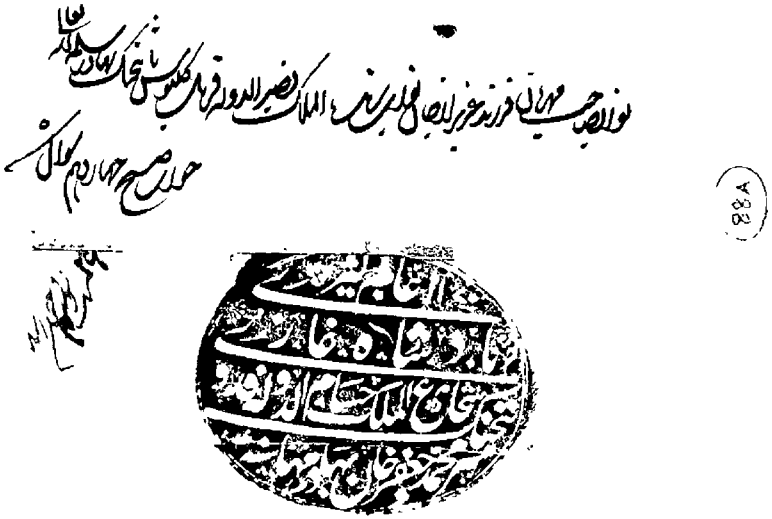

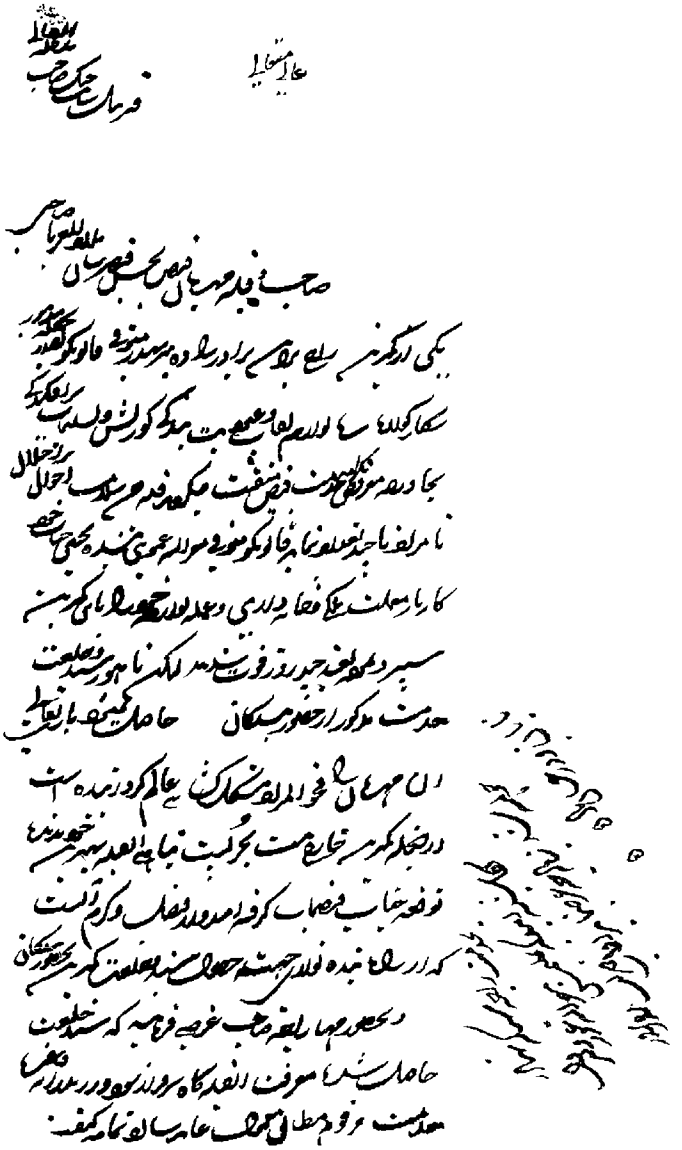

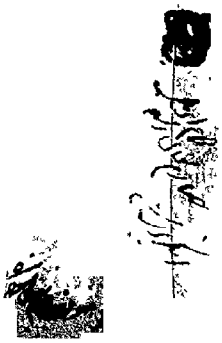

(90A)

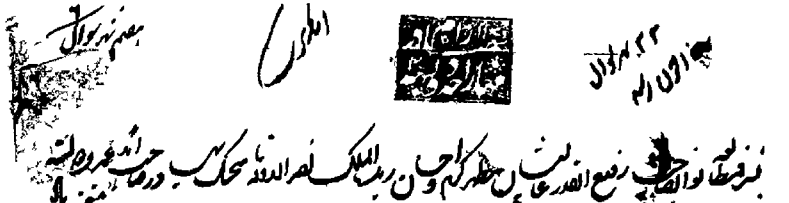

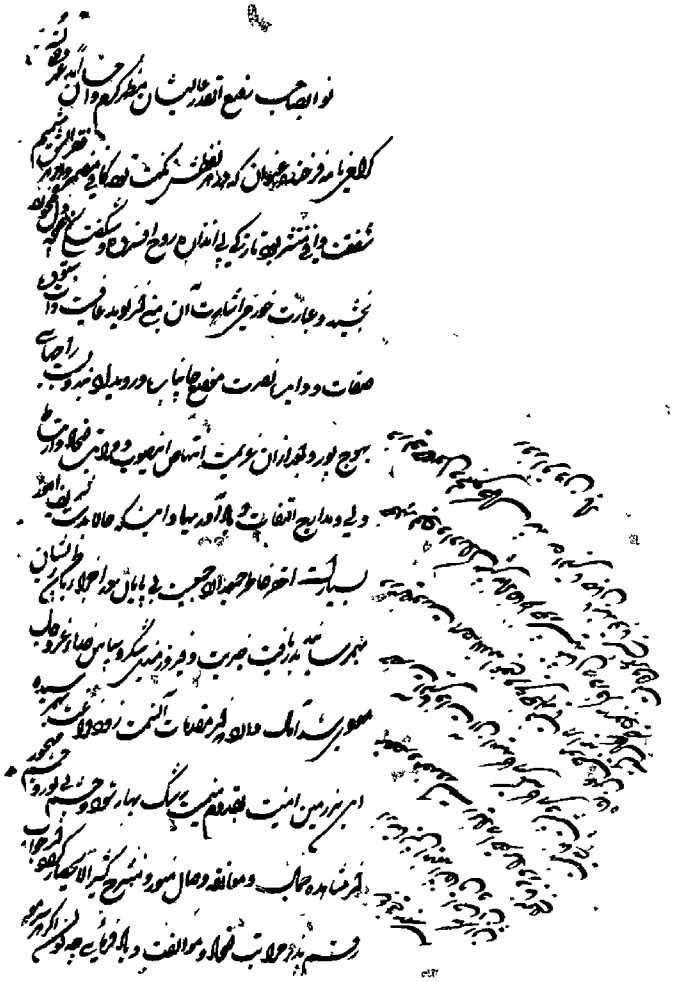

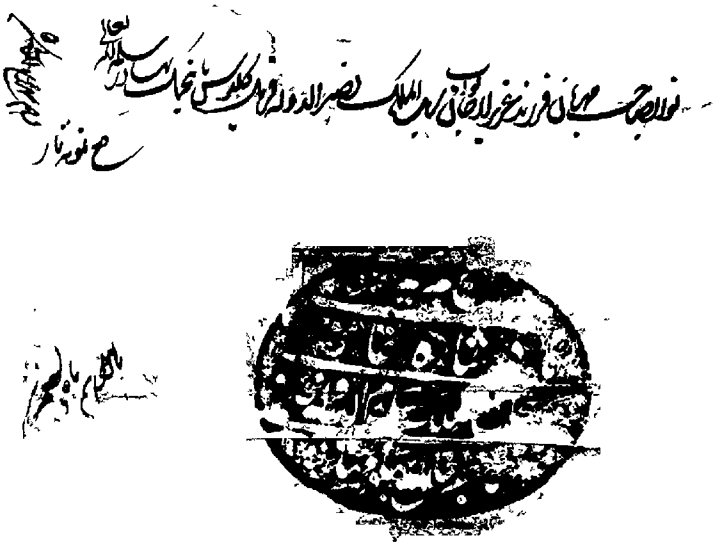

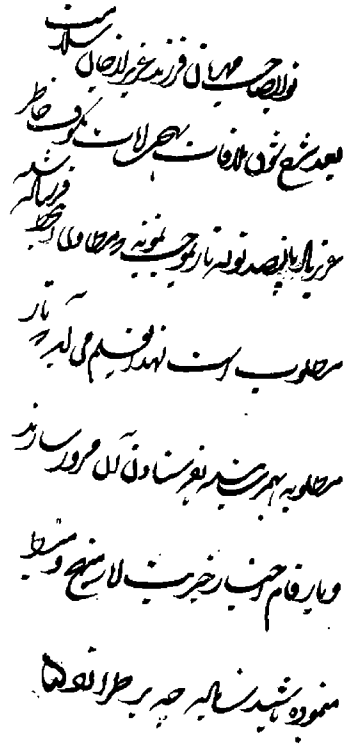

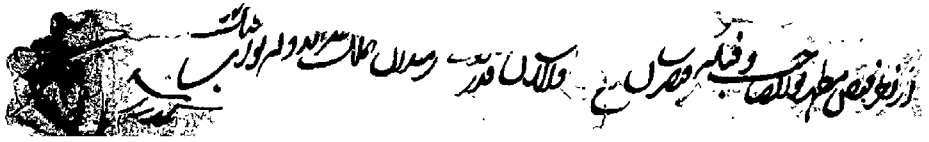

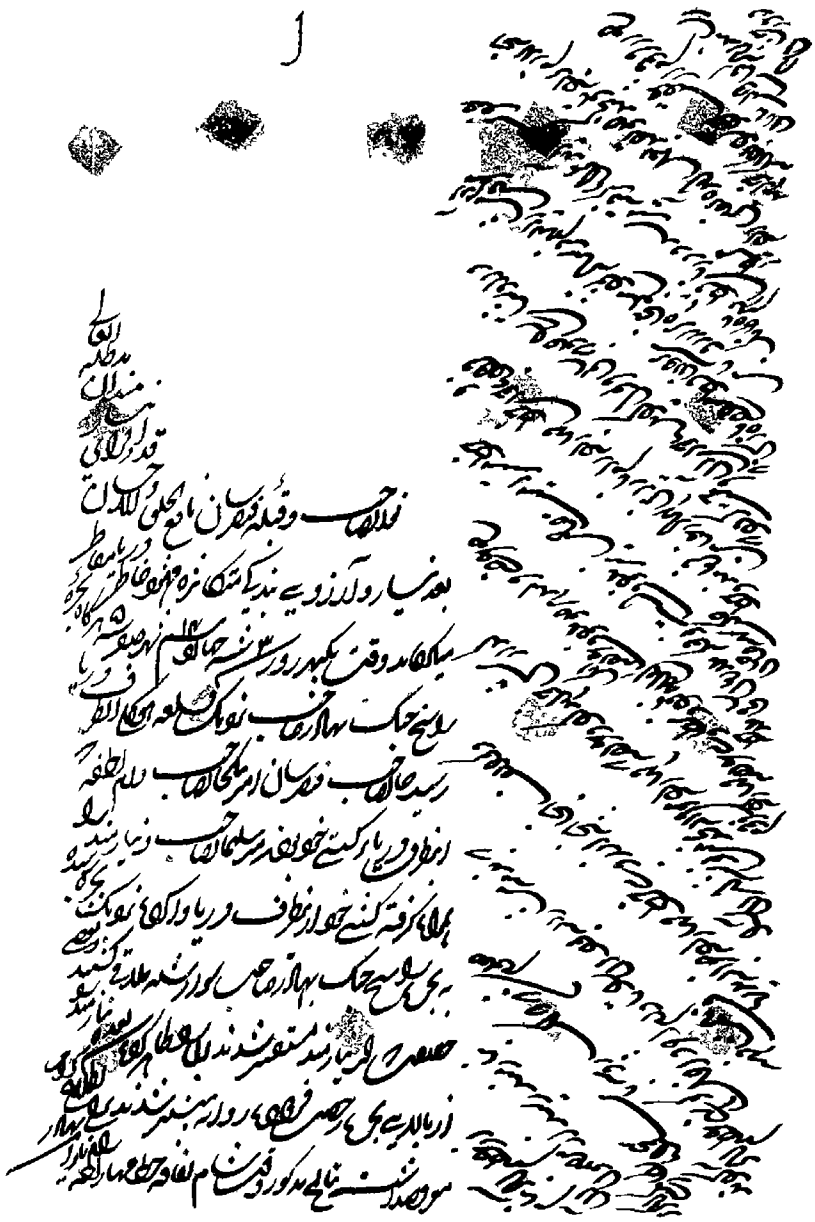

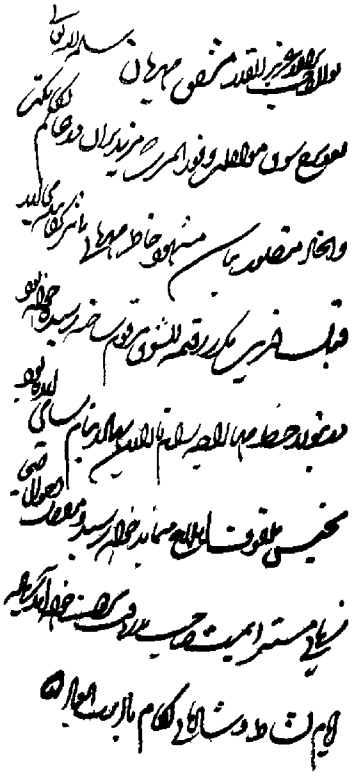

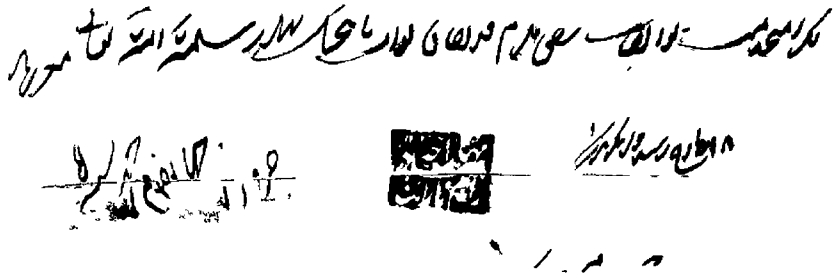

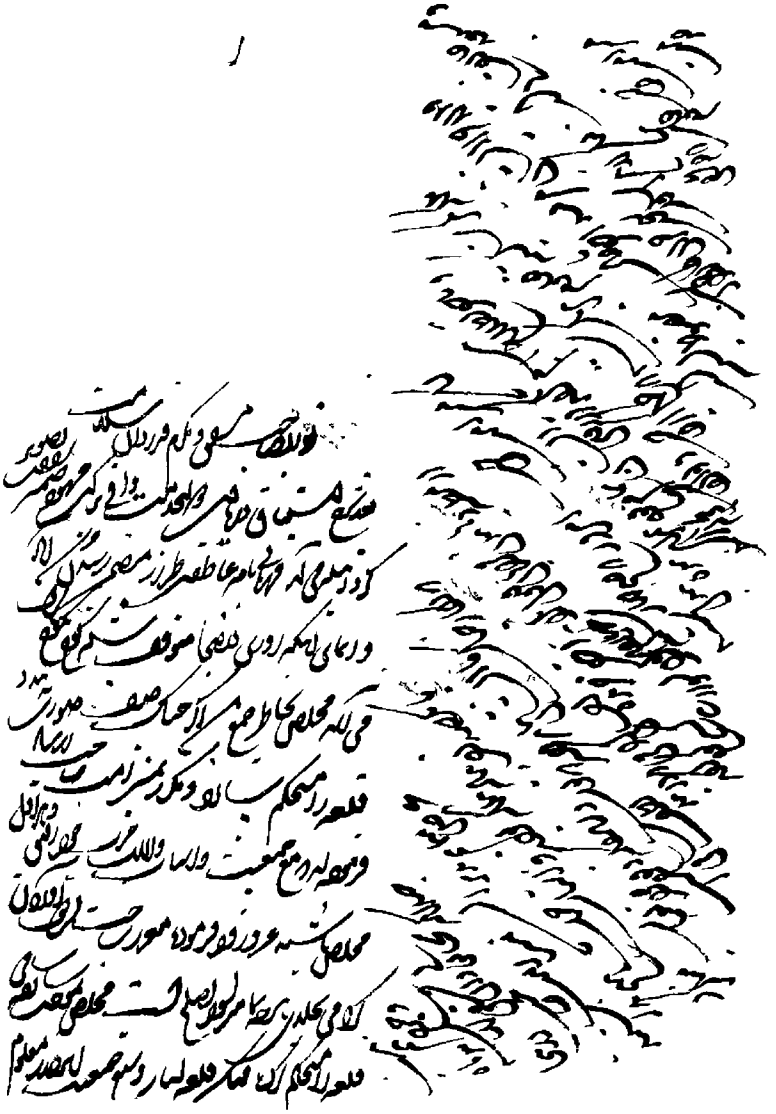

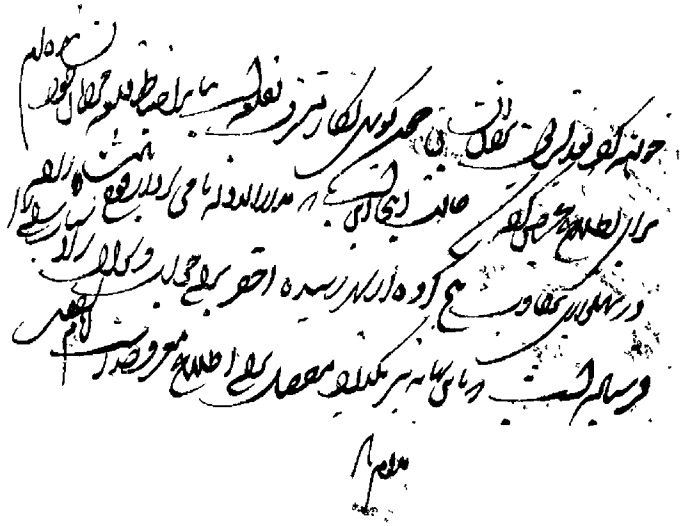

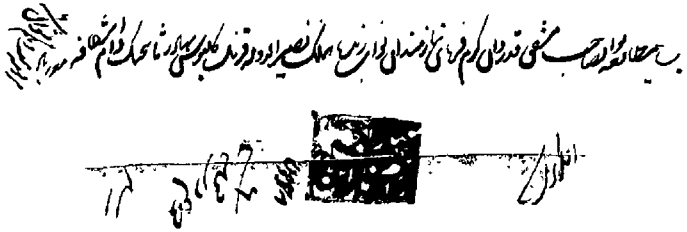

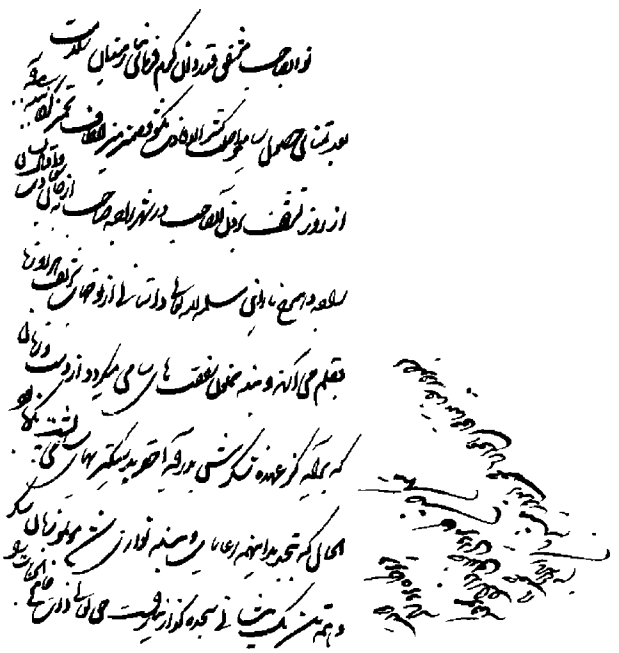

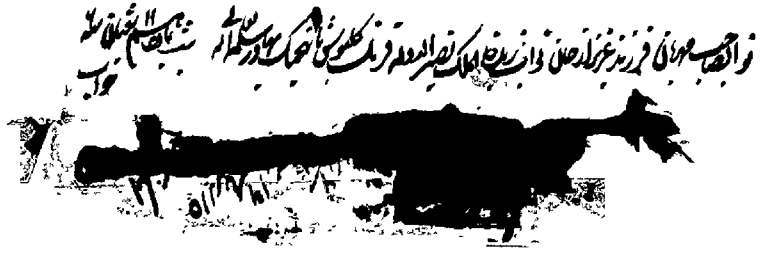

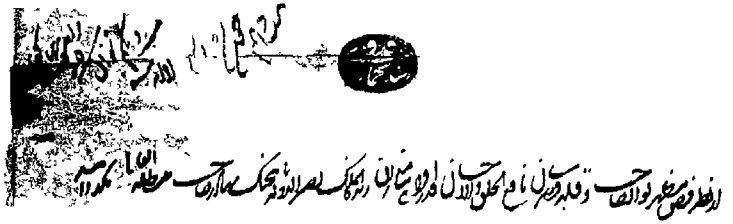

(٢٤٥)

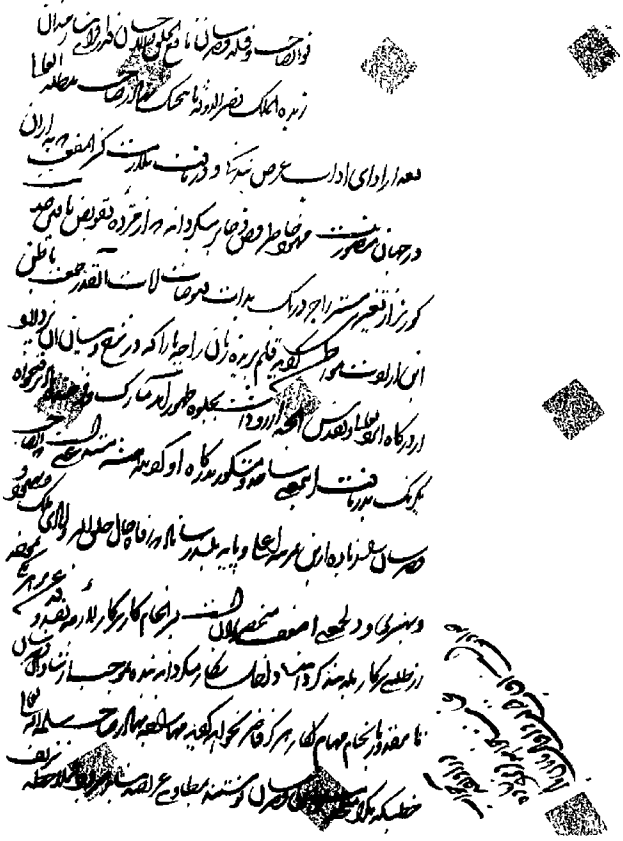

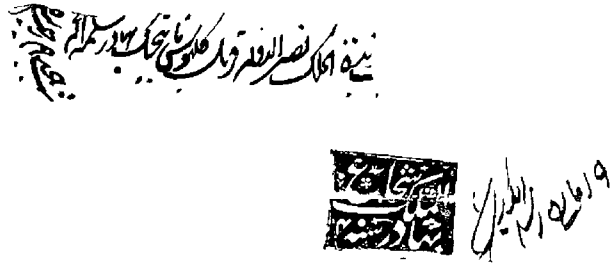

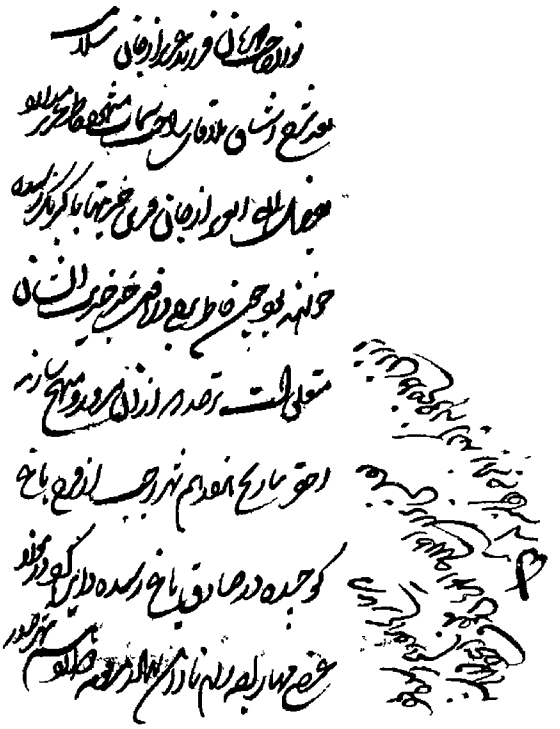

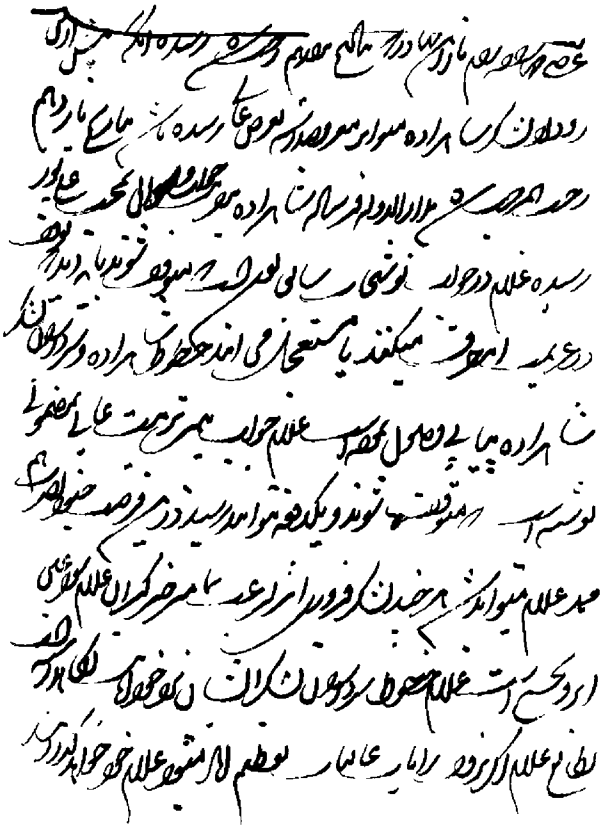

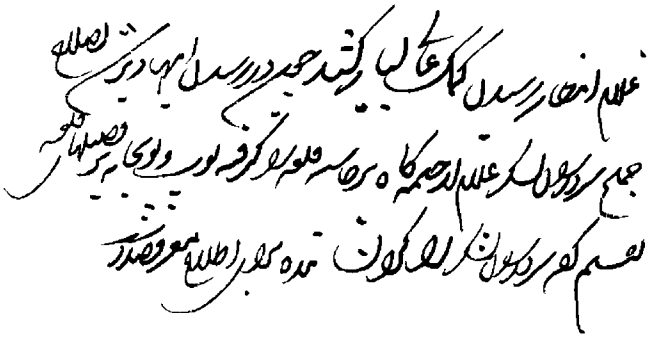

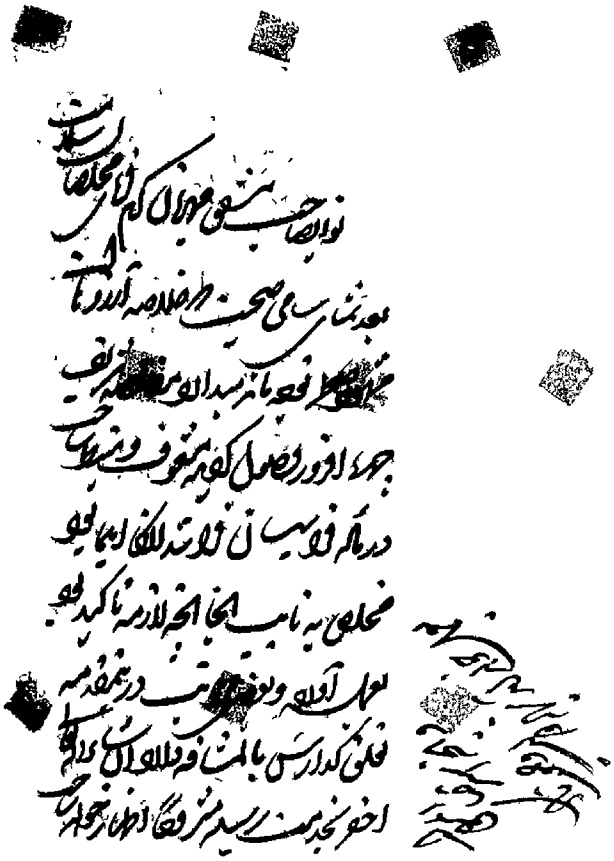

السلام علیکم

ہمہ مقالہ طوعہ صاحب مشفق مہربان ملجا نیاز مندان

مسز کلیسن کرنا مہاراج ہائی جنک صاحب سلمہ اللہ تعالیٰ

موصلاب باد۔

۱۲۰ لیر

۱۵۱۸

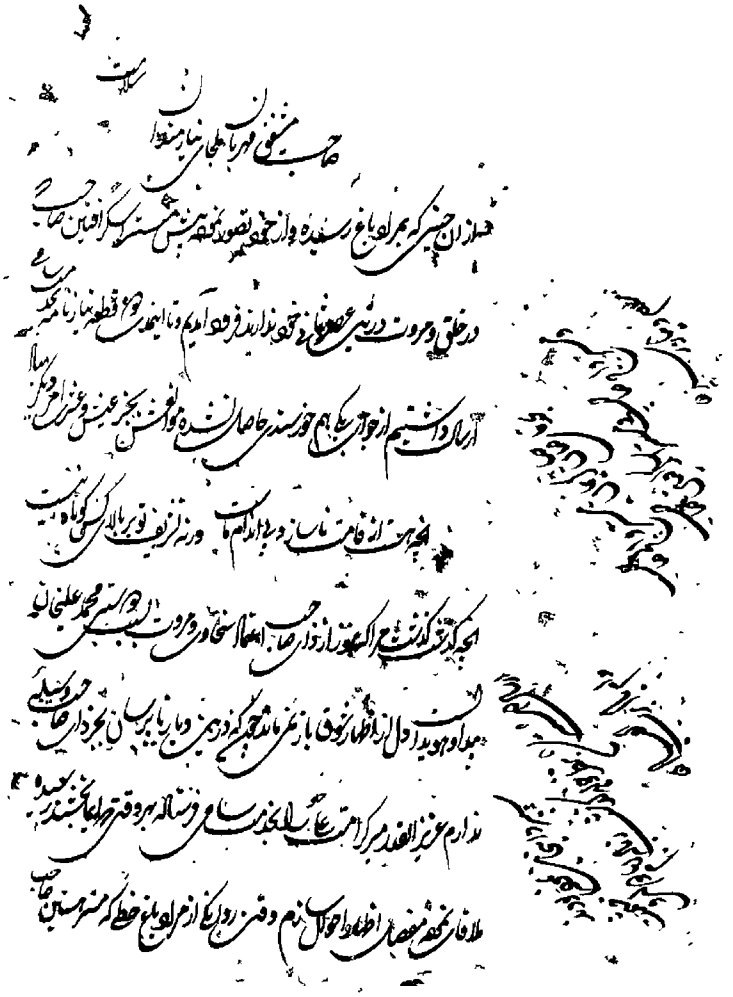

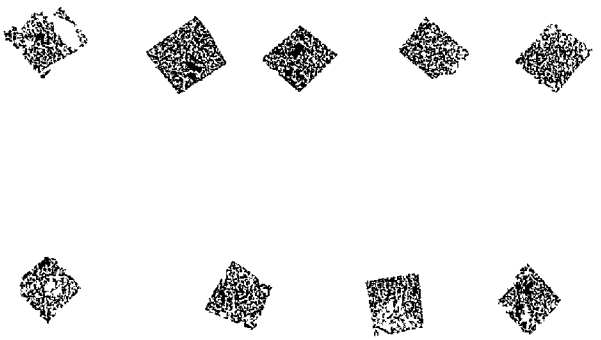

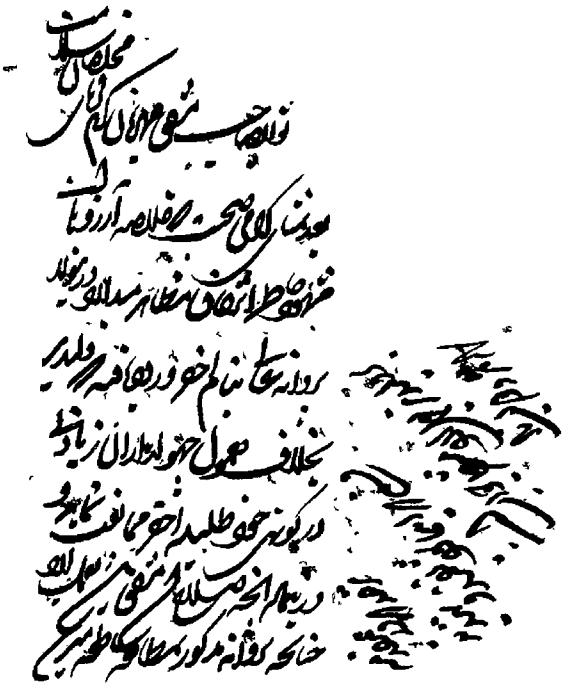

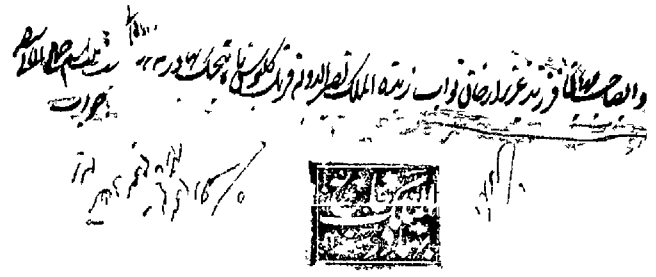

1034

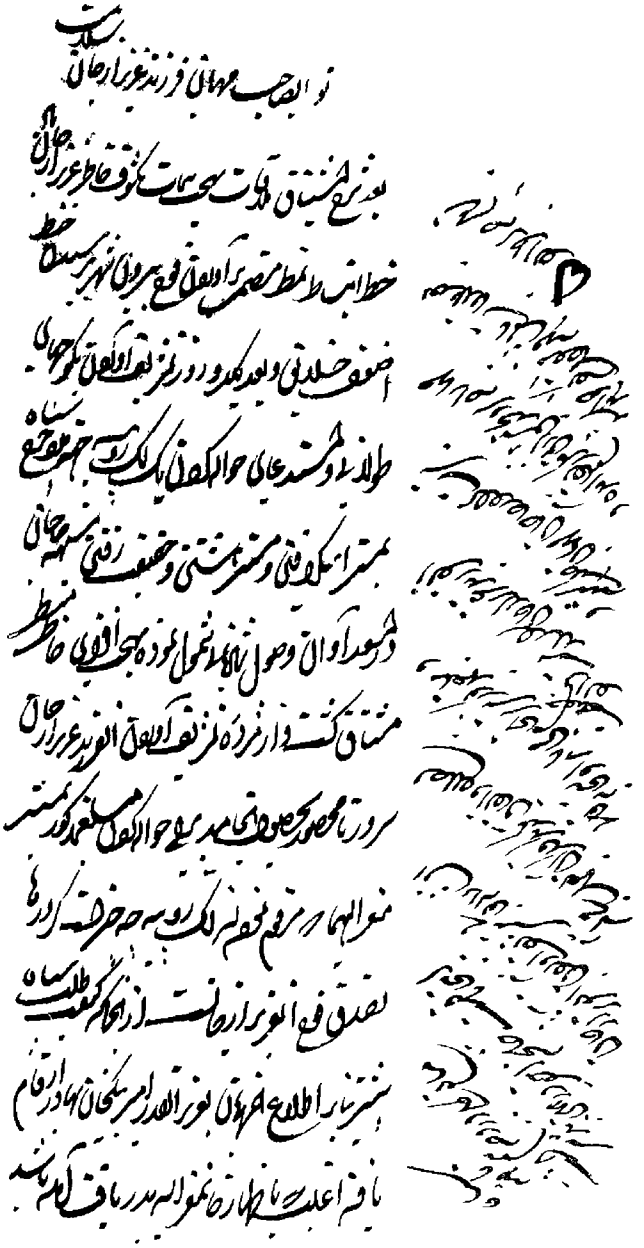

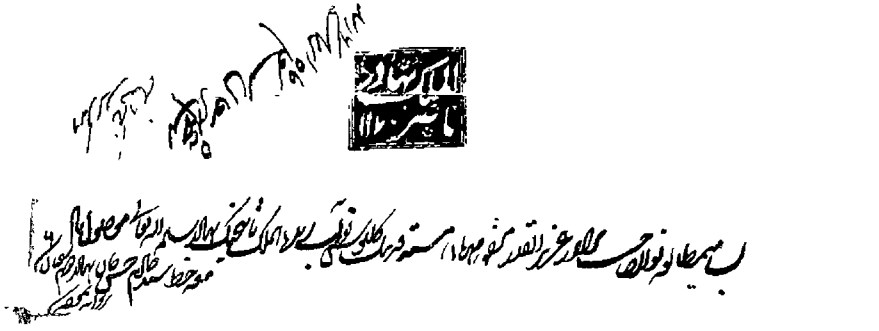

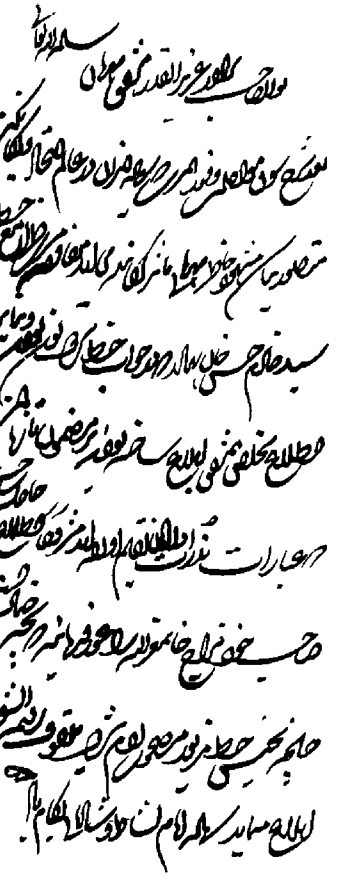

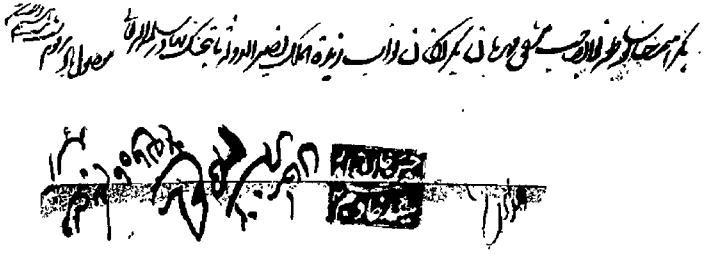

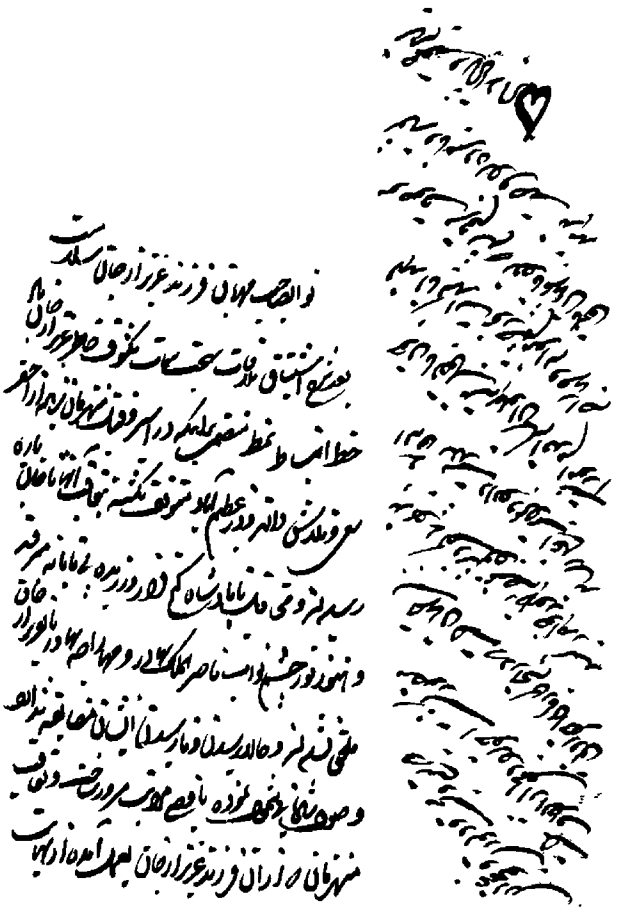

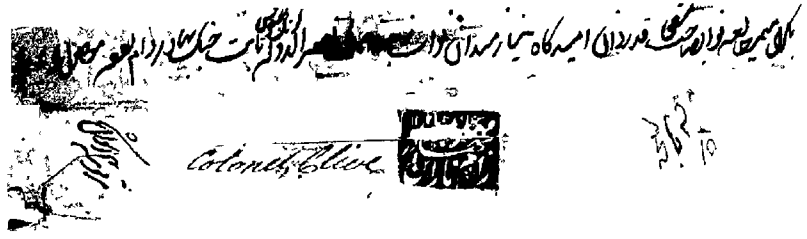

(107A)

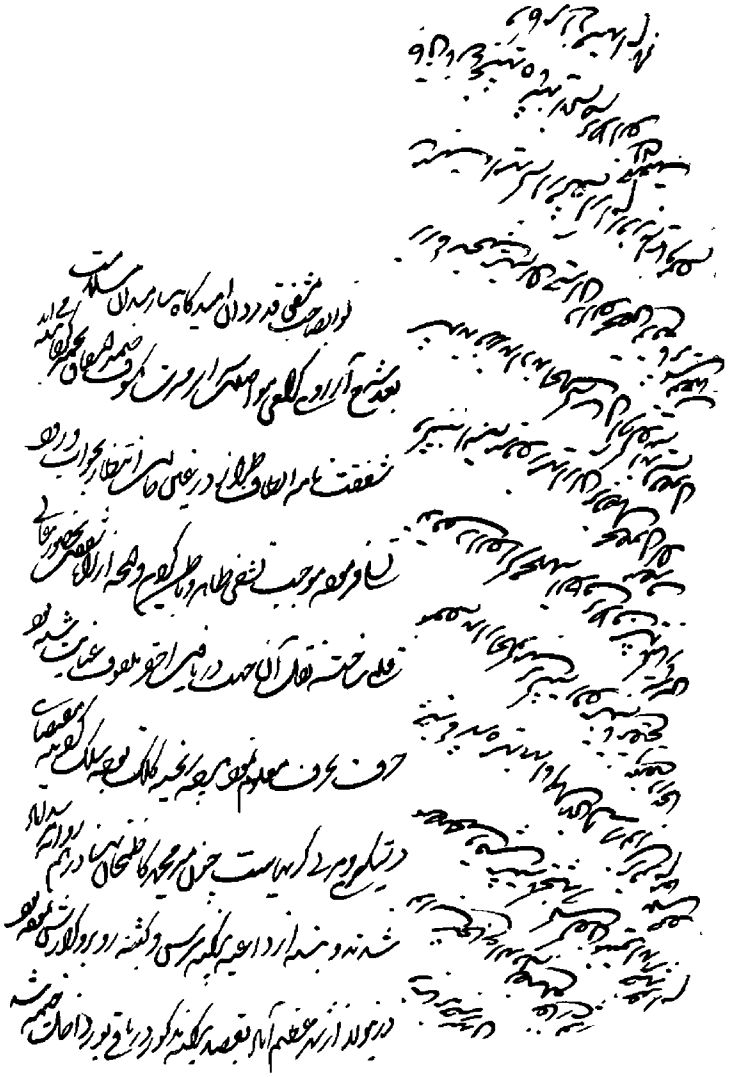

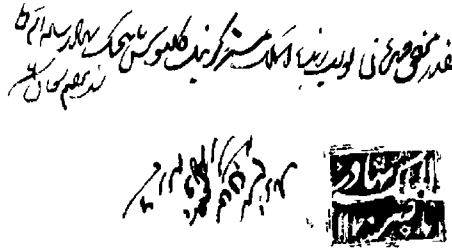

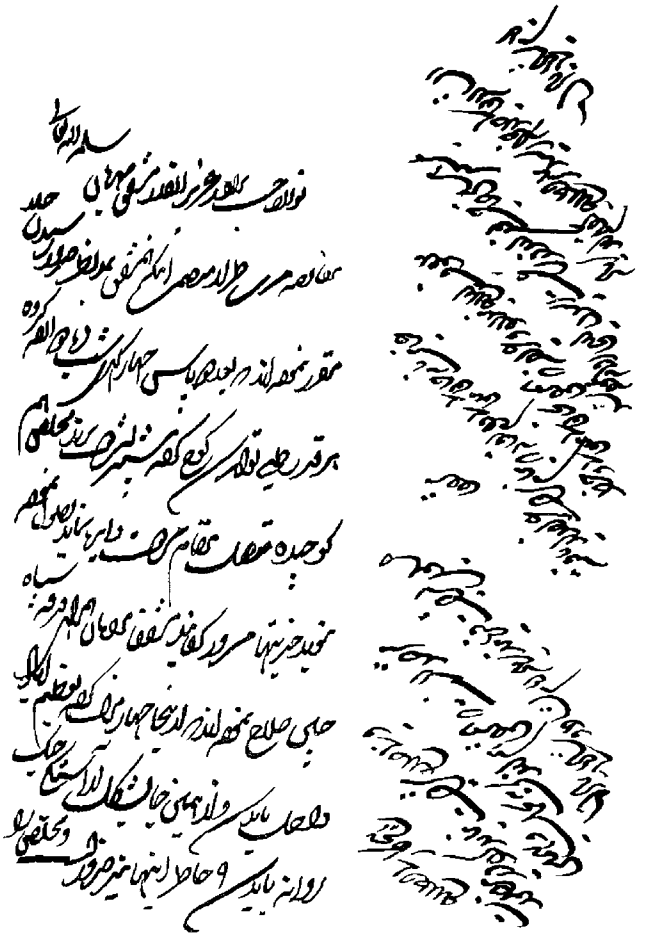

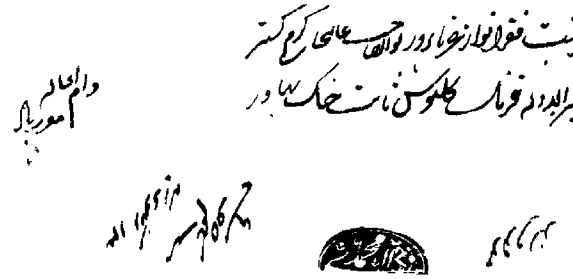

ا

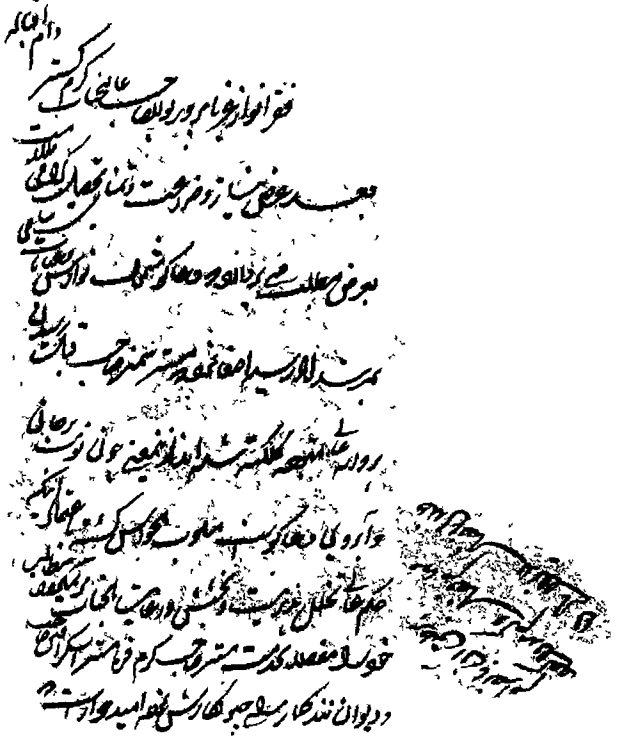

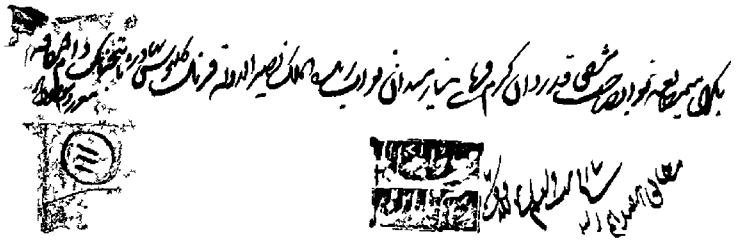

ملکا محدث نوازا صاحب مشفق و مهربان قدردان نیازمندان نواب زنده املاک مهر در پناه خاک سلمه الرحمن مرصول باد

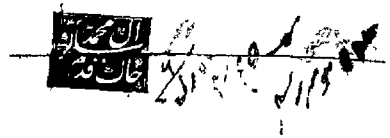

(۱۱۲)

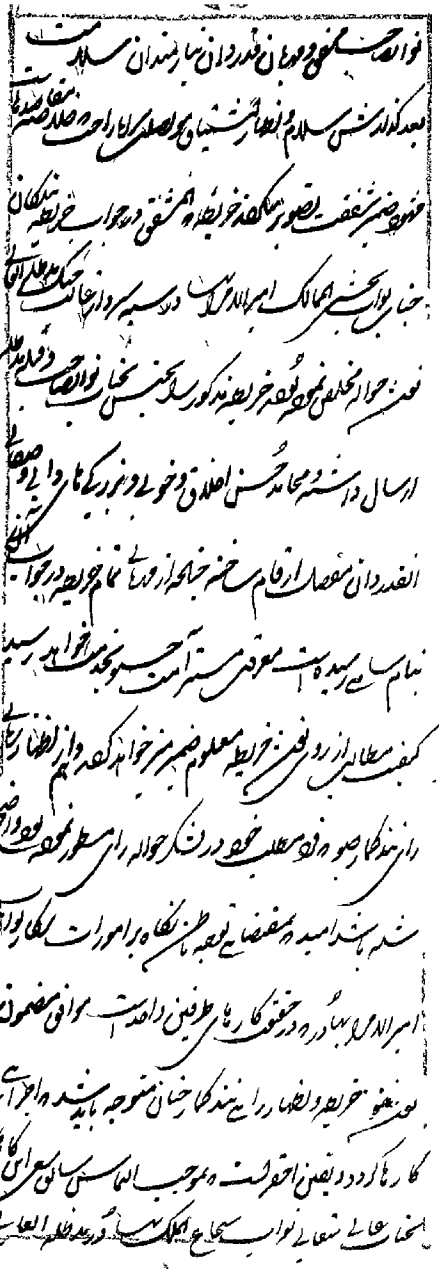

113 F1

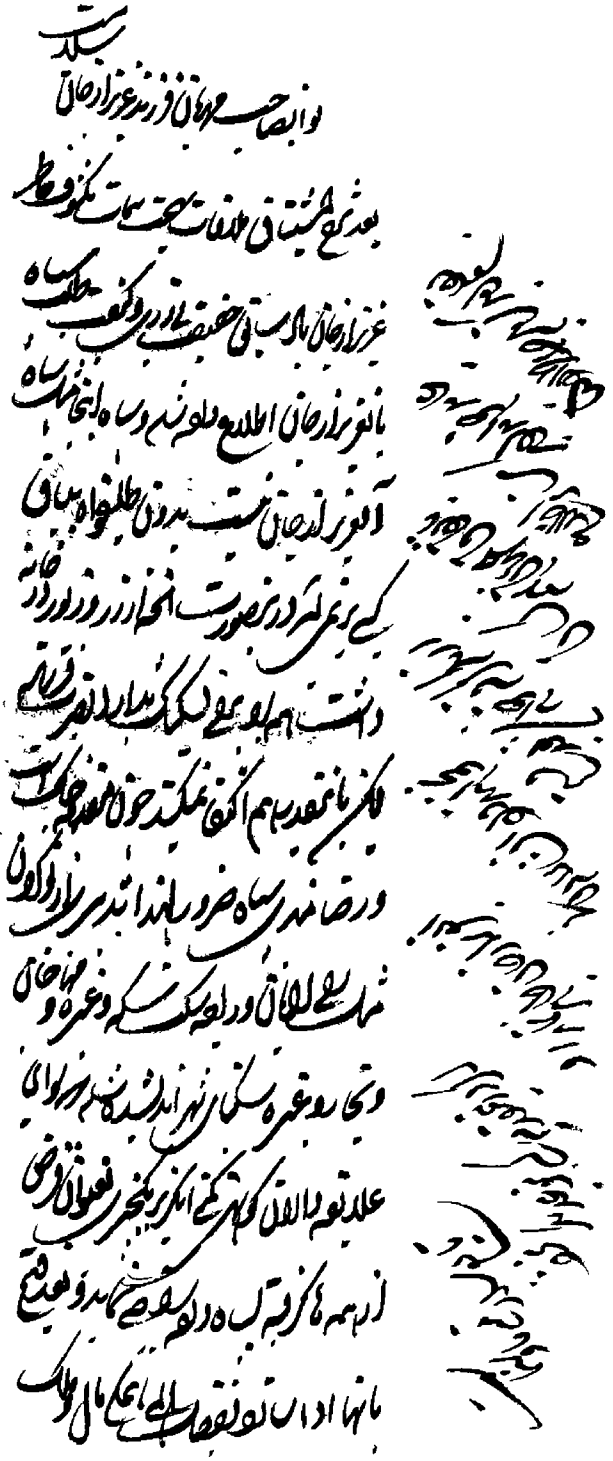

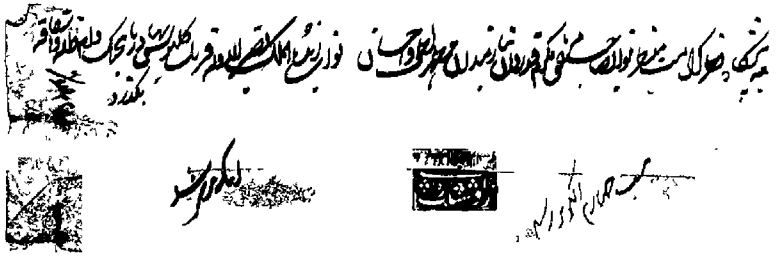

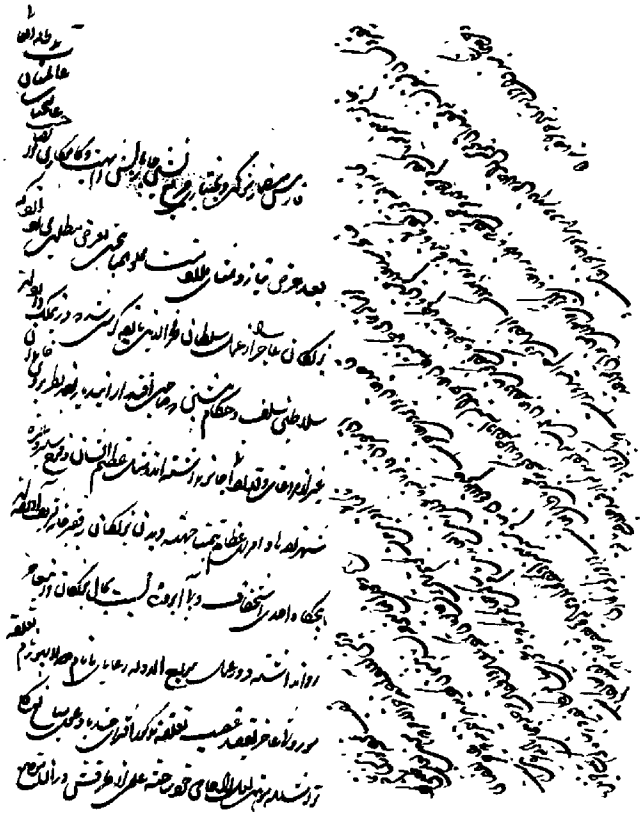

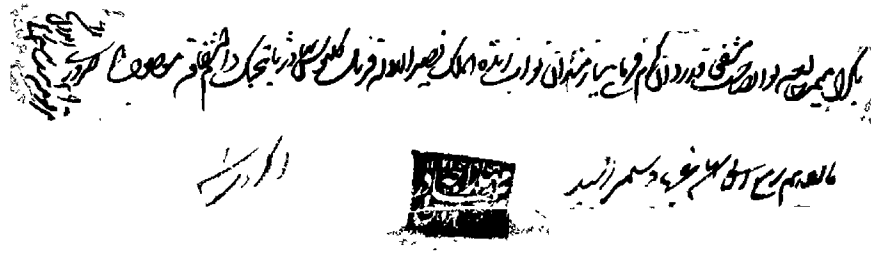

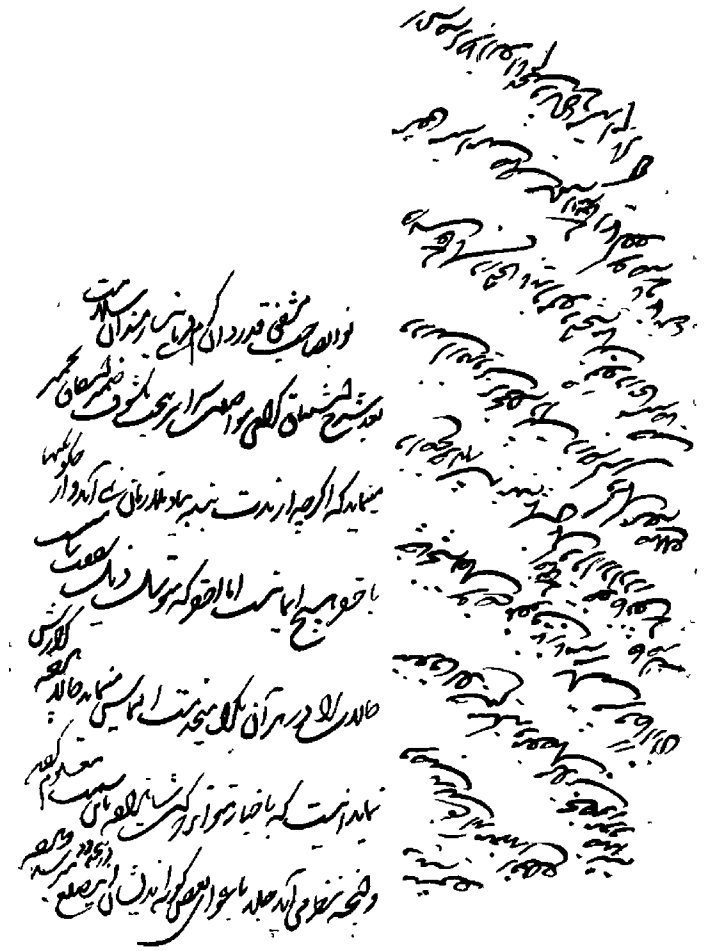

نقل عرض کردن محاسن مسمّی به طلال مصاف
جناب صبیه هشتم سورنا الدوله شاه مرحوم

معلوم خلد بود که پادشاهزاده ایمرتبه هم مثل سایر خداوندان اگر می آمد متابل و توقف خواهند کرد لیکن از انجا که
مرحمت ناکامکاری و اعوان بعضی حضرات مرکوز خاطر می آمد در حضور علیا حضرت حسب الحکم بدست آمد
نامجار تغیر فضل الله واقبال ساقی بردنجان طلب بنام نواب احمد خان سهارد کجا رفته اند و اگر نه سراغ
متوقف موقع متعهد فنجانی و به نورخان و دوستکام الدوله سهارد بخانه خیلی فلقه جمع نام علم حضور
هستند تقید طلب بقسم آورده و بالصحه شنده سهارد هم قسم که جلد مع جیب خواهد آمد شریک شوند و
بمیرسد میرزا اول تحصیل حضور نیز مانند قسم که جلد بالصحه مذکور را تو غلام نکامیابه و جاوید
نامیابه نکامکار رسانیدن و ایلچیان پردنجان و میرعیسی الله و محمد شاه و شیخ طالع یار و غیره متعهد صحاح
ناکند قلعه ساخته که جلد آمد شریک نوند و هر چند مقدور نیاورند که بعضور یا سپاه پیرو نکامکار شاهزاده
کنی بیاید علی العموم نوع نکامکار شاه ساه کرده اگر اقبال ساقی احمد جیب علم حسب نورانکار فضل الله
واقبال ساقی کرده علم بردن برآید و میدان مقابل می شود اگر وضع حسب نشان علم میرسد در قلعه متعهد
باقی اختیار فضل الله نجاب مالک بهیه در امر فتح حرکت نوانند و محو بجانب اول مقدم همه خیر کرده اورد
نجاب که جلد و اینجا کرده اند دوم فرستاده مستعد نامیابه هم ماه رحم خان و غیره لعاب جانب
آخر ربیع الاول سنه ۱۲۹۶ و اینجا نجاب طلب مهم سایر علم است خواجه محمد شریف مقصد موزصد
محرم و سنه ۱۲۹۶ فتح و نوبخانه در سه هر سه جزء مصحف رفته بعد آمد اصل قلعه و اینکه موجب اظهار
نکامکار حضور جیب قلعه شاهزاده عرض رسیده قابل اعتبار و تعاقل علی ای حال گذشته
همین قسم باقی آمد بعد و در عرض راه واقعه طلبان امقدر جسم شنده که بجهل نوکار و لک عادی اند

وصالله المصدر تمام صد و دو جلد

(117A)

هو الغنی

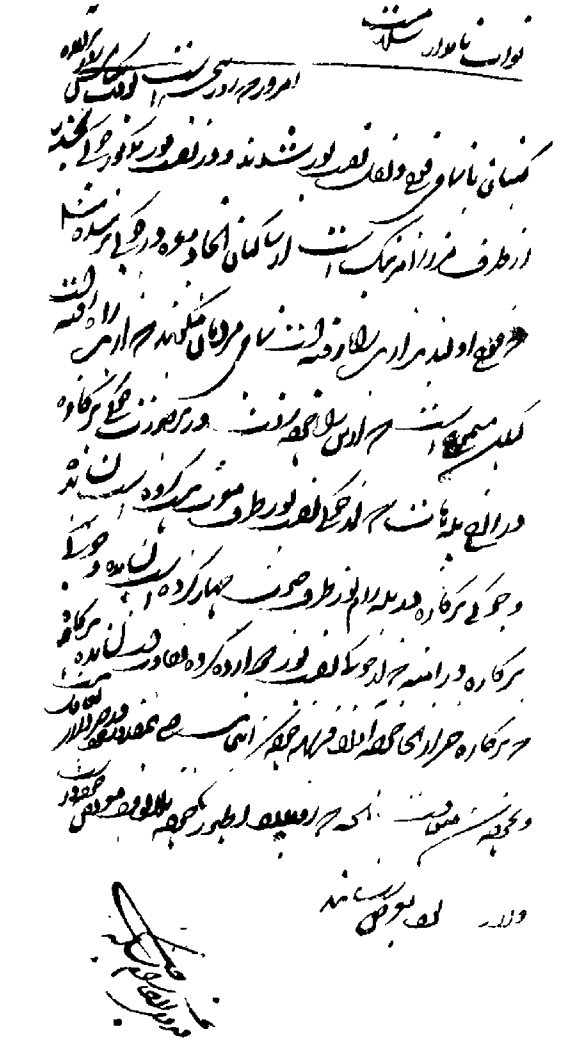

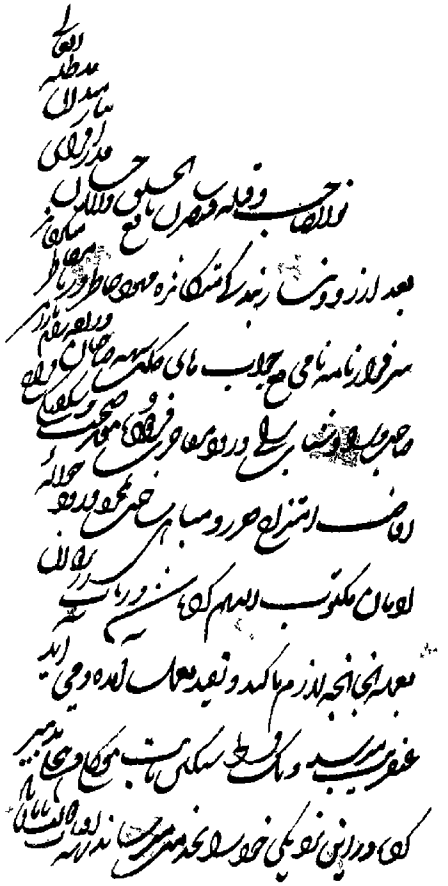

1119 A

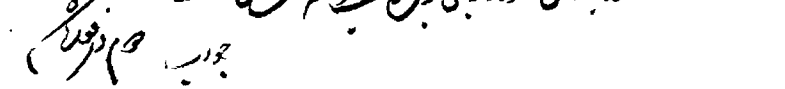

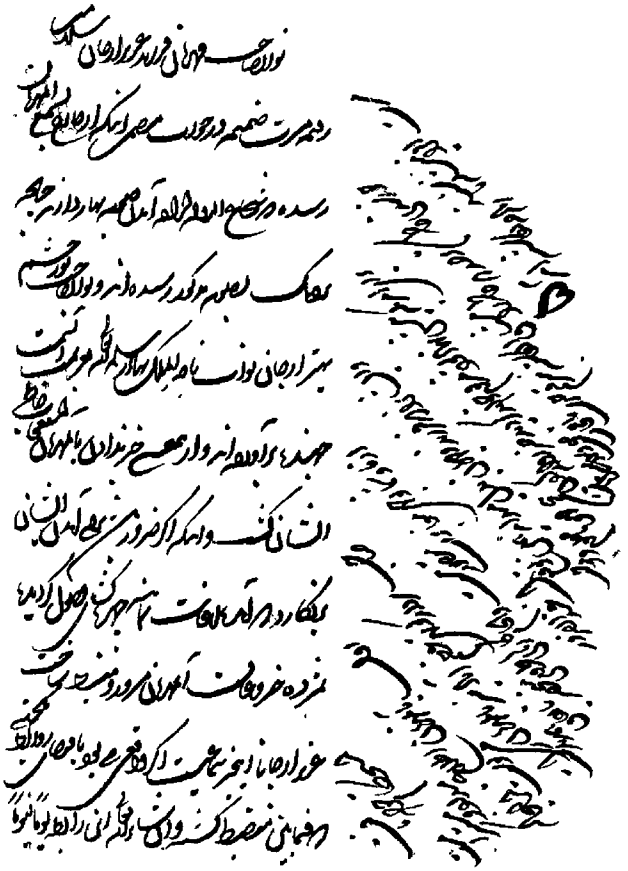

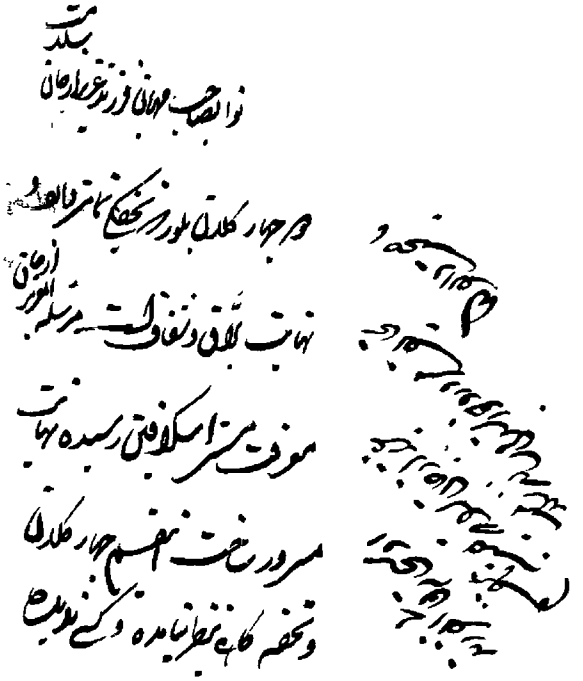

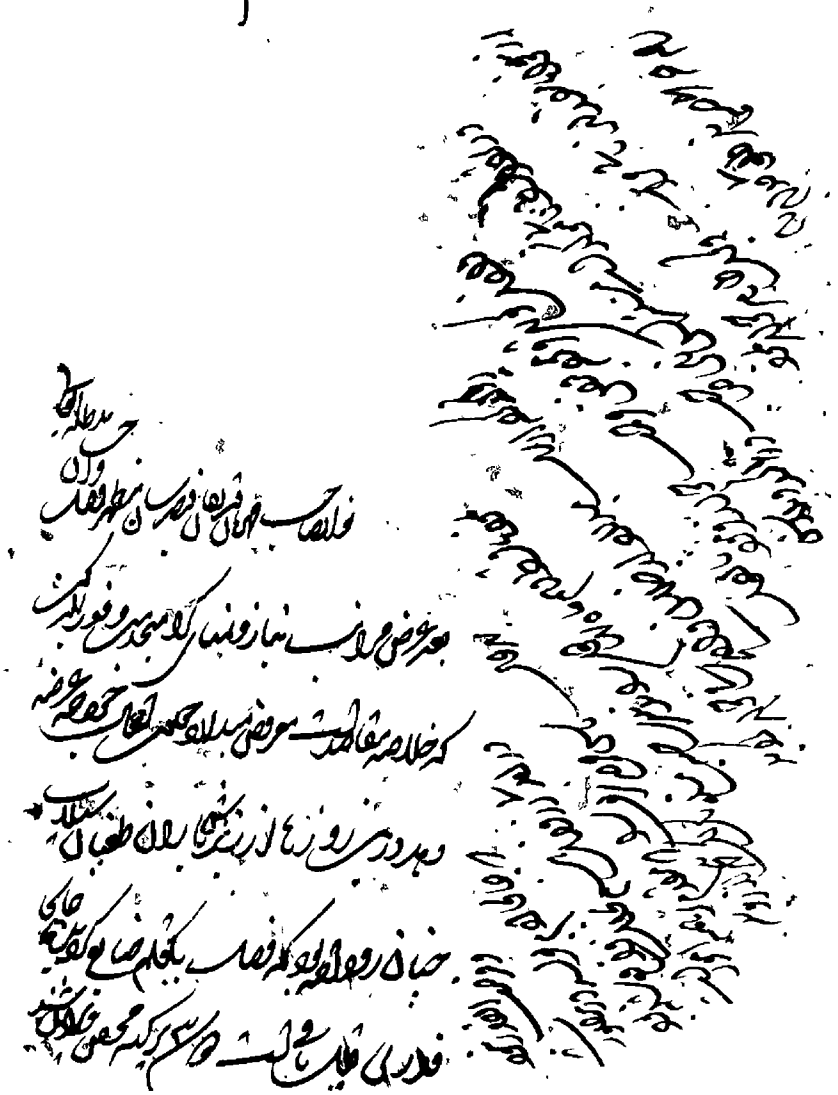

[redacted]

[redacted]

[redacted]

(123)

[redacted]

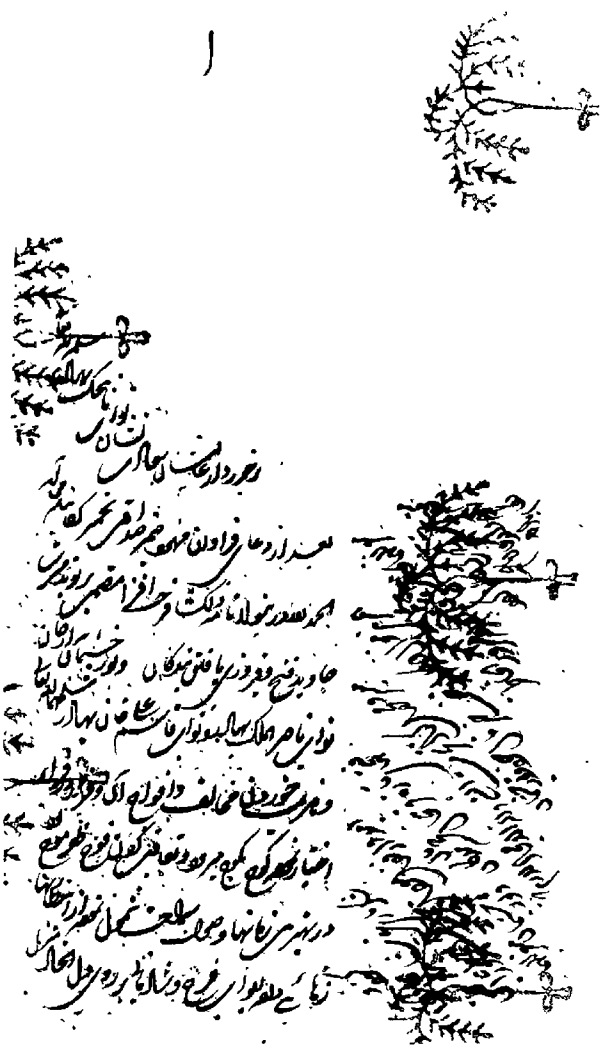

تو ای صاحب جهانی فرزند عزیز از جان نواب زبده ایالت نصیر الدوله قرمان کلب حسین ناصحک روز ولادتش ۱۳ ماه
شهور سنه ۶ جلوس

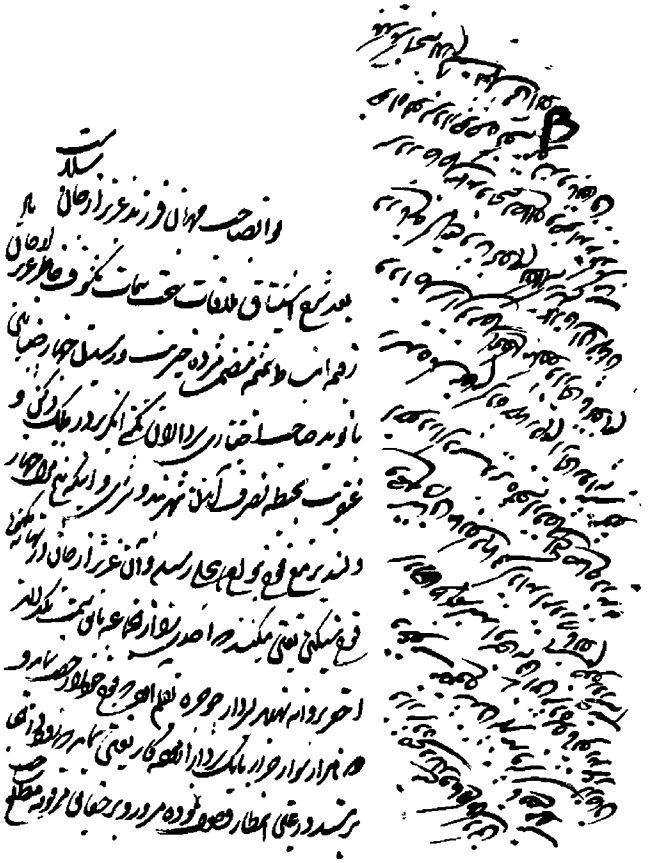

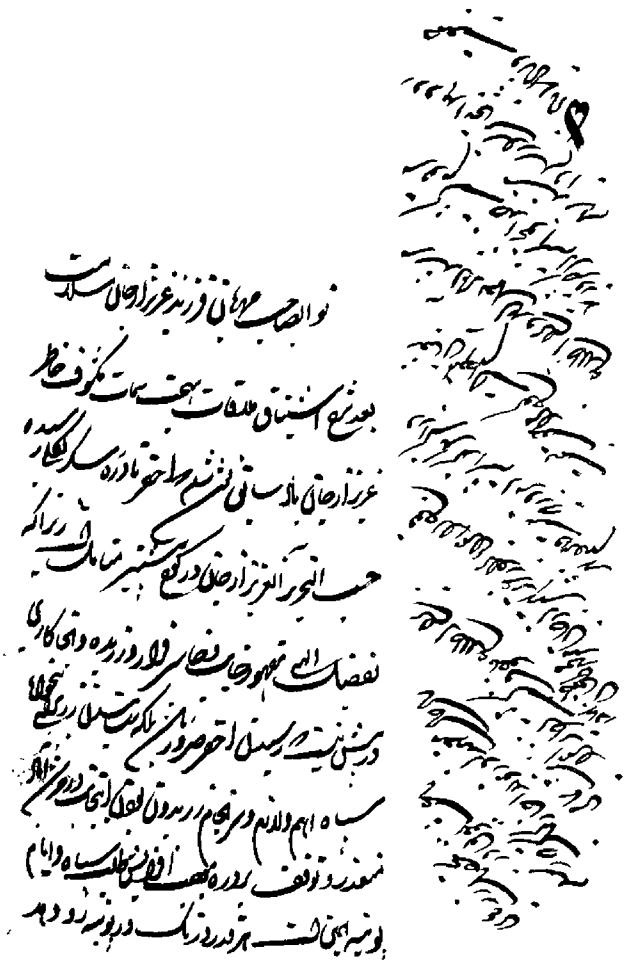

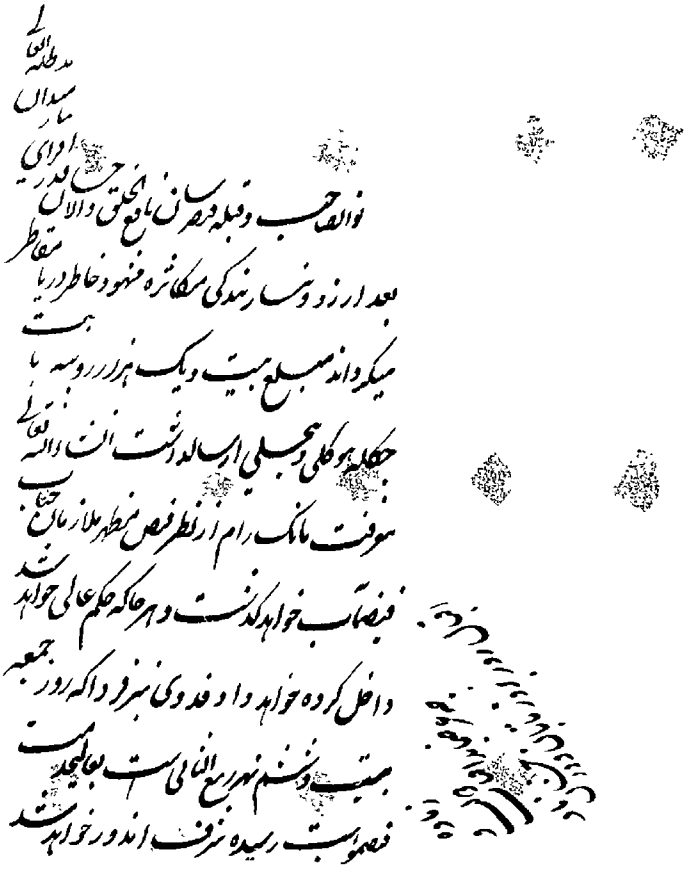

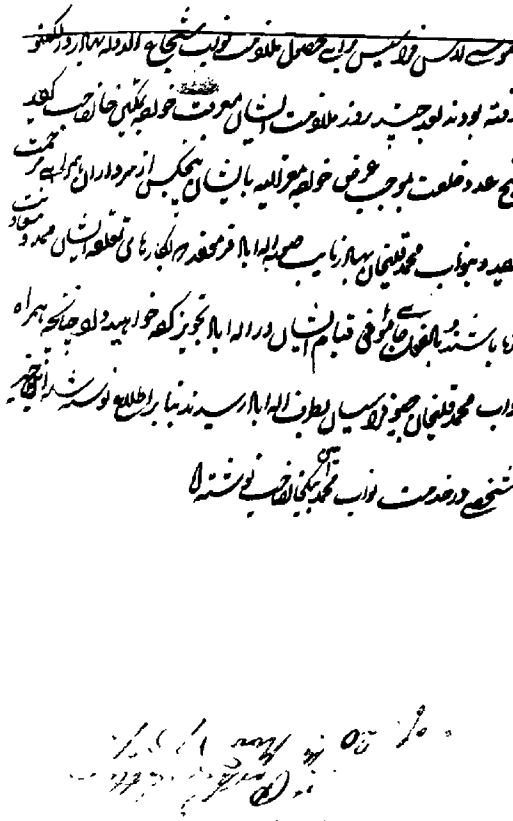

(128A)

خبر تاریخ بیست و پنجم شهر صفر سنه ۱۲۸۷ از بمبارکی سیده الله صدر اعلی خان و شیوخ بندر
داخل بمبار پورشدند خبر رسید که اشرار از عقب ایشان آمده مردمان مزبور
کوچک بغارت برده اند شجاع الدوله از دیر سابی کوچ بطرف مانکپور و زیاب کرده
نمودند
از پرگنات غالیجک و بالبهادر جنگ شده مالدیه هر دو طرف خلوه نموده
میگویند کشته شد
ملهار راو بیاد شاه نامه فرستاده اگر صوبه داری اله آباد و خدمت بمبارکی را
عنایت نفرموده ملازمت میکنم
خبر است که رام پرشاد گماشته جلب شده ملازمت نمود نامه از حضور شاه نامه
حاصل کرده فرستاده

مرحمت بیت لک رو پسر از غازی الدینخان طلب نماید و میگوید ما بلاکه
میدوم و بنهم خبرات که حضرت غازی الدینخان مطمار سلطنت بعد چند روز
بنوبت الله مرکو خواهند فرمود

128B

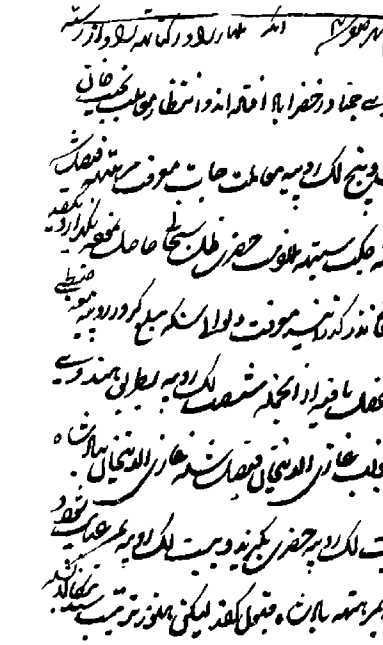

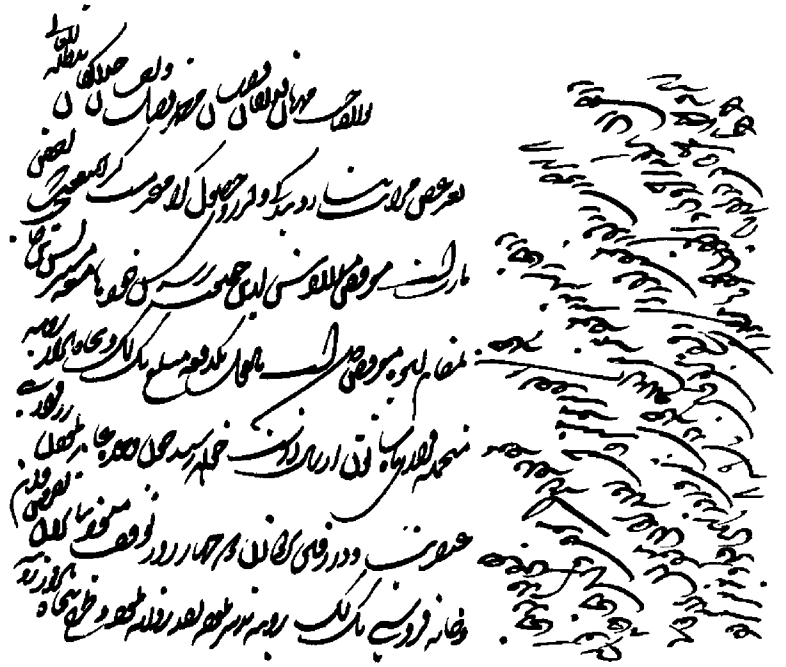

(129A)

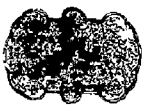

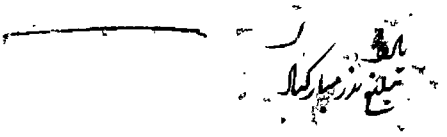

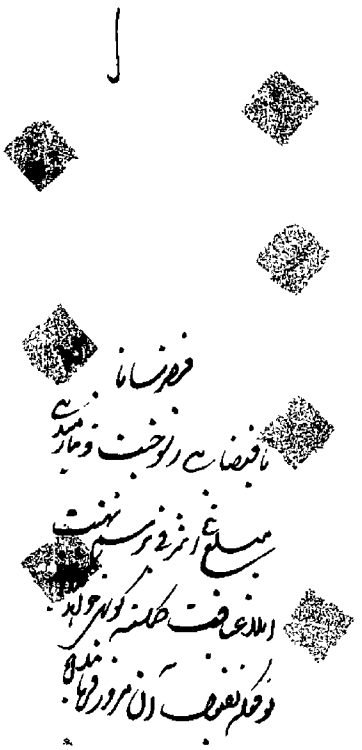

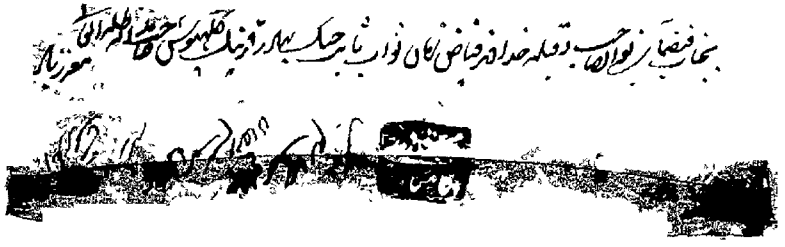

هو الغنی

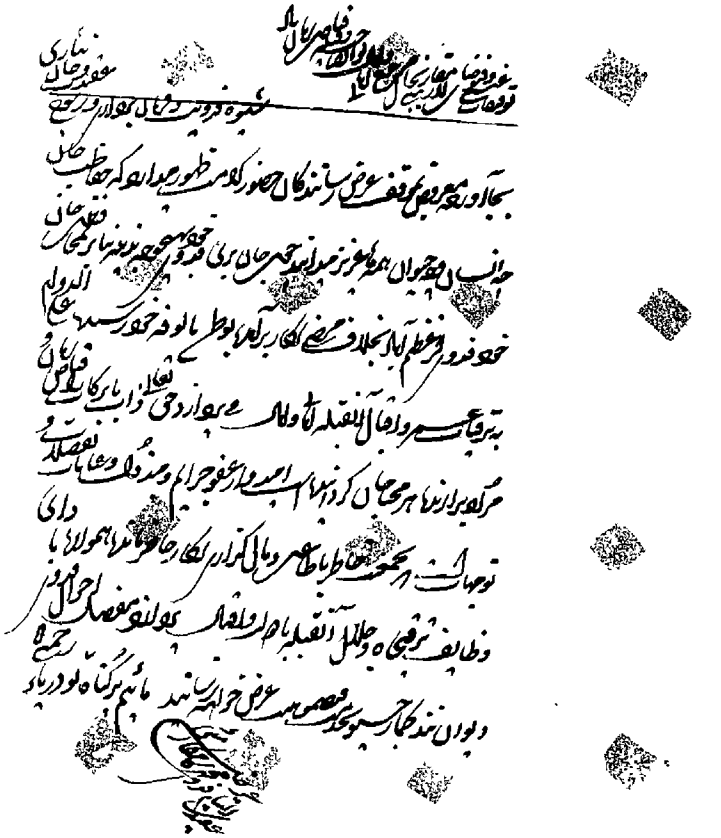

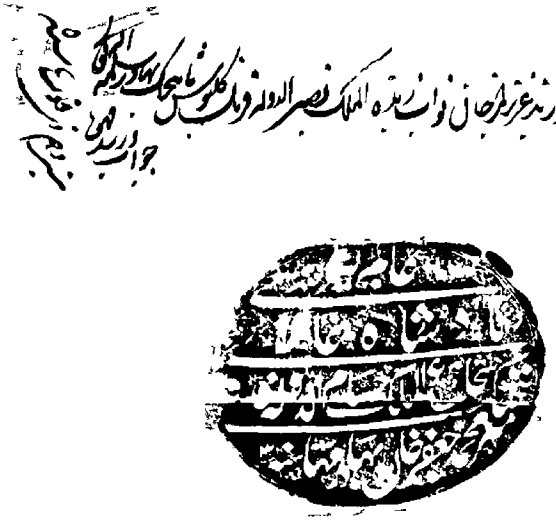

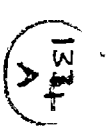

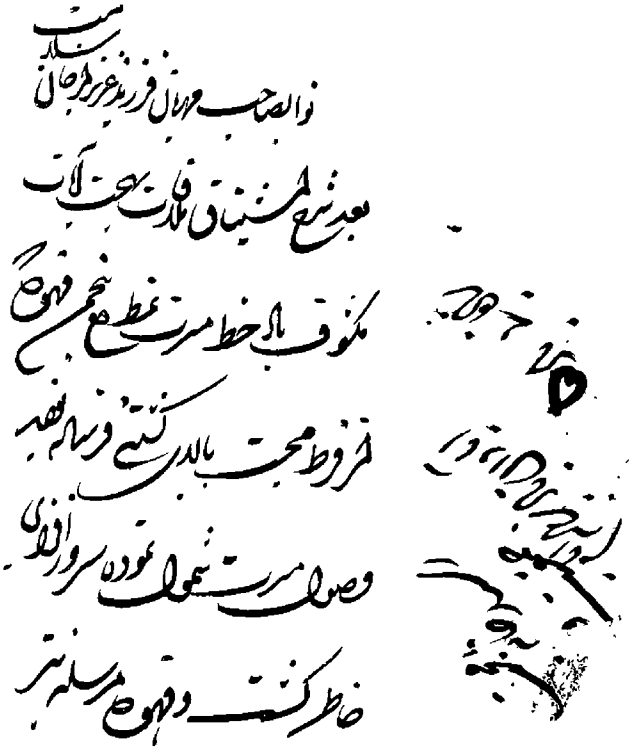

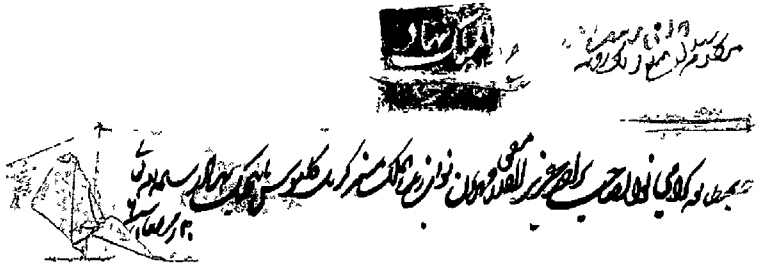

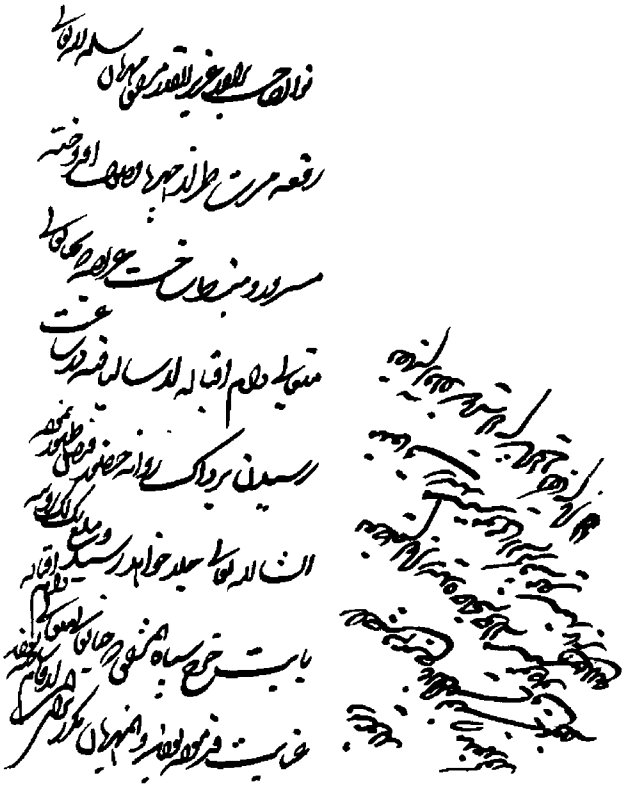

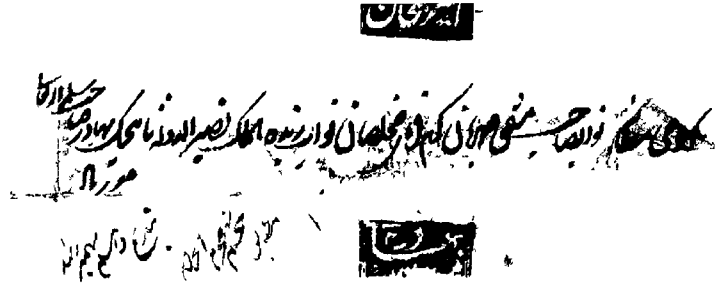

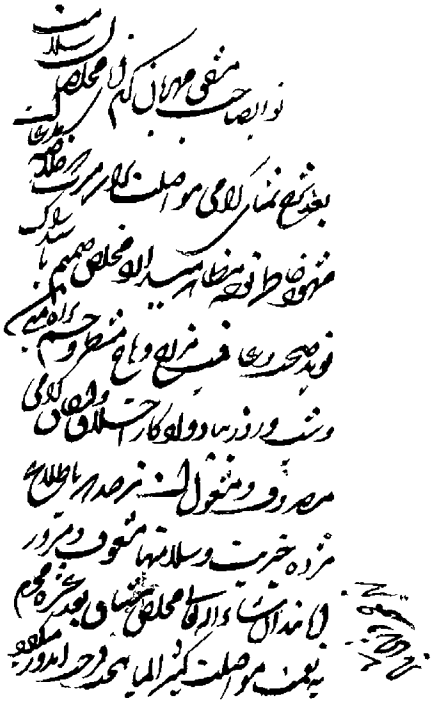

137
A

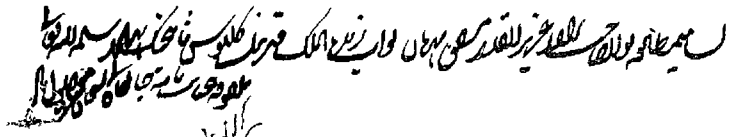

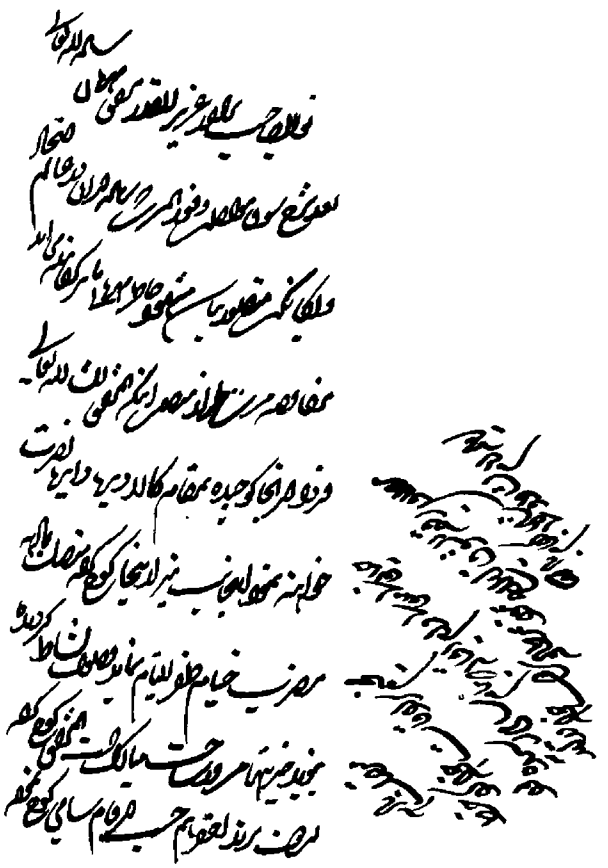

از نظر فیض مظهر حضرت صاحب فیضان و احسان مظهر قضا و حسان ظل یزدان زبدهٔ اسلاف نقد بلاد و نواب مالی محکمهٔ مالیهٔ مستوفی ناظم

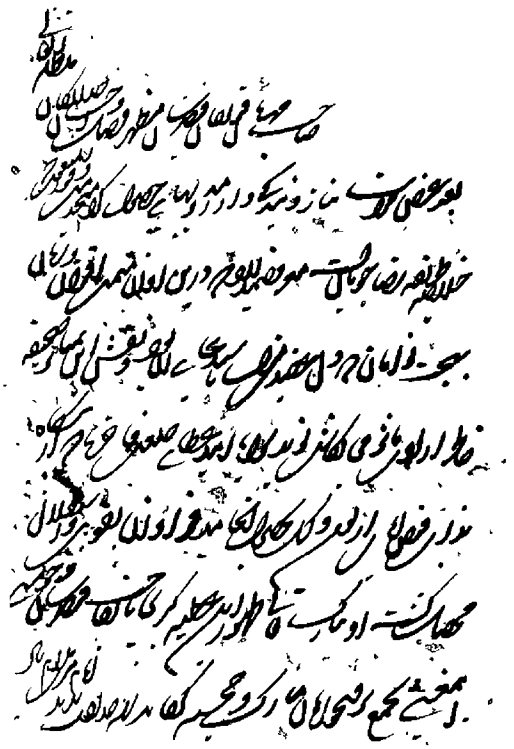

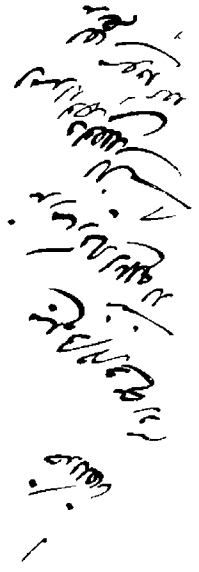

1404

ل

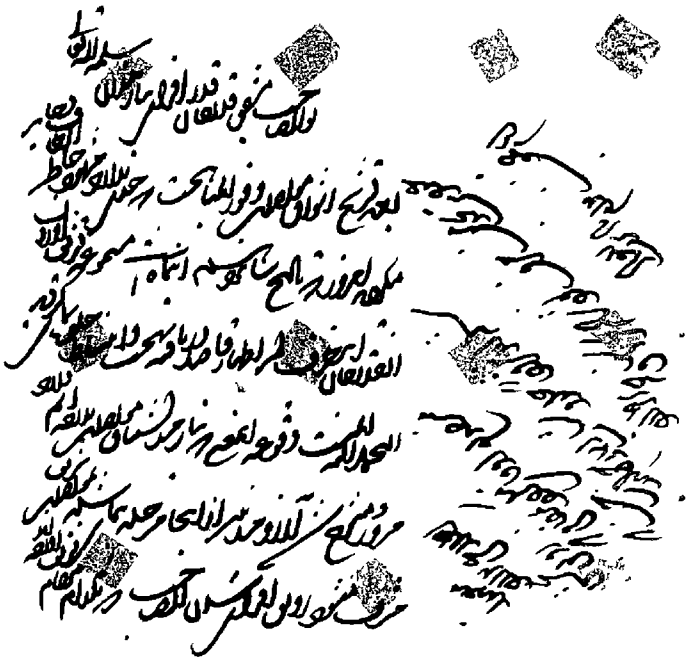

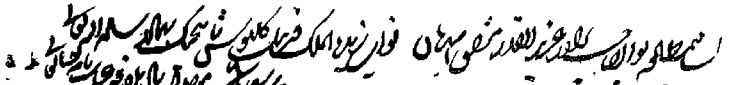

نواب صاحب مرحوم فرزند عزیز جناب نواب ریاض الملک نصیر الدوله فرزند کلوس نامی سابق

(1439)